

50 روش ساده برای علاقه مند کردن فرزند به مطالعه

نویسنده: کتی ای. زاهلر

مترجم: سارا رئیسی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

سخن ناشر

امروزه در جامعه ای ما والدین نقش ویژه ای در آموزش فرزندان خود به عهده گرفته اند. این امر از یک سو به احساس مسئولیت و نگرانی آنها نسبت به آینده عزیزانشان مربوط می شود، و از سوی دیگر ناشی از سهمی است که نظام آموزشی کشور و مدارس به عهده آنها گذاشته اند.

به هر حال، اغلب پدران و مادران در برابر این مسئولیت خطیر از اطلاعات و دانش کافی برخوردار نیستند و مشتاق اند که بدانند چه باید بکنند.

مجموعه (کلیدهای آموزشی کودکان و نوجوانان) که یک جلد از آن را در دست دارید، هدفش ارائه ای راهکارهای عملی و شیوه های مؤثری است که می تواند به والدین کمک کند تا فرزندانشان را در راه رشد علمی و آموزشی یاری کنند.

در ترجمه کتاب های این مجموعه و در موارد محدودی، مثال ها و جایگزین هایی که برای خواننده ی ایرانی آشناتر و قابل استفاده تر باشد، به کار گرفته شده است.

نشر صابرین

مقدمه

سخنی با والدین

فکر می‌کنم یکی از آدم‌های خوش اقبال بودم. خانه‌ای که در آن بزرگ شدم پر از کتاب بود و والدینم هر دو به مطالعه عشق می‌ورزیدند. خواندن را خیلی زود آموختم و پس از آن همیشه می‌خوانم. هنوز هم تفریح مورد علاقه‌ام خواندن است.

دختر کوچکی دارم که به کتاب‌های تصویری علاقه مند است. در بغل من می‌نشیند و صفحه‌های کتاب خود را ورق می‌زند، گاهی نیز روی صفحه‌ها خم می‌شود و ادای خواندن را در می‌آورد. مطمئنم او نیز در آینده خوب می‌تواند بخواند، اما این اطمینان را از کجا می‌توان به دست آورد؟

توانایی خواندن فرزند خود را نمی‌توانم با قطعیت پیش‌بینی کنم اما بهترین کاری که می‌توانم انجام بدهم این است که راه او را هموار کنم تا بتواند به ادبیات و متاب علاقه مند شود. از همان ابزاری استفاده می‌کنم که در این کتاب پیشنهاد کرده‌ام: با هم خواندن، به کتابخانه رفتن، قصه تعریف کردن و فراهم آوردن محیطی مناسب برای مطالعه در خانه.

این که دخترم در امتحانات استاندارد نمره خوبی کسب کند یا از نظر سطح توانایی خواندن جزو بهترین بچه‌های کلاس باشد، برای من کافی نیست. می‌خواهم به خواندن عشق بورزد، در داستان‌ها گم شود و در پایان هر داستان، در حالی آن را کنار بگذارد که تحت تأثیر آن قرار گرفته تغییر کرده است. اما هر پدر و مادری می‌داند که انتقال علایق خود به فرزندان کار ساده‌ای نیست. دخترم از هم‌اکنون نیز از خود اراده دارد. آیا او نیز به همان کتاب‌های علاقه

خواهد داشت که من داشتم؟ احتمالا نه. آیا می توانم با این موضع کنار بیایم؟ امیدوارم.

فعالیت ها و پیشنهادهای این کتاب به چهار بخش تقسیم می شود. بخش اول (مطالعه را با هم تجربه کنید) است. کارشناسان مطالعه با این مسئله موافق اند که مطالع والدین برای موفقیت بچه ها در خواندن ضروری است. اما همه بر سر این موضع توافق ندارند. همانطور که خواهید دید، خواندن را می توان به روشهای مختلف در زندگی روزمره به کار برد و لازم نیست که حتما مانند یک درس رسمی به آن پرداخت.

بخش دوم، (مطالب خواندنی در دسترس قرار دهید)، ممکن است غیر معقول به نظر رسد اما من خانه هایی را دیده ام که افراد آن کاملا هوشمند بوده اند اما تنها مطلب خواندنی که در آنجا یافت می شد یکی دو تا کتاب آشپزی، یک مجله الکترونیک یا نوشته های پشت جعبه کیک آماده بوده است. درست کردن یک کتابخانه در منزل نه مشکل و نه پرهزینه است. روش آن را به شما خواهیم گفت.

دو بخش آخر به رفتارهای فرزندتان و به برخورد خودتان مربوط می شود. در (رفتار بچه ها را اصلاح کنید) چند روش استاندارد برای خواندن نقادانه ارائه داده ام که به راحتی می توانید در خانه به کار گیرید. در (رفتار خود را اصلاح کنید) نشان داده ام که چگونه می توانید با تغییر فکر و رفتار خود توانایی های فرزندتان را افزایش دهید. نمی گویم خودتان را از پایه عوض کنید: تغییرات ساده ی شما وضعیت فرزندتان را بهبود خواهد بخشید.

این کتاب از آن کتاب های نیست که از صفحه اول تا آخر بخوانید و دوباره در قفسه بگذارید، بلکه مجموعه ای است از پیشنهادها که می توانید هنگام نیاز

از آن استفاده کنید. در ابتدای هر فصل یک حکایت آورده ام که ممکن است احساس آشنایی را در شما نیز زنده کند و بگوید. (آها! من هم چنین تجربه ای داشته ام!) دستورالعمل های زیادی نیز در کتاب آورده ام: چگونه برای تابستان برنامه مطالعه شخصی خود را تنظیم کنید، چگونه در خانه نمایش اجرا کنید، چگونه هنگام تعمیر خانه تمرین خواندن کنید، چگونه از روی تصاویر قصه بگویید و الی آخر. فهرست کتاب های سری، داستان هایی

که کارتون یا فیلم آن ساخته شده است، کتاب های مربوط به مناسبت های ملی و مذهبی، نوارهای قصه و مجله های کودکان را نیز آورده ام. این فهرست ها به شما کمک می کند کتابخانه منزل خود را تاءسیس یا به آن چیزهایی اضافه کنید.

وقتی کتابی را تمام می کنم که از آن لذت برده ام، در بسیاری از اوقات دنبال کتاب های دیگری درباره همان موضع یا از همان نویسنده می گردم یا درباره موضوعی که قبلا برایم ناشناخته بود با دوستان یا خانواده بحث می کنم و آنچه را خوانده و آموخته ام در زندگی خود به کار می گیرم. اگر این کتاب را انتخاب کرده اید نشان می دهد که دست دارید فرزندان به خواندن علاقه مند شود. اما این نقطه آغاز راه است. امیدوارم پیشنهادهایم به شما کمک کند تا افکار خود را نیز پرورش دهید و امیدوارم به این نتیجه برسید که در تلاش خود برای پرورش فرزندی که به خواندن علاقه مند است، از منابع دیگر نیز کمک بگیرید.

کتی ای. زاهلر

بخش ۱: مطالعه را با هم تجربه کنید

۱. بگذارید فرزندان ببینند که شما می‌خوانید

وقتی براندن برای اولین بار به خانه ی جک رفت، بیش از هر چیز مجذوب جعبه ی حیوانات شد. درون جعبه حیوانات یک لاک پشت کله سرخ و یک قورباغه بود که از برکه گرفته بود. کارت های بازی جک نیز برای براندن جالب بود اما موضوع دیگری نیز توجه براندن را جلب کرد: مادر جک به بچه ها خوش آمد گفته بود، برای آنها نوشابه ریخته بود و برگشته بود سراغ کتابی که مشغول خواندنش بود.

براندن پرسید: (مادرت چه کار می‌کند؟)

جک سرش را بالا برد و گفت: (لابد دارد کتاب می‌خواند.)

براندن مکث کرد و بالاخره پرسید: (مگر با این سن و سالش به مدرسه می‌رود؟)

اولین نشانه موفقیت بچه ها در مدرسه، مطالعه در خانه است. برای این که بچه ها در خانه مطالعه کنند باید یک الگوی رفتاری داشته باشند که در خانه مطالعه می‌کند. اگر والدین کتاب بخوانند، احتمالاً فرزندان نیز اهل خواندن می‌شوند. اگر والدین اهل مطالعه نباشند، احتمالاً فرزندان نیز اهل مطالعه نخواهند شد به نظر این بچه ها خواندن فعالیتی است که صرفاً به مدرسه مربوط می‌شود.

پس خیلی ساده است: اگر می‌خواهید فرزندان در مدرسه موفق باشد و اگر می‌خواهید به مطالعه عشق بورزد، اگر می‌خواهید فرزندان را کتاب خوان بار بیاورید، خودتان باید مطالعه کنید.

اگر روزنامه صبح را هنگام صرف صبحانه تورق می کنید خوب است اما به هیچ وجه کافی نیست. آنچه فرزندان نیاز دارد این است که ببیند به طور مرتب برای خواندن کتاب وقت زیادی می گذارید.

اگر اهل مطالعه نیستید مقداری کار می برد:

باید ببینید که به خواندن چه مطالبی علاقه دارید.

باید در خانه کتاب داشته باشید. (به روش های 16 و 25 مراجعه کنید).

باید تلویزیون را خاموش کنید. (به روش 46 مراجعه کنید).

باید کاری در نظر بگیرید که فرزندان در زمان مطالعه شما به آن پردازند.

(چطور است به آنها هم کتاب بدهید؟)

هر چقدر هم که کتاب خواندن برنامه زمانی شما را تحت فشار قرار دهد و از وقت شما برای انجام کارهای دیگر بکاهد. نتیجه آن در طولانی مدت با ارزش است. اگر خودتان از مطالعه کردن لذت نمی برید. چطور می توانید انتظار داشته باشید فرزندان لذت ببرند؟ اگر فکر می کنید فرزندان باید صرف این که بچه است کاری را انجام بدهد که خود شما انجام نمی دهید، کارتان از روی دورویی است. اگر وقت بگذارید و کتاب بخوانید به طور غیر مستقیم به فرزندان می گوید که خواندن مهم است. اما اگر برایش سخنرانی کنید و او را پسند و اندرز دهید و برایش موعظه کنید، هرگز نمی توانید این پیام را به او منتقل کنید.

2. اطلاعاتی را که از مطالعه به دست می آورید، تقسیم کنید

هر وقت که جرمایا از فرزندش پرسید: (امروز در مدرسه چه آموختی) تنها جوابی که می شنید این بود: (چیز خاصی یاد نگرفتم) این بار تصمیم گرفت که سر میز شام سر صحبت را جور دیگری باز کند و گفت:

(امروز در روزنامه خواندم که افرادی که کلسترول طبیعی دارند می توانند بدون این که با مشکلی رو به رو شوند روزانه دو تا تخم مرغ بخورند.)
همه بلافاصله شروع به صحبت کردند. پسر نوجوانش بهتندی گفت: (هر چه راجع به کلسترول می گویند چرت است.)
همسرش با تعجب گفت: (اصلا این طور نیست کلسترول خون عمویت بالاست و به همین دلیل در خطر بیماری قلبی است.)
دخترش گفت: (بله، ولی اگر واقعا راست می گویند چرا هر چند ماه یک بار، نظرشان عوض می شود؟ کتاب بهداشت ما پنج سال پیش چاپ شده و مطالبی که در آن نوشته اند با آنچه امروز می گویند کاملا تفاوت دارد.)
پسر جرمایا از جایش بلند شد و گفت: آگهی این مجله را نگاه کنید. تبلیغ تخم مرغ است که می گوید حالا دیگر همه می توانند تخم مرغ بخورند. می بینید، هنوز نتیجه تحقیقات منتشر نشده است که تبلیغ در مجله چاپ می شود! فکر نمی کنید مسئله کمی مشکوک است؟)
جرمایا به پشتی صندلی خود تکیه داد. او از واکنش خانواده نسبت به سخنی که بدون قصد و غرض به زبان آورده بود، جا خورده بود.
شما از مطلبی که می خوانید، روزانه چیزهایی می آموزید. پس چرا آن را با خانواده خود در میان نگذارید؟ خبر کوتاه یک روزنامه، شایعه ای که در خبرنامه شرکتتان چاپ شده یا آماری که در گزارش سالانه چاپ می شود می تواند جرقه یک بحث یا گفت و گو را بزند.
بعضی از بچه ها بیشتر به هدف سرگرمی کتاب می خوانند و گاهی از این که می توان با هدف کسب اطلاعات نیز مطالعه کرد، بی خبرند. گرچه از کتاب های درسی خود در مدرسه اطلاعاتی به دست می آوردند اما اگر آنها را به حال

خود بگذاریم مطالب علمی را انتخاب نمی کنند. اما بزرگسالان بیشتر به هدف اطلاعات مطالعه می کنند نه به این دلیل که دوست دارند، بلکه چون این مطالب بخش عمده ای از کار روزانه ی آنها را تشکیل می دهد.

اگر اطلاعاتی را که از مطالعه خود به دست می آورید با فرزندانتان در میان بگذارید، می توانید آنها را برای خواندن به قصد کسب اطلاعات آماده کنید. با این کار به بچه ها می فهمانید که به آنچه می خوانید علاقه دارید و دوست دارید آنها نیز به آن علاقه مند شوند. وقتی بچه ها می بینند که چگونه از اطلاعاتی که به دست آورده اید استفاده می کنید، دیگر کمتر از خواندن به قصد کسب اطلاعات خواهند ترسید.

حتی می توانید فرزندانتان را تشویق کنید اطلاعاتی را که از خواندن به دست می آوردند با شما در میان بگذارند، اگر پیرسید: (در کتاب علوم شما درباره کلسترول چه چیزی نوشته اند؟) جالب تر از آن است که پیرسید: (امروز در مدرسه چه چیزی یاد گرفتی؟)

حتی یک هفته بعد از صحبت کلسترول در خانواده جرامایا سر میز شام، بحث همچنان داغ بود. دختر جرامایا یک بخش از کتاب بهداشت خود را برای همه خوانده بود و همسر او نیز جزوه ای را از مطب دکتر به خانه آورده بود.

پسرش با خواندن جزوه متقاعد شده بود که کلسترول می تواند مسئله آفرین باشد اما همچنان اعتقاد داشت که کلکی در کار صنایع تولید تخم مرغ هست. از طرفی جرامایا نیز از این که دیگر مجبور نیست عبارت کلیشه ای از بچه ها پیرسد، تا آنها نیز از سر بی حوصلگی جواب دهند، سرشار از شادی بود چون خانواده اش واقعا با هم ارتباط کلامی برقرار کرده بودند.

3. با صدای بلند بخوانید

(لوک) که تازه خواندن یاد گرفته بود، هنگام خواندن کتاب داشتن خود، سر این جمله گیر کرد: (آن را به من بده، دادش روباه.) او همه کلمات را می توانست بخواند اما معنی جمله را نمی فهمید. فکر می کرد شاید جمله باید این طور نوشته می شد: (آن را به دادش من بده، روباه.) یا (آن را به دادش روباه من بده) لوک هنوز علائم نقطه گذاری را خوب نمی فهمید و کلمات را تک تک و با لحن یکسان می خواند و به همین دلیل نمی توانست معنی این جمله خاص را بفهمد.

لوک بعدها از پدرش خواست که داستان را با صدای بلند بخواند. پدرش قصه را با لحن مناسب خواند تا به جمله اسرار آمیز رسید و سپس قصه را تمام کرد. لوک تک تک کلمات داستان را فهمید.

درک مطلب بچه ها هنگام خواندن، به طور طبیعی از توانایی آنها هنگام برقراری ارتباط کلامی کمتر است. بچه ها هنگامی که مدرسه را شروع می کنند صدها کلمه را می فهمند اما فقط چند کلمه را می توانند بخوانند یا بخش کنند. این اختلاف زمانی از بین می رود که بچه ها در خواندن مهارت به دست بیاورند و کلماتی را که قبلاً به صورت شفاهی استفاده می کردند، به طور مرتب به صورت نوشتاری ببینند.

علاوه بر آن سطح توانایی بچه ها در خواندن، از سطح علائق آنها نیز پایین تر است. بچه های کلاس اول قادر به درک مطالبی بسیار پیچیده تر از (بابا آب داد) هستند. اما چون هنگام خواندن مهارت کافی برای درک مطلب نوشتاری پیچیده ندارند، دچار محدودیت می شوند.

یکی از مهم ترین کارهایی که می توانید در طول عمرتان برای بچه ها انجام بدهید این است که با صدای بلند برایشان کتاب بخوانید. این کار را می توانید کمی بعد از تولد آنها شروع کنید و تا پیش دبستانی و سال ها بعد نیز ادامه بدهید. هنگامی که با صدای بلند برای بچه ها کتاب می خوانید، فرصت خوبی پیدا می کنید که نوشته ها را با هم تجربه کنید. با این کار فرزندانتان به زبان توجه می کنند و مهارت های ضروری درک مطلب آنها که در مدرسه و در سال های بعد به آن نیاز دارند، پرورش می یابد.

برای موفقیت تحصیلی بچه ها، درک مطلب، پرورش دایره ی لغات و قدرت تشخیص لغات آنها با میزانی که والدین با صدای بلند برایشان کتاب می خوانند رابطه ی مستقیم دارد. مهم تر از آن این که وقتی با صدای بلند کتاب می خوانند رابطه ی مستقیم دارد. مهم تر از آن این که وقتی با صدای بلند کتاب می خوانید به بچه ها می فهمانید که برای کتاب ارزش و اهمیت قائلید و کتاب خواندن بخش مهمی از تعاملات خانوادگی شما را تشکیل می دهد.

چگونه با صدای بلند بخوانید

با حالت و لحن مناسب بخوانید.

برای هر یک از شخصیت ها از یک صدای خاص استفاده کنید. از علائم نقطه گذاری کمک بگیرید تا لحن خواندنتان را عوض کنید یا برای افزایش تاءثیر خواندنتان مکث کنید.

با علاقه بخوانید و با متن درگیر شوید.

اگر به طرح داستان یا مشکلات شخصیت های آن علاقه مند شده اید به زبان بیاورید تا فرزندانتان بدانند. اگر اتفاقات هیجان انگیز است با لحنی هیجان زده بخوانید، اگر ترسناک است با لحنی بخوانید که نشان ترس است.

از سؤ ال های جدید و هوشمندانه استفاده کنید.

قبل از این که ورق بزنید، از بچه ها پرسید که به نظرشان چه اتفاقی خواهد افتاد. از آنها بخواهید نام شخصیت هایی را که در تصاویر دیده می شوند، بگویند. (برای مطالب بیشتر درباره خواندن جدی و هوشمندانه مراجعه کنید به روش 34).

تماس چشمی برقرار کنید.

شما بازیگر هستید و فرزندتان تماشاچی. سرتان را بالا بیاورید و به حالت چهره فرزندتان توجه کنید. همراه او بخندید و برای اظهار نظر درباره روند داستان مکث کنید.

اگر درباره مهارت یا صدایتان هنگام خواندن، درباره توانایی تان برای انتخاب کتاب یا میزان وقتی که می توانید برای این کار بگذارید نگرانی دارد، آن را برطرف کنید. خواندن با صدای بلند مهم تر از این است که بتوانید از آن چشم پوشی کنید و هیچ وقت برای شروع این کار دیر نیست.

4. روزنامه را خانوادگی بخوانید

پدرم همیشه اصرار دارد که قسمت طنزهای کاریکاتوری روزنامه باعث شد تا ما خواندن یاد بگیریم. وقتی ما سه خواهر و برادر خیلی کوچک بودیم، او این قسمت ها را برایمان می خواند و وقتی من به کلاس اول رسیدم، پدرم بنهانه می آورد که وقت ندارد و پیشنهاد می کرد خودمان بخوانیم. انگیزه ی خواندن در درون ما تقویت شد: ما واقعا دلمان می خواست بدانیم که در این تصاویر خوش آب رنگ چه می گذرد. پس از مدتی من می توانستم برای خواهر و برادر کوچک ترم بخوانم و بالاخره نیز هر سه می توانستیم بر سر این صفحات با هم بجنگیم و آنها را جدا از هم بخوانیم.

اگر فرصت کمی دارید که با فرزندانتان و برای آنها بخوانید، روزنامه می تواند منجی شما باشد. سطح بیشتر روزنامه ها طوری است که بچه های بین کلاس سوم دبستان و اول راهنمایی می توانند آنها را بفهمند، و بیشتر روزنامه ها شامل سبک ها و انواع ادبی گوناگونی است. پس هر یک از اعضای خانواده می تواند مطلبی را که باب طبع خود باشد در آنها پیدا کنند.

روزنامه هایی که صفحات ویژه ی کودکان و نوجوانان یا ویژه نامه کودکان و نوجوانان چاپ می کنند از همه بهتر است چون مطالب آن هم مناسب فرزندان دبستانی شماست و هم مناسب فرزند نوجوانتان. پس وقتی از راه می رسید همین طور روزنامه را نیندازید و بروید. هدف شما مشارکت خانوادگی است پس بگذارید فرزندانتان شما را در حال روزنامه خواندن ببینند.

اگر می توانید یک قدم جلوتر نیز بروید و برخی از مطالبی را که خواندید با آنها در میان بگذارید. از فرزند ده دوازده ساله تان بپرسید درباره ی فیلم های جدید چه چیزی خوانده است و از فرزند نوجوانتان بخواهید مهم ترین اخبار ورزشی را برایتان بازگو کند. از فرزند دبستانی خود بپرسید کدام یک از مطالب طنز روزنامه از همه خنده دارتر بود. خودتان نیز می توانید به نامه های جالبی که خوانندگان نوشته اند، یا به هر مطلب جالب دیگری اشاره کنید. ضرورتی ندارد که هنگام مطالعه سکوت را رعایت کنید و خواندن روزنامه می تواند فعالیت پر سر و صدایی باشد. هنگامی که به صورت فردی می خوانید، با صدای بلند نیز اظهار نظر کنید و بدین ترتیب فرزندان خود را تشویق کنید که به صورت جدی بخوانند (مراجعه کنید به روش 34)، این مهارت به آنها کمک می کند که آنچه را می خوانند به خاطر بسپارند و آن را خوب درک کنند.

5. تشویق کنید که نسل های مختلف باهم بخوانند (خواندن بین نسلی)

استفان در یک خانواده ای گسترده در بروکلین بزرگ شد. پدر بزرگ هایش چند ایستگاه دورتر و خاله ها، عمه ها، دایی ها و عموهایش همه در فاصله چند کوچه از آنها زندگی می کردند. خانه آنها پر سر و صدا و پر رفت و آمد بود و همیشه پر بود از بچه ها، بزرگ ترها و از بوی غذای ایتالیایی که روی اچاق می پخت. استفان و خاله زاده ها و دایی زاده ها و عموزاده هایش همه خاطره شریں مهمانی های دوره ای بزرگ را که به صورت منظم در خانه اعضای فامیل برگزار می شد، به یاد می آوردند.

همیشه بعد از شام بچه ها را که خسته بودند و از نا رفته بودند به یکی از اتاق ها می فرستادند و آنها را به صورت ردیفی روی یک تخت بزرگ یا روی تشک هایی روی زین می خواباندند. وقتی همه بچه دراز می کشیدند، فرد مورد علاقه شان می آمد و قصه قبل از خواب را برایشان می خواند. بیشتر اوقات خاله کارولین می آمد و با لباس های مد روز و عطر لطیفش کنار تخت می نشست و با لحن پر هیجان خود برای هر یک از شخصیت های داستان یک جور حرف می زد و بچه ها با اظهار نظرهای خود درباره طرح داستان می خنداند. البته محبوب ترین قصه گو پدر بزرگ بود که بعد از 40 سال زندگی در بروکلین هنوز لهجه غلیظ ایتالیایی خود را حفظ کرده بود. آشناترین قصه، با لهجه پدر بزرگ بیگانه و جدید به نظر می رسید. پدر بزرگ کتاب را از صفحه اول می گشود و صفحه عنوان را با همان علاقه و حیرتمی خواند که خود قصه را.

بین ساختار خانوادگی و موفقیت کودک در خواندن و زبان، روابط دوجانبه ای وجود دارد که یکی از مهم ترین آنها در حیطه ی تعامل با بزرگسالان است.

بچه هایی که به خانواده های گسترده تعلق دارند و به طور مرتب به دیدن اعضای بزرگ تر فامیل می روند و با بزرگسالان به گردش و مسافرت می روند و به انجام فعالیت های مختلف می پردازند، نسبت به بچه هایی که دست رسی کمتری به افراد بزرگسال دارند، در خواندن پیشرفته ترند.

این خبر برای والدین ناامید و خسته خبر خوبی است: توانایی های زبانی فرزندان و توانایی آنها در خواندن تنها به شما بستگی ندارد. اگر می خواهید بچه هایی بار بیاورید که هم عاشق خواندن و هم خواننده های موفق باشند، ایجاد ارتباط بین آنها و بزرگسالان دیگر می تواند کمی از بار را از دوش شما بردارد.

اگر والدینتان مهمان شما هستند، از آنها بخواهید در آیین قصه خوانی شبانه شرکت کنند. اغلب پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها دوست دارند که بدین ترتیب مرکز توجه قرار بگیرند. گهگاهی از والدین یا از همسایه های مسن ترتان بخواهید هنگامی که از خانه بیرون می روید از فرزندانتان مراقبت کنند، مطالب خواندنی نیز در اختیارشان قرار دهید تا با بچه ها بخوانند.

اگر بچه ها عادت کرده باشند که فقط والدین خودشان برایشان کتاب بخوانند، ابتدا باید آنها را آماده کرد تا بتوانند از سبک کتاب خوانی بزرگسالان دیگر لذت ببرند. به بچه ها بگویید که خوانندگان مختلف یک ترانه ی واحد را به صورت های متفاوت می خوانند و هنرپیشه های مختلف یک نقش واحد را به صورت های متفاوت اجرا می کنند. اگر کسی می خواهد برای اولین بار برای فرزندانتان قصه بخواند، بهتر است کتاب جدیدی را در اختیار او قرار دهید، تا این که کتابی را بخواند که مورد علاقه بچه هاست و داستان آن را از بر می داند.

استفان اکنون پدر دو نفر است و فامیل هایش در سراسر کشور پخش شده اند اما چون از قصه خوانی بین نسلی خاطره خوبی دارد سعی کرده است تجربه ی دوران کودکی خود را برای فرزندانش بازسازی کند. آنها خانه مسنی را که در همسایگی شان زندگی می کند، به صورت منظم دعوت می کنند تا صبحانه را با آنها صرف کند و مجله های بچه ها را با آنها بخواند. همسر استفان، مارسیا، برای مراقبت از بچه ها از افرادی از هر سن و سال کمک می گیرد. استفان و مارسیا از این که بچه هایشان شب را در منزل دوستانشان بگذرانند یا دوستانشان شب را در منزل آنها بگذرانند استقبال می کنند و قصه خوانی را در برنامه چنین شب هایی می گنجانند.

وقتی پدر مارسیا به خانه آنها می آید، با بچه ها در طبیعت قدم می زند یا آنها را به باغ وحش می برد و وقتی بچه ها به خانه او می روند، او آنها را به دفتر کار خود می برد تا روز خود را به تعامل با بزرگسالان مشغول کار بگذرانند. گرچه بچه ها فقط 5 و 8 سال سن دارند، دایره ی لغات آنها و توانایی شان برای گفت و گو و تعامل با بزرگسالان به صورت واضحی پیش رفته است.

6. تشویق کنید که بچه های یک نسل با هم بخوانند (خواندن بین نسلی)

دختر 14 ساله آندریا اخیرا به نقش پرستار بچه های خانواده ارتقا یافته است. که ثابت کرده است که می تواند برادران دوقلوی خود را به خوبی غذا بدهد، به حمام ببرد و به موقع بخواباند. اما هنگامی که قصه قبل از خواب را برای بچه ها می خواند، کارش واقعا می درخشد. آندریا می گوید: (از اول باید از ترا می خواستم قصه را بخواند. او واقعا هنر پیشه است و کاری می کند که قصه ها زنده بشوند! الان دوقلوها حتی وقتی من هم در خانه هستم می خواهند که قصه را ترا بخواند. گرچه چندان احساس خوبی به من دست نمی دهد که

بچه ها نرا را به من ترجیح دهند اما به هر حال وقت من شب ها آزاد می شود که عالی است. گاهی من هم پیش پسرها می نشینم و به قصه ای که نرا می خواند گوش می دهم!

قانونی وجود ندارد که بگوید فقط بزرگسالان باید برای بچه ها کتاب بخوانند، بچه های بزرگ تر می توانند از این فرصت استفاده کنند و هنرهای خود را به رخ خواهرها و برادرهای کوچک تر خود بکشند. این کار به نفع خواننده، شنونده و به نفع شماست.

خواندن با صدای بلند، باعث فصاحت می شود و دایره لغات بچه ها را بهبود می بخشد و به آنها می آموزد که چگونه با حالت و لحن مناسب بخوانند. جلب رضایت شنوندگان کم سن و سال کار ساده ای نیست و کسی که می خواهد قصه را با موفقیت بخواند و به جای هُو با هورای شنوندگان مواجه شود، باید با احساس، با صدایی واضح و با لحن مناسب بخواند. اگر به طور موقت این نقش خود را به فرزند بزرگ ترتان محوّل کنید تجربه خوبی به دست می آورد و ممکن است انگیزه پیدا کند که این نقش را به خوبی اجرا کند.

هنگامی که رابطه نسبتاً صلح آمیز است، بچه های کوچک تر از صرف وقت با خواهران و برادران بزرگ تر خود سود می برند. وقتی کوچک ترها می بینند که خواندن چقدر مهم است می بینند که بزرگ ترها با موفقیت می خوانند. خود نیز برای خواندن انگیزه پیدا می کنند. اگر فرزند بزرگ تر خود را تشویق کنید کتاب های مورد علاقه خود را با صدای بلند بخواند بسیار مؤثر است. وقتی بچه ها برای بچه ها یک کتاب می خوانند، کمی بار از دوش شما برداشته می شود. شما همیشه فرصت ندارید که کارتان را کنار بگذارید و برای آنها کتاب بخوانید، شاید حتی فرصت نکنید مطالبی را که روی بسته بندی مواد غذایی

نوشته شده است برای بچه ها بخوانید. اگر فرزند بزرگ ترتان سواد خواندن دارد، می تواند به شما کمک کند، دستور بازی ها را بخواند، معنی لغتی را در لغت نامه پیدا کند و قبل از خواب برای خواهر یا برادر کوچکش قصه بخواند.

7. با صدای بلند با همدیگر بخوانید

برنیس همیشه برای پسرش جروم با صدای بلند کتاب می خواند و ساعت کتاب خوانی شاعت مورد علاقه هر دوی آنهاست. اکنون که جروم در کلاس دوم دبستان است برنیس متوجه چیز جدیدی شده است: هنگامی که مادرش کلمات را با صدای بلند می خواند، اغلب اوقات جروم نیز لب های خود را حرکت می دهد و بدون صدا می خواند. گاهی نیز روی صفحه خم می شود و به بخشی جلوتر از آنچه برنیس می خواند توجه کند. برنیس گاهی مکث می کند و از جروم می پرسد که آیا علاقه دارد که خودش برای مادرش بخواند، اما جروم همیشه می گوید نه و از مادرش می خواهد که خواندن را ادامه دهد.

وقتی بچه ها یاد گرفتند که به تنهایی بخوانند، باز هم باید به کار خود ادامه بدهیم و برای آنها با صدای بلند کتاب بخوانیم. البته می توانیم روال کار را تغییر دهیم. اکنون دیگر می توانیم کار خواندن را با فرزندمان تقسیم کنیم. برای این کار روش های زیادی وجود دارد که برخی از آنها را توضیح می دهیم. اگر فرزندان در برابر این کار مقاومت کرد، از آن یک بازی بسازید. خواندن شعرها به صورت مشترک به طور طبیعی از هر چیز دیگری راحت تر است اما انواع دیگر قطعات ادبی را نیز می توان به صورت مشترک خواند.

چگونه کار خواندن را تقسیم کنیم

نفری یک خط.

شما خط اول را بخوانید، خط دوم، و الی آخر. روش دیگر این است که نفری
یک صفحه بخوانید.

شما: یکی بود یکی نبود

کودک: زیر گنبد کبود

دیالوگ.

شما روایت را بخوانید و فرزندتان دیالوگ را، یا هر یک از شما متن گفته
های یکی از شخصیت ها را بخوانید.

شما: بچه ها در را باز کنید، من مادرتونم. (آقا گرگه)

کودک: اگر تو راست می گی، دست هایت را نشان بده! (شنگول)

(قصه شنگول و منگول)

شما: لک لک به مرد گفت: مرا آزاد کن، من لک لکم، نه دُرنا.

کودک: من ترا با دُرناها گرفتم و همراه دُرناها هم می کشمت.

(مورچه و کبوتر)⁽¹⁾

ترجیح بند (بند برگردان)

شما: که یکی هست و هیچ نیست جز او.

هر دو: وحده لا اله الا هو

(هاتف اصفهانی)

با همدیگر (هر دو با هم می خوانید).

هر دو: دویدم و دویدم

سر کویی رسیدم

دوتا خاتونی دیدم...

وقتی با همدیگر با صدای بلند می خوانید به فرزندتان می گوید که خواندن با صدای بلند تنها کار شما نیست، بلکه کاری است که از آن لذت می برید و فرزندتان نیز می تواند از آن لذت ببرد. یکی از محاسن آن این است که همیشه نسبت به توانایی فرزندتان در خواندن، یعنی میزان روان بودن، درک مطلب و دایره لغات او آگاهی خواهید یافت. فایده دیگر آن این است که فرزندتان را برای خواندن برای هم نسل های خود آماده می کند (مراجعه کنید به روش 6)، که اگر کودک خردسالی داشته باشید و وقتتان نیز کم باشد، کمک بزرگی است.

8. درباره مطالب مورد علاقه خود در خانواده صحبت کنید

(تازگی ها چیز جالبی خوانده ای؟)

(رمانی که من می خوانم درباره مردم زادگاه توست!)

(در شماره ی این ماه مجله ی بهداشت مقاله ای هست که حتما باید بخوانی)
تو تا به حال از قصر امین پور چیزی خوانده ای؟ حتما از او خوشت می آید!)

(به محص این که کتاب هفته را بخوانم آن را به تو قرض می دهم.)

بسیاری از بزرگسالانی که من می شناسم خیلی راحت کتاب ها و مقاله هایشان را با همدیگر عوض می کنند، انگار که یک پیمانۀ شکر یا مته برقی را می خواهند قرض بگیرند. با این کار می توانید نویسندگان جدید و انواع سبک های ادبی جدید را کشف کنید، علایق تازه ای پیدا کنید و در عین حال دوستانتان و سلیقه ی آنها را نیز بشناسید.

اما بسیاری از همین بزرگسالان که کتاب های خود را به دوستانشان قرض می دهند هرگز به این فکر نمی افتند که همین تبادل ساده را نیز در خانه آغاز کنند. اگر می خواهید فرزندان خود را با آنچه می خوانید آشنا کنید و خود نیز

با آنچه فرزندان می خوانند آشنا شوید، بهترین روش این است که درباره مطالب مورد علاقه ی خود در خانواده صحبت کنید.

آیا مطلب جذابی می خوانید؟ درباره اش صحبت کنید! اگر فرزندان کوچک تر از آنند که بتوانند آن مطلب را بخوانند اشکالی ندارد. کفایت بفهمید که از آنچه می خوانید لذت می برید و به آن علاقه دارید و دوست دارید که علاقه ی خود را با آنها در میان بگذارید.

فرزندان بزرگ ترتان را نیز تشویق کنید که درباره ی آنچه می خوانند صحبت کنند و بگویند که چه جنبه ای از آن را دوست دارند (مراجعه کنید به روش 38). آیا علاقه دارند که قسمت کوتاهی از آن را برای شما با صدای بلند بخوانند؟ آیا از همان نویسنده مطلبی هست که به درد بچه های کوچک تر خانواده بخورد؟

به صورت خانوادگی به کتابخانه بروید و پس از بازگشت به خانه همیشه این آیین را اجرا کنید: کتاب ها را در یک قفسه ی مخصوص کتابخانه بگذارید. این کار دو فایده دارد: اول این که کتاب های کتابخانه کمتر گم می شوند و کمتر اتفاق می افتد که در بازگرداندن آنها تاءخیر کنید و دوم این که همه اعضای خانواده می بینند که بقیه چه کتابی می خوانند. بچه ها به تدریج علایق خود را در زمینه های مختلف، از غذا و لباس گرفته تا مطالب خواندنی، پیدا می کنند. اگر بتوانند ببینند که افراد دیگر چگونه براساس ملاک های متفاوت انتخاب می کنند، خود نیز می توانند علایق خود را در زمینه کتاب خوانی گسترش دهند و به سلیقه ی ناب تری دست یابند.

9. صحنه های مورد علاقه خود را در خانواده اجرا کنید

سارا کتابش را بست و کناری گذاشت. او با لذت گفت: (پدر می دانی بهترین قسمت داستان شازده کوچولو⁽²⁾ کجاست؟

پدرش در حالی که سرش را از روی روزنامه بر می داشت، گفت: (نه، کجاست؟)

(وقتی که بالاخره یک روز صبح، درست به هنگام میدان خورشید، خودنمای کرده بود.

- آه من هنوز خواب آلوده ام... از شما عذر می خواهم... گیسوانم چقدر آشفته است...

آن وقت شازده کوچولو نتوانسته بود از تعجب و تحسین خود داری کند.

و پدرش همراه با سارا گفت: (تو چه زیبایی!)

- گل به نرمی گفته بود: مگر نیستم؟! آخر من هم با خورشید در یک دم شکفته ام...)

در یک لحظه شده بود گل و پدرش شازده کوچولو!

معلمینی که هنرهای زبانی را آموزش می دهند، فواید تئاتر را در این زمینه به خوبی درک می کنند. تئاتر بچه ها را در متن دیالوگ، شخصیت پردازی و طرح قرار می دهد و به آنها کمک می کند آنچه را که می خوانند بهتر درک کنند و به خاطر بسپارند. با این روش عالی نیز می تونید بچه هایی را که به خواندن تمایل ندارند، ترغیب کنید که مهارت های خود را بیازمایند.

همان طوری که در مثال قبل دیدید، لازم نیست صحنه ای را که می خواهید اجرا کنید، صحنه پیچیده ای باشد. می توانید صحنه را با تعریف داستان مورد علاقه فرزندتان بازسازی کنید. هنگامی که به صورت خانوادگی کتاب می

خوانید، اگر پس از خواندن یک صحنه پرحادثه خواندن را قطع کنید و آن را اجرا کنید، لذت بخش است. از توانایی فرزندانان برای اجرای صحنه به راحتی پی می برید که چه مقدار از آن را به خاطر سپرده اند و پیچیدگی های شخصیت ها و طرح را تا چه حد درک می کنند.

چگونه صحنه ها را در خانه اجرا کنیم

1. صحنه ای ساده را که آغاز و پایانی مشخص دارد انتخاب کنید.
 2. نقش هر فرد را مشخص کنید یا اجازه بدهید بچه ها نقش دلخواه خود را انتخاب کنند.
 3. ابتدا صحنه ها را مغشوش و به هم ریخته یادآوری کنید و بعد آنها را به ترتیب وقوع مشخص کنید.
 4. صحنه را اجرا کنید و در صورت امکان از دیالوگ و حرکت نیز استفاده کنید.
 5. در آخر درباره آن بحث کنید: هر یک از شخصیت ها چه احساسی دارد؟ علت رفتارهای آنها چه بوده؟ در آینده چه اتفاقی ممکن است رخ بدهد؟
- هر چه تعداد فرزندانان بیشتر باشد یا هر چه بچه های بیشتری را بتوانید به این کار مشغول کنید، تئاتر تان پیشرفته تر می شود. در صورت تمایل می توانید همه بچه های محل را درگیر کار کنید. از آنها بخواهید متن نمایش را براساس داستان های مورد علاقه خود بنویسند، لباس بازی خود را درست کنند، نقش های خود را تمرین کنند و نمایش را برای دوستان و والدین خود اجرا کنند. بعضی از بچه هایی که به هیچ وجه علاقه ای به خواندن نشان نمی دهند، کاملاً مایل هستند متن گفت و گوهای خود را حفظ کنند، آنها به خوبی از پس این کار برمی آیند و نقش خود را به صورت عالی در برابر تماشاچیان اجرا می کنند.

نقش بازی کردن یکی از بهترین روش ها برای مشغول کردن بچه ها به خواندن است و به آنها انگیزه می دهد که خود نیز به تنهایی کتاب بخوانند.

10. خواندن کتاب های مورد علاقه ی خود را به فرزندانان توصیه کنید

در انباری خانه پدر و مادرم یک جعبه پر از کتاب است که اغلب کتاب های آن را من و خواهرم خوانده ایم. امروزه بسیاری از آن کتابها به سختی پیدا می شود اما آنها همه کتاب های مورد علاقه مادرم بودند و او آنها را برای ما نگه داشته بود. با دیدن علاقه ای که مادرم نسبت به آن کتاب ها نشان می داد، توجه ما نیز به آنها جلب شد. برای ما باز کردن کتاب های قدیمی با جلد اعلای خاک آلود و صفه آرایبی و حروفچینی قدیمی شان، خیلی هیجان انگیز بود. قدیمی بودن کتاب ها باعث می شد فکر کنیم که مخصوص بزرگسالان و مهم هستند.

کتاب های مورد علاقه شما در دوران کودکی چه بود؟ آیا آنها را در اختیار فرزندان قرار داده اید؟ اگر خواندن کتاب های مورد علاقه خود را به فرزندانان توصیه کنید دو مطلب را به صورت ظریف و غیر مستقیم به آنها می فهمانید: اول این که خودتان به خواندن علاقه دارید و دوم این که فرزندانان را آن قدر دوست دارید که می خواهید علاقه خود را با آنها نیز در میان بگذارید.

طبق تحقیقی که کارول چامسکی⁽³⁾ در 1972 انجام داد، بین مراحل رشد زبانشناختی بچه ها و تعداد کتاب هایی که مادران آنها با خاطره خوب از دوران کودکی خود به یاد داشته و برای فرزندانشان خوانده اند، رابطه مهمی وجود دارد. وقتی مادران کتاب های گوناگون و مورد علاقه دوران کودکی خود را به یاد می آوردند، بچه ها نیز به ارزش این کار نزد مادرانشان پی می برند و نسبت به بچه های دیگر برای کتاب خواندن ارزش بیشتری قائل می شوند.

پس به گذشته خود بیاندیشید، در صورت لزوم به کتابخانه سری بزنید تا خطراتان زنده شود. شاید ببینید که یکی از نویسندگان مورد علاقه دوران کودکی تان هنوز می نویسد و کتاب های جدید بسیاری وجود دارد که می توانید همراه با فرزندتان برای اولین بار بخوانید.

اگر فرزندتان مانند شما نیست و به کتاب یا نویسنده خاصی شور و شوق نشان نمی دهد، ناامید نشوید. سلیقه های افراد با هم متفاوت است و برای این که کسی به کتاب های چارلز دیکنز یا سی. اس. لوئیس علاقه مند شود، شاید لازم باشد که سلیقه اش پرورش یابد. مهم تلاش است. همین که به طور غیرمستقیم به فرزندتان بفهمانید که شما نیز زمانی کودک بودید و توانایی ها و علائق تان نیز در حد یک کودک بود، باب های ارتباط و گفت و گو بین شما گشوده می شود.

11. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: خرید

ایوا که دختری 13 ساله است، از دسته مجله هایی که خاله اش به او داده بود رو برگرداند و غرغر کنان گفت: (حوصله ام سر رفته!) خاله اش که کلافه شده بود پرسید، (خوب می خواهی چه کار کنی؟ باران می بارد و نمی توانیم ساحل برویم. تنها کاری که می توانیم بکنیم خواندن است!)

ایوا ناله کنان گفت: (من از خواندن متنفرم، اگر در خانه خودمان بودم به مرکز خرید می رفتم.)

- (مرکز خرید؟ باشد، نزدیک ترین مرکز خرید 20 کیلومتر از اینجا فاصله دارد. به آنجا می رویم ولی باید برای خرید تابع قواعدی باشی که من تعیین می کنم.)

ایوا گفت: (قبول است!)

وقتی حب مرکز خرید رسیدند، خاله ایوا از او خواست جای پارک را پیدا کند و موقعیت آن را به خاطر بسپارد و سپس راهنمای مرکز خرید را به ایوا نشان داد و گفت:

(سه تا از فروشگاه‌ها را انتخاب کن و راه رسیدن به هر کدام را نیز پیدا کن.)
ایوا دو تا از فروشگاه‌های زنجیره‌ای مورد علاقه خود و یک فروشگاه که نام جالبی داشت انتخاب کرد. دست خاله اش را گرفت و او را کشان کشان در راهروهای مرکز خرید برد تا تابلوی اولین فروشگاه را دید.

خاله اش گفت: (خیلی خب، حالا قسمتی را پیدا کن که لباسهای اندازه تو را به نمایش گذاشته‌اند، می‌توانی سه تا از لباس‌ها را پرو کنی.)

ایوا به سرعت دستوره‌های خاله اش را اجرا کرد. یکی از لباس‌ها واقعا افسانه‌ای بود اما خاله اش باز هم قواعدی داشت: (به مارک لباس دقت کن. آیا قابل شست و شو (در ماشین لباس‌شویی) است؟)

متأسفانه این طوری نبود و ایوا آن را سر جایش گذاشت و همراه خاله اش به فروشگاه دوم رفت و قبل از این که به فروشگاه سوم بروند ایوا لباس‌های زیادی را پرو کرده بود اما آنها را به علت قیمت، عدم شست و شو یا جنس، کنار گذاشته بود. در آخرین همان چیزی را پیدا کرد که می‌خواست. به سمت ماشین حرکت کردند و ایوا از خاله خود تشکر کرد و گفت: (ببخشید اما من واقعا نمی‌توانم وقت خود را با خواندن بگذرانم.)

خاله اش گفت: (منظورت چیست؟ از وقتی که برای خرید آمدیم تو قدم به قدم مشغول خواندن بوده‌ای!)

بچه‌ها به سختی می‌توانند بین خواندن و فعالیت‌های روزمره خود ارتباط برقرار کنند، به خصوص اگر خواندن را صرفاً فعالیتی درسی بدانند. حتی یک

خرید ساده نیز به خواندن نیاز دارد و اگر دستورالعمل ساده زیر را به کار گیرید، فرزندان متوجه آن خواهد شد.

چگونه هنگام خرید تمرین خواندن کنیم

از فرزندان بخواهید اجناسی را که می خواهید در راهنمای فروشگاه پیدا کنند و با خواندن علائمی که از سقف آویزان شده است محل مورد نظر را شناسایی کنند.

از فرزندان بخواهید مارک های مختلف پودر رخت شویی، ماست، حبوبات و غیره را از نظر قیمت، محتویات و اندازه بسته بندی آن با هم مقایسه کنند. با همدیگر ببینید که کدام جنس برای خریدن بهتر است.

علائم تجاری ای را که فرزندان می شناسد به او نشان بدهید و برای او توضیح بدهید که تولیدکنندگان از این علائم تجاری استفاده می کنند تا مردم بتوانند محصولات آنها را در یک نگاه و بدون خواندن کلمات، پیدا کنند. حتی فرزند پیش دبستانی شما نیز می تواند محصولات مورد علاقه خود را (با خواندن) علامت تجاری آنها پیدا کند.

از فرزندان بخواهید براساس ملاک هایی که بر ایشان ذکر می کنید، مارک مشخصی را برای یک محصول انتخاب کنند. مثلا از آنها بخواهید بیسکوئیتی را انتخاب کنند که نسبت به سایر بیسکوئیت ها شکر کمتری در تهیه آن به کار رفته باشد یا نوشابه ای را پیدا کنند که بدون کافئین باشد.

هنگامی که اجناس خریداری شده را در منزل جابه جا می کنید با فرزندان صحبت کنید و بگویید که خواندن چگونه به شما کمک می کند تا بتوانید خوب خرید کنید و مواردی را که هنگام خرید از خواندن استفاده کردید برشمرد. مثلا: برای پیدا کردن مغازه، انتخاب کالا، پیدا کردن بخش مورد نظر فروشگاه،

انتخاب چک پول مناسب و الی آخر. از بچه ها بخواهید تعریف کنند که چه چیزهایی را هنگام خرید خواندند و از آنها بخواهید تصور کنند که اگر نمی توانستند خوب بخوانند، چگونه خرید برایشان سخت تر، گران تر و وقت گیرتر می شد.

12. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: آشپزی

مونا هم از خاطره روزهایی که در منزل مادر بزرگش غذا می خوردند لذت می برد.

(من با کتاب آشپزی روی چهارپایه بلندی می نشستم و برادرم مایرون که در هیچ زمان دیگری حاضر نبود پیش بند ببندد، پیش بندی به تن می کرد. مادر بزرگ مثل سرهنگی که سربازانش را تمرین می داد، داد می زد: بعد چی؟ بعد چی؟ و من صورت مواد لازم را می خواندم و مایرون و مادر بزرگ این طرف و آن طرف می رفتند تا همه چیز را پیدا کنند و بچینند، بعد مادر بزرگ می گفت: بعد چی؟ بعد چی؟ و من مراحل تهیه غذا را به ترتیب می خواندم و مایرون داد می زد: (نوشته یک پیمانه یا یک چهارم پیمانه؟) همه چیز آشفته به نظر می رسید ولی واقعا لذت بخش بود. من هنوز هم از خواندن کتاب های آشپزی لذت می برم، همه آنها یک ساختار قابل پیش بینی دارند. البته مایرون هم در ارتش آشپز شده است و هر وعده برای صدها نفر غذا می پزد.

بسیاری از بچه ها هرگز به این فکر نمی افتند که چرا باید خواند؟) اما بعضی از بچه ها نیاز دارند که رابطه بین خواندن و مسائل عملی را ببینند.

فرزندتان از دیدن این که هنگام آشپزی از مهارت خواندن خود استفاده می کنید، سود می برد. حتی اگر براساس غریزه ی خود آشپزی می کنید و هرگز

کتاب آشپزی باز نمی کنید، باز هم هنگام آشپزی می خوانید و فرزندتان می تواند در این کار به شما کمک کند.

چگونه هنگام پختن غذا تمرین خواندن کنیم

1. اگر از کتاب آشپزی استفاده می کنید، از یکی از فرزندانتان بخواهید صورت مواد لازم را بخواند و از دیگری بخواهید جای هر یک از مواد را در قفسه ها پیدا کند.

2. از یکی از فرزندانتان بخواهید مراحل تهیه غذا را یکی یکی بخواند. این مراحل را در صورت امکان با کمک فرزندتان انجام دهید.

3. هنگام کار به هر چیزی که می خوانید اشاره کنید. علاوه بر دستور پخت غذا چیزهای دیگری نیز هست که باید آنها را بخوانید:

اگر می خواهید فرزندتان تجربه ی جالبی از خواندن داشته باشد، از او بخواهید دستور غذای مورد علاقه خود را انتخاب کند، از موادی که باید برای پختن آن بخرد، صورتی تهیه کند، به فروشگاه برود و آن مواد را پیدا کند و سپس در پخت غذا به شما کمک کند. پخت غذا کاری اساسی و روزمره است اما به خوبی نشان می دهد که مردم چگونه در زندگی واقعی خود از خواندن استفاده می کنند.

13. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: تعمیر خانه

شوهرم بی صبرانه انتظار روزی را می کشد که بچه هایمان بزرگ شوند و بتوانند در انجام کارهای خانه به او کمک کنند. فکر می کنم پیش خودش تصور می کند که با بچه ها به پشت بام رفته است تا آنتن جدید را نصب یا یکی از کاشی ها را تعمیر کند، و بچه ها ابزار کار به دشت او می دهند. من از تصور این که بچه های کوچک بخواهند از نردبان بالا روند دچار نگرانی و اضطراب

می شوم، اما با این فکر خودم را آرام می کنم که (وردست های کوچلوی بابا) در خانه یا حیات دنبال چیزی می گردند تا آن را تعمیر کنند، اگر اتفاقی برایشان نیفتد، از این کار درس های ارزشمندی می آموزند.

دنیای عجیب تعمیرات خانگی موقعیت های فراوانی را برای خواندن فراهم می کند. اگر شما مثل من باشید باید قبل از تعویض یک لامپ سوخته، مطالب روی پاکت لامپ جدید را حتما بخوانید و اگر مثل شوهر من باشید اول مورد نظر را شروع می کنید و بعد در صورت برخوردن به یک مشکل دنبال دستورالعمل می گردید.

بچه ها اغلب از سنین پایین به استفاده از ابزار علاقه نشان می دهند و چه بخواهید و چه نخواهید با چکش پلاستیکی خود به اشیا می کوبند.

اگر بتوانید این انرژی بچه ها را در جهت کاری که به درد زندگی واقعی آنها می خورد سمت و سو بدهید بسیار عالی است. با این کار به آنها نشان می دهید که چگونه در زندگی خود به عنوان یک بزرگسال از خواندن استفاده می کنید.

چگونه هنگام تعمیر خانه تمرین خواندن کنیم

1. ابزارتان را با فرزندتان بررسی کنید و درباره ی نام، کار و طرز کار هر یک صحبت کنید. حتما تاءکید کنید که بعضی از ابزارها فقط باید توسط بزرگسالان استفاده شود.

2. از ابزاری که برای انجام یک کار خاص لازم دارید صورتی تهیه کنید، از فرزندتان بخواهید آن را بخواند، ابزار را پیدا کنید و آنها را آماده کند.

3. مسؤلیت اشیا را به فرزندتان بسپارید. اگر می خواهید ماشین لباس شویی را نصب کنید، ممکن است داخل بسته مخصوص لوازم آن یک صورت از

لوازم نیز وجود داشته باشد. از فرزندتان بخواهید صورت را بخواند و اطمینان حاصل کند که همه لوازم ذکر شده در بسته مخصوص موجود است.

4. به هر چیزی که می خواهید اشاره کنید. علاوه بر دستورالعمل های موجود، چیزهای دیگری نیز هست که باید آنها را بخوانید.

دخالت دادن بچه ها در کار تعمیرات خانگی حُسن دارد، چون بچه ها با دیدن نتایج کار به اهمیت خواندن پی می برند. اگر لوله یا اتصالاتی که تازه تعویض شده اند دچار مشکل شوند یا دستشویی ای که پدر تازه نصب کرده است از جا کنده شود و به زمین بیفتد، لابد یک جای کار ایراد داشته است. این جور فاجعه ها معمولاً زمانی رخ می دهند که از دستورالعمل پیروی نشود. (گاهی نیز به این دلیل است که دستورالعمل درست نوشته نشده است اما این دیگر از حوصله این کتاب خارج است.)

14. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: کارهای دستی

بسیاری از آشنایان ما برای خواندن رمان و زندگی نامه وقت ندارند چون وقت آزاد خود را صرف کارهای دستی می کنند. یکی از این زنان برای بچه های دوستانش لحاف های بسیار زیبایی می دوزد، یکی برای سرگرمی صندلی های حصیری می بافتد و شوهرش ساعت های قدیمی را تعمیر می کند. یکی از زنان لباس همه اعضای خانواده خود را می دوزد و یکی دیگر مبلمان قدیمی را بازسازی می کند. همه این افراد سرگرم کارهایی اند که خواند را نیز به نوعی شامل می شوند و بچه های آنها نیز می توانند از پرداختن به این کارها سود ببرند.

مطالب غیرادبی معمولاً اهداف زیر را پی گیری می کند: دادن اطلاعات، متقاعد کردن و دستور دادن یا راهنمایی کردن. ما از صبح تا شب چه پشت

جعبه مایکروفر، چه در دفترچه خودرو و چه در نقشه راهنمای مسیرهای اتوبوس، دستورالعمل یا راهنما می خوانیم. برای انجام کارهای دستی معمولاً باید از انواع دستورالعمل ها پیروی کنیم. وقتی در انجام کار خاصی مهارت به دست می آورید می توانید از خواندن تمام دستورالعمل آن چشم پوشی کنید اما وقتی به یاد گیری آن مشغول هستید، استعدادتان در خواندن و عمل کردن به دستورها، نقش اساسی ایفا می کند.

چگونه هنگام انجام کارهای دستی تمرین خواندن کنیم

1. مدل ها، دستورالعمل ها و صورت لوازم مورد نیاز را دم دست بگذارید. از فرزندتان بخواهید به شما بگوید که برای انجام کار به چه چیزی نیاز دارید.

2. در صورت تمایل، فرزندتان را همراه خود به فروشگاه ببرید تا کالاهای مورد نیاز را پیدا کنید و بخرید: پارچه، تکه های چوب، نخ، الگو یا شابلن، رنگ و غیره.

3. ضمن انجام کار به هر چیزی که می خوانید اشاره کنید. به غیر از دستورالعمل ها چیزهای دیگری نیز هست که باید بخوانید:

بسیاری از بچه ها به طور طبیعی به کارهای دستی گرایش دارند. هنگام انجام کارهای دستی مجازند که دست و بال خود را کثیف کنند و نتیجه ی کار نیز برایشان کاملاً ملموس است.

وقتی برای اولین بار قلاب بافی می کنند و تمام نخ ها را به هم گره می زنند و وقتی قطعات ماکت هواپیمای خود را به میز ناهارخوری تان می چسبانند، مهارت هایی را می آموزند که تا آخر عمر از آنها استفاده خواهند کرد. مهارت های بصری ای که برای جور کردن قطعات یک ماکت یا بخش های یک الگو استفاده می شود، پیش نیازی است که به فرزندتان کمک می کند به خوبی و

راحتی بخواند. اگر فرزندان بخواند در مدرسه یا در شغل خود کارآیی خوبی داشته باشد، باید بتواند از دستورالعمل های دو، سه یا ده مرحله ای پیروی کند. اگر برای سرگرمی به کارهای دستی می پردازید، به فرزندان اجازه بدهید آنها نیز در انجام این کارها دخالت داشته باشند و بدین ترتیب در حق آنها خدمت بزرگی بکنید.

15. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: شغل شما

من و همسر من به خوبی روزهایی را به یاد می آوریم که به طور مرتب در آزمایشگاه های محل کار پدرانمان، به دیدن آنها می رفتیم. من بوی مواد شیمیایی، صندلی های گردان و علائم عجیبی را که با گچ رنگی روی تخته سیاه می نوشتند، به خاطر می آورم... وقتی به ما اجازه می دادند که با گچ رنگی در گوشه ای از تخته سیاه علائم خودمان را بنویسیم یا شکل دانشجویان مشغول کار را رسم کنیم، چقدر هیجان انگیز بود.

چرا باید دیدار از محل کار پدر و مادر فقط سالی یک بار اتفاق بیفتد؟ محیط کار بهترین موقعیت را فراهم می کند تا به صورت عملی به فرزندانمان نشان دهیم که چرا باید خواندن، نوشتن، جمع و تفریق را بیاموزند. چه مهندس معمار باشید و چه هنرپیشه، چه آرایشگر و چه نانوا، در محل کار خود می خوانید و فرزندانمان باید این را بدانند.

قبل از این که فرزندان را به محل کارتان دعوت کنید به پاسخ این سؤال ها بیاندیشید:

در کار خود چگونه از خواندن استفاده می کنم؟ آیا دفترچه راهنما می خوانم یا نامه، صفحه نمایشگر رایانه، دستورالعمل، ابزار اندازه گیری، جدول، برچسب پوشه ی پرونده، تابلوی فرمان، و یا نقشه؟

این که بتوانم هنگام کار خود خوب و سریع بخوانم چه اهمیتی دارد؟
کدام یک از مهارت هایی را که در مدرسه آموخته ام در محل کار خود
استفاده می کنم؟ آیا می نویسم؟ آیا حساب می کنم؟ آیا از مهارت های گفتاری
و شنیداری استفاده می کنم؟ چگونه؟

اگر به این سؤ ال های خود پاسخ بدهید می توانید هنگامی که فرزندان از
محل کارتان بازدید می کنند، روی این مسئله که چگونه مهارت هایی را که می
آموزند در کار شما نقش پیدا می کنند، بهتر تمرکز کنید.

فرزندان را به بخش های مختلف محل کارتان ببرید و قدم به قدم به او
بگویید که در یک روز عادی چه کارهایی انجام می دهید. ابزارهایی را به او
نشان دهید که کارتان را ساده تر می کند و به او بگویید که چگونه آموختید که
این کار را انجام دهید. بیشتر بچه ها فکر می کنند که یاد گیری با خوردن زنگ
و تعطیل شدن مدرسه، تمام می شود و به سختی می توان نظر آنها را عوض
کرد. اگر برایشان تعریف کنید که چگونه هنگام انجام کار چیزهایی می آموزید،
به آنها کمک می کنید تا بهتر بتوانند تجربیات زندگی تحصیلی خود را به
(زندگی واقعی) بزرگسالان ربط دهند.

اگر می توانید کار خود را با کار بچه ها مقایسه کنید:

(یادت می آید در مدرسه یاد گرفتی که چگونه از دستگاه Mac استفاده
کنی؟ من دارم طرز استفاده از این دستگاه جدید را یاد می گیرم.)
(یادت می آید هفته گذشته چطور با یک سطر از اعداد مشکل پیدا کرده
بودی؟ حلال ببین من باید با یک صفحه پر از عدد کار کنم!)

(وقتی این قسمت را امتحان می‌کنم، همان کاری را می‌کنم که تو هنگام امتحان دادن انجام می‌دهی. اول همه کارهایی را انجام می‌دهم که بلد هستم و بعد برمی‌گردم و روی قسمت‌هایی کار می‌کنم که خوب بلد نیستم.)

محل کار شما نباید برای فرزندان فضای اسرارآمیزی باشد که بیشتر روز در آنجا ناپدید می‌شوید. اگر فرزندان بدانند که چه کاری انجام می‌دهید، و چرا و چگونه آن را انجام می‌دهید، می‌توانند شما را بهتر درک کنند و در ضمن می‌فهمند که چرا مشغولیت فعلی آنها یعنی یادگیری در مدرسه نقش مهمی را در آینده ایفا خواهد کرد.

بخش 2: مطالب خواندنی را در دسترس قرار دهید

16. در خانه مطالب خواندنی داشته باشید

پدرم تعریف می کند که یکی از همسایگان مهربانشان سالها پیش به خانه پدر و مادرم که در نزدیکی دانشگاه واشنگتن بود سر زد و وقتی به درون اتاق نشیمن آپارتمان آنها قدم گذاشت، نفسش بند آمد، دور خود چرخید و گفت: (وای چقدر کتاب! یک روز حتما باید بیایم و یکی از آنها را از شما قرض بگیرم.) لابد قبل از آن به ذهن والدینم خطور نکرده بود که نحوه ی تزئین خانه شان کمی غیر عادی است. من هم که در جمع خانواده های دانشگاهی دیگر بزرگ شده بودم چنین فکر نمی کردم. (البته سالها بعد که شوهر خواهرم می خواست قفسه های کتاب خانه شان را مانند کتابخانه موازی هم بچیند، ناراحتی خواهرم را درک می کردم. گاهی پیش می آید که آدم ها زیاده روی بکنند.) خانواده ما از شهری به شهر دیگر نقل مکان می کرد و ما بچه ها یاد گرفته بودیم که کتاب ها را چگونه در جعبه بچینیم و از جعبه در بیاوریم و دوباره روی قفسه بچینیم. روزهایی بارانی که از پرسه زدن در خانه کسل می شدیم، کتاب های قدیمی را از قفسه ها بر می داشتیم و سرگرم اساطیر یونانی و ماجراهای جنگ جهانی دوم می شدیم.

از قفسه های کتابهای والدینمان هر کتابی را می خواستیم قرض می کردیم و به مجموعه کتاب های خودمان می افزودیم.

تحقیقات نشان می دهد که صرف نظر از وضعیت اقتصادی اجتماعی، بچه هایی که در خواندن موفق اند چند خصوصیت مشترک دارند:

والدینشان از آنها انتظار تحصیلی بالایی دارند.

والدین یا خواهر و برادر بزرگ تر در انجام تکالیف مدرسه به آنها کمک می کنند.

والدین آنها با صدای بلند کتاب یا مطالب دیگر را برایشان می خوانند. آنها در خانه کتاب دارند.

وقتی صحبت از مطالب خواندنی برای بچه ها می شود، هر چقدر بر اهمیت در دسترس بودن کتاب تاءکید کنیم باز هم کم است. بچه ها نباید فکر کنند خواندن کاری است که فقط باید در مدرسه انجام داد.

شما چند بار با وضعیت زیر روبرو شده اید؟

فرزندتان باید روز شنبه یک گزارش را به معلم خود تحویل دهد. جمعه شب است و شما نمی توانید او را به کتابخانه ببرید.

اگر در قفسه های کتاب خود مطالب مرجع داشته باشید فرزندتان می تواند بدون ترک خانه گزارش قابل قبولی بنویسد. لازم نیست برای درست کردن یک کتابخانه مرجع در خانه خود متحمل هزینه سنگین بشوید. دایرة المعارف ها، لغت نامه ها و مطالب مرجع دیگر در بعضی از جاها به صورت دست دوم به فروش می رود. سعی کنید کتاب هایی را تهیه کنید که خیلی قدیمی نباشند و آنها را در جایی نگهداری کنید که به راحتی در دسترس شما و فرزندتان باشد. به خاطر داشته باشید که اگر در خانه رایانه و مودم دارید از منابع مختلف اینترنت نیز می توانید استفاده کنید. گرچه استفاده از اینترنت مجانی نیست! (برای اطلاعات بیشتر درباره منابع مرجع به روش 42 مراجعه کنید.)

هدف اصلی از نوشتن، انتقال اطلاعات، متقاعد کردن و سرگرم کردن است. بیشتر مطالبی که بچه ها در مدرسه می خوانند، به خصوص از کلاس چهارم به بعد، برای دریافت اطلاعات است. اگر بچه ها متوجه جنبه ی سرگرمی بسیاری

از کتاب‌ها و مجلات موجود بشوند، به خواندن در خانه علاقه‌ی بیشتری پیدا می‌کنند.

اگر در خانه مجموعه‌ی خوبی از کتاب‌های کودکان دارید، قبل از خواب که می‌خواهید برای فرزندتان قصه بخوانید، برای پیدا کردن قصه دچار مشکل نمی‌شوید. باز هم می‌توانید از فروشگاه‌هایی که کتاب‌های دست دوم می‌فروشند استفاده کنید. می‌توانید از دوستانتان بخواهید کتاب‌هایی را که دیگر برای گروه سنی فرزندانشان مناسب نیست به شما بدهند یا با دوستانی که فرزندانشان هم سن فرزندانشما هستند قرار بگذارید که کتاب‌هایتان را به همدیگر قرض بدهید. وقتی می‌گوییم کتاب‌ها باید در دسترس باشند، منظورم دقیقاً همین است. بچه‌ها باید بتوانند به آنها دست پیدا کنند، به آنها دست بزنند، آنها را ورق بزنند و بخوانند. اگر کتاب‌های جلد اعلا را در قفسه‌های شیشه‌ای نگهداری کنید و آنها را از دور تحسین کنید هیچ فایده‌ای به حال فرزندانتان نخواهد داشت. البته خوب است که از سن پایین به فرزندانشان بیاموزیم که به کتاب احترام بگذارند اما اگر روی قفسه کتاب‌ها علامت (دست نزنید) نصب کنیم یا با رفتار خود به بچه‌ها نشان بدهیم که نباید به کتاب‌ها دست بزنند، به جای تشویق کتاب‌خوانی، بچه‌ها را از این رفتار منصرف می‌کنیم.

چگونه احترام گذاشتن به کتاب را آموزش بدهیم

به بچه‌ها یادآوری کنید که با دست‌های تمیز به کتاب‌ها دست بزنند.

از آنها بخواهید کتاب‌ها را پاره نکنند، صفحات کتاب را تا نکنند.

در کتاب‌ها به خصوص کتاب‌های کتابخانه چیزی نکشند و ننویسند.

فرزندانتان را کمک کنید برای کتاب های خود نشان گر درست کنند. به آنها بگویید که به جای باز گذاشتن کتاب ها در حال دَمَر که به شیرازه ی کتاب فشار وارد می آورد، از نشان گر استفاده کنند. به همدیگر کمک کنید و صفحات یا شیرازه ی کتاب هایی که پاره شده اند را تعمیر کنید.

با نام فرزندتان مَهْری تهیه کنید تا در کتاب های خود بزند. اگر فرزندتان احساس کند کتاب جزو اموال شخصی اوست، بهتر می تواند مسئولیت نگهداری آن را به عهده بگیرد.

17. به هر جایی که می روید همراه خود کتاب ببرید

ملانی با عصبانیت گفت: (هیچ کاری مثل این سخت نیست که دو تا بچه ی کوچک را که از شدت گوش درد گریه می کنند به درمانگاه ببری و دو ساعت تمام در یک اتاق انتظار که به هیچ وجه مناسب بچه ها نیست انتظار بکشی. پیر مردهای عصا به دست زیر لب مرا نفرین می کردند و زن های حامله با وحشت به من زل می زدند و می ترسیدند از این که خودشان در آینده مثل من بشوند. البته مطمئن هستم که همه فکر می کردند بهتر از من می توانند از پس این کار بریبایند، شاید هم حق داشتند..

اما من یک چیز را یاد گرفتم: دیگر هرگز بدون این که دو - سه تا کتاب توی کیف پسرم بگذارم از خانه خارج نمی شوم. با خواندن مجله ها و کتاب هایی که در اتاق انتظار درمانگاه ها پیدا می شود نمی شود سر بچه ها را گرم کرد.) بچه ها از انتظار کشیدن متنفرند. اگر ماشین خراب شود، اگر صف فروشگاه بلند یا اگر مطب دندانپزشکی بیش از حد شلوغ باشد حتی خوش

خُلُقِ تَرین بچہ نیز می تواند رفتاری از خود نشان بدهد که والدین را به ستوه بیاورد.

تنها علاج این است که خود را با سرگرمی های گوناگون برای موفقیت های اضطراری مجهز کنید. هر جا می روید ممکن است موفقیت اضطراری پیش بیاید، پس هر جا که می روید اسباب بازی و کتاب را بخشی از اثاثیه خود قرار دهید.

قبل از این که از خانه خارج شوید از فرزندتان بخواهید که هر کدام کتاب یا مجله مورد علاقه خود را برای بردن انتخاب کند. می توانید آنها را در کوله پشتی فرزندتان، در کیف خود یا در کیف نوزادتان بگذارید.

شاید به نفعتان باشد که بادوام ترین کتاب ها را با خود ببرید یا کتابه ها و مجلاتی را ببرید که از گم شدن یا خراب شدن آنها ناراحت نمی شوید. همه والدین می دانند که بردن کتاب و اسباب بازی به سفر خیلی از اوقات یعنی جا گذاشتن کتاب یا اسباب بازی در سفر. اگر به جایی مانند ساحل دریا یا رستوران می روید که ممکن است کتاب های خوب در آنجا آسیب ببینند یا اگر فرزندتان حواس پرت است، کتاب های کتابخانه را همراه خود نبرید.

اگر بتوانید بچه ها را در موقعیت پرتنش سرگرم نگه دارید هم برای اعصاب خودتان خوب است و هم پیش همه مردم دنیا عزیز می شوید. اگر هنگام انتظار کشیدن در صف برای دو کودک سرشار از شیفتگی و هوشیار با صدای بلند کتاب بخوانید خیلی بهتر از آن است که در راهروهای فروشگاه دنبال یک بچه نق نقو بدویه در حالی که بچه دیگر توی چرخ دستی نشسته است و جیغ می کشد و هر آن ممکن است تعادل خود را از دست بدهد و بیفتد. چقدر پدری که بچه خود را در صندلی مخصوص در رستوران آرام و سرگرم نگه می دارد در

نظرمان خوشایند است و چقدر پدری که کودک نوپای خود را ول می کند تا در رستوران پرسه بزند و مواد غذایی را روی زمین بریزد، ناخوشایند. با کمی برنامه ریزی و چند کتاب خوب می توانید روابط خود را دوستان، همسایگان و غریبه ها بهبود بخشید.

18. در اختیار بچه های مریض، کتاب و مجله قرار دهید

مطمئنم که اعتیاد من به مجله های باطله ریشه در زمانی دارد که در کودکی به علت پنومونی (ذات الریه) در رختخواب می ماندم. فقط وقتی حالک خیلی بد می شد پدر و مادرم راضی می شدند چنین مطالبی در اختیارم بگذارند اما به درد و بیماری اش می ارزید چون دست رسی به آنها برایم لطفی افسانه ای داشت و هر یک از آنها را بارها و بارها می خواندم.

شاید درست نباشد بگویم اما به نظر من خواندن مطالب سطح پایین بهتر از این است که آدم چیزی نخواند. چرا باید بچه ی مریض با چشم های تب دار خود به صفحه تلویزیون زُل بزند حال آن که می تواند مهارت های خواندن خود را تقویت کند؟ حتی کتاب های کارتونی هم باارزشند. آنها هم مانند ادبیات داستانی (واقعی) شامل طرح، شخصیت پردازی و گفت و گویند. مجله های نوجوانان با جذابیت های ظاهری شان برای بچه های ده دوازده ساله منبع لذت اند و شامل انواع سبک های نوشتاری غیر داستانی نیز می شوند که بسیاری از بچه ها به قدر کافی فرصت آشنایی با آنها را پیدا نمی کنند. با خواندن این مجله ها، بچه ها برای مطالبی که باید در بزرگسالی بخوانند آمادگی پیدا می کنند. اگر فرزندان یک دوران طولانی نقاقت در پیش رو دارد، (مثلا بعد از آبله مرغان، سرخک یا برونشیت) اطمینان حاصل کنید که مطالب خواندنی کافی در اختیار دارد تا سرگرم بماند. اگر بتوانید هر روز که از سر کار به منزل برمی گردید چیز

جدیدی به مطالبش اضافه کنید خیلی خوب است. وقتی بچه ها نه آن قدر مریض اند که تمام روز را بخوابند و نه آن قدر سلامتند که به فعالیت های روزمره بپردازند، خیلی زود کسب می شوند. وقتی به داروخانه می روید تا شربت سینه بگیرید، به دکه روزنامه فروشی هم سری بزنید و مجله ای را که به نظرتان جذاب است انتخاب کنید. اگر جاده سلامتی را ادبیات پیش پا افتاده هموار می کند می ارزد با پرداخت این بهای اندک باعث رضایت فرزندتان شوید و به هر حال خواندن از بسیاری فعالیت های دیگر که فرزند بیمارستان می تواند انتخاب کند، سالم تر است.

19. به عنوان پاداش به فرزندتان کتاب یا مجله بدهید

مسئله پاداش دادند به بچه ها برای رفتارهایی که از آنها انتظار داریم، مسئله پیچیده ایست. زنی که من می شناسم برای این که فرزندانش خود را به خواندن تشویق کند در صفحه دهم یا پانزدهم لای کتاب اسکناس می گذاشت. استدلال او این بود که اگر تا آن صفحه می خواندند جذب می شدند و واقعا هم همینطور بود.

من به شخصه طرفدار این نیستم که به خاطر گرفتن نمره های خوب در مدرسه یا به خاطر تعداد کتاب هایی که می خوانند، به بچه ها پاداش بدهیم. اما قبول دارم که بعضی از اوقات بچه ها مستحق پاداشند و فکر می کنم بد نیست چیزهایی را به آنها بدهیم که می خواهیم برایش ارزش قائل شوید. پاداش را به خاطر رفتارهایی باید به بچه ها داد که (ورای وظیفه) آنهاست نه به خاطر رفتارهایی که در روند عادی زندگی از آنها انتظار داریم. البته که نمره های خوب مایه افتخار است. اما نمره های خوب باید در طولانی مدت و به خودی خود پاداش کار فرد محسوب شود. خواندن هم همینطور است. بعضی از بچه ها

هنگام رقابت شکوفا می شوند و به همین دلیل نیز برنامه مطالعه تابستانی کتابخانه ها می تواند مفید باشد (مراجعه کنید به روش 30). البته اگر کودک را با پاداش به خواندن تشویق کنید ممکن است اثر عکس داشته باشد: آیا با برداشتن پاداش انگیزه ی خواندن از بین می رود؟

فرض کنید فرزندان یک کار واقعا قابل توجه انجام داده است: مثلا باعث پیروزی تیم فوتبالشان شده است یا دو هفته پشت سر هم در تعطیلات پایان هفته از خواهر و برادر کوچک ترش بدون هیچ شکایتی نگهداری کرده، یا برای نظافت محله اهالی محل را بسیج کرده است. چطور است به او نشان بدهید که با موضوع کارش ارتباط داشته باشد: می توانید به او یک رمان ورزشی یا کتابی درباره ی نگهداری از بچه بدهید یا او را مشترک یک مجله مربوط به طبیعت و محیط زیست کنید.

اگر کاری که انجام داده است کوچک تر است می توانید به او یک کتاب مصور یا کتاب جدول و معما بدهید. و اگر کارش خیلی بزرگ بود می توانید پاداش بزرگی به او بدهید، مثلا یک دایرة المعارف کودکان. اگر فرزندان را طوری بار آورده اید که به خواندن علاقه مند باشند از دریافت چنین پاداشی به هیجان می آیند. علاوه بر آن وقتی از مطالب خواندنی به عنوان پاداش استفاده می کنید این مفهوم را نزد بچه ها تقویت می کنید که کتاب، مجله و حتی مجله ی مصور کودکان، فی نفسه با ارزش اند.

20. کارهایی را اختراع کنید که به خواندن مربوط می شود

اولین کاری که در ازایش پول گرفتم سفارش دادن مقاله برای پدرم بود، کارم این بود که کارت مخصوص را پر کنم، آدرس مقاله را از پایین صفحه کپی کنم و آدرس گیرنده را بنویسم. پدرم برای هر کارت یک سکه به من می داد. تلفظ و

معنی بسیاری از کلماتی را که آن روزها می نوشتیم، حتی امروز هم نمی دانم، کد پستی تقریبا تمام شهرک های دانشگاهی ایالات متحده را نیز حفظ شدم.

حتما کارهای زیادی در خانه دارید که حوصله یا فرصت انجام آنها را ندارید. کدام یک از این کارها شامل خواندن یا نوشتن می شود؟ اگر فرزندتان کسل و بی حوصله است، آیا می توانید او را به انجام آن کار ترغیب کنید؟ شاید فکر کنید که اگر برای فرزندتان کار بسازید برای خودتان در دسر تراشیده اید اما وقتی تعطیلات طولانی تابستانی فرا می رسد و استخر به علت تعمیرات تعطیل است، این جور کارها می تواند نعمتی باشد. به پیش نهادهای زیر فکر کنید و خودتان نیز کارهایی را پیشنهاد کنید:

از فرزندتان بخواهید یک صورت غذا براساس حروف الفبا برایتان تهیه کند یا دستور تهیه غذاهایی را که با عجله از تلویزیون یادداشت کرده اید، برایتان پاک نویس کند یا در کامپیوتر تایپ کند.

از فرزندتان بخواهید از جشن ها و مراسم و سالگردهای افراد فامیل یک تقویم درست کند و آن را برای سایر اعضای فامیل نیز ارسال کند.

عکس هایی را که می خواهید در آلبوم بچینید به فرزندتان بدهید و از او بخواهید تاریخ و محل گرفتن هر عکس را روی یک برچسب مشخص کند.

از فرزندتان بخواهید قفسه کتاب یا مجموعه نوارها و CDهایتان را به ترتیب حروف الفبا و براساس نام خانوادگی نویسنده یا خالق اثر مرتب کند.

از فرزندتان بخواهید کارهایی را که هر یک از اعضای خانواده باید در خانه انجام دهد، به صورت یک تقویم هفتگی بنویسد که روی در یخچال نصب کنید.

اگر می خواهید همراه خانواده یا برای خانواده کاری انجام دهید که نیاز به تحقیق و جمع آوری اطلاعات دارد، از فرزندتان بخواهید بخش تحقیق و جمع

آوری اطلاعات را به عهده بگیرد. مثلاً برای خرید ماشین، انتخاب محل مناسب برای مسافرت و غیره.

اگر برای فرزندان عاقلانه کار اختراع کنید، نه تنها مهارت های خواندن و نوشتن او را تقویت می کنید بلکه ترتیب آن را می دهید که او برخی از کارهای شما را نیز برایتان انجام دهد. کاری که برای شما تکراری است و هیچ ارزش ذهنی ندارد می تواند برای فرزندان واقعا جالب یا مشکل باشد، به خصوص اگر طوری آن را نشان دهید که ضروری و باارزش به نظر برسد.

21. مجلات کودکان را مشترک شوید

روزی که مجله خواننده هفتگی پخش می شود، حتی پر سر و صداترین گروه بچه های کلاس سوم نیز ساکت و آرام می شوند. این مجله خبری هفتگی شامل اخبار کوتاه مربوط به بچه ها، داستان و معما و پازل می شود. اما بزرگترین حسن این مجله این است که هر یک از بچه ها نسخه مخصوص خود را دریافت می کند. بچه ها می توانند در آن بنویسند یا قسمتهایی از آن را ببرند به خانه ببرند تا به سایر اعضای خانواده نشان دهند. این که محتوای مجله چه باشد مهم نیست، فکری که پشت آن خوابیده است عالی است. ضمیری که در عنوان مجله به کار رفته است گویای همه چیز است: این مجله مال من است. در کلاس درس کمتر چیزی پیدا می شود که واقعا مال بچه ها باشد اما این چند ورق خبرنامه مال خود آنهاست.

احساس تملک نسبت به مطلب می تواند بی علاقه ترین خواننده را نسبت به ورق زدن و خواندن آن ترغیب کند. به همین دلیل است که داستان های شخصی بچه ها تا این حد برای خواننده ی کم سن و سال مؤثر است (مراجعه کنید به روش 23) و به همین دلیل است که نامه نگاری روش موفقیت آمیزی برای

و ادار کردن بچه ها به استفاده از مهارت های زبانی است (مراجعه کنید به روش 22). اگر فرزندان در میان محموله های پستی مجله ای پیدا کند که به نام و آدرس او فرستاده شده باشد، سن و سالش هر چه باشد، به خواندن آن ترغیب می شود.

مجله های بچه ها براساس موضوع و گروه سنی دسته بندی می شوند و به همین دلیل است که جالب اند. فرزند شما بیشتر به چه مطالبی علاقه دارد؟ به چه فعالیت هایی علاقه دارد؟ برای هر سلیقه ای می توانید مجله ای پیدا کنید. قبل از آن که سرمایه گذاری کنید و مجله را آبونمان شوید می توانید چند شمار آن را از کتابخانه قرض کنید تا علاقه ی فرزندان را آزمایش کنید. کتابدار نیز شاید بتواند به شما در پیدا کردن عنوان مجلات مناسب کمک کند.

آبونمان مجله یک هدیه ی عالی است. صورت زیر عنوان بعضی از مجلات خوب را نشان می دهد.

22. برای فرزندان یک دوست مکاتبه ای پیدا کنید

تاکوئو با والدین خود برای یک اقامت دو ساله از ژاپن به شیکاگو آمد. گرچه ابتدا هیچ انگلیسی بلد نبود اما علاقه او به بیس بال و رفتار دوستانه اش باعث شد که نزد پسرهای کلاس محبوبیت کسب کند. نالدو که هم ورزشکار خوبی بود و هم دلچک کلاس بود تاکوئو را زیر پر و بال خود گرفت. تاکوئو به سرعت یاد می گرفت و به زودی توانست به انگلیسی بخواند و بنویسد و داستان هایی را از سرزمین مادرش تعریف کند. گرچه ابتدا از نظر خواندن هم سطح دوست خود نالدو بود، اما سرعت ارتقا پیدا کرد و به رده دوم کلاس رسید.

هنگام بازگشت به ژاپن تاکوئو قول داد که برای نالدو نامه بنویسد. نالدو تا آن زمان از کسی نامه دریافت نکرده بود. اما تاکوئو به قول خود وفا کرد و از فرودگاه توکیو برای نالدو یک کارت پستال فرستاد و در آن از جریانات خنده داری که در سفر طولانی هوایی آنها رخ داده بود، تعریف کرد. نالدو و تاکوئو از آن پس به صورت مرتب با هم مکاتبه کرده اند. تنها چیزی که نالدو بیرون از کلاس می نویسد نامه است و بیشترین لذت که از خواندن می برد، هنگام خواندن نامه های تاکوئو است.

بعضی از بچه ها برای خواندن به ترغیب زیادی نیاز ندارند، آنها می دانند که با خواندن وارد دنیای تازه ای می شوند، با شخصیت های تازه آشنا می شوند و چیز جدیدی می آموزند، و همین برایشان کافی است. وقتی در پست مطلبی را دریافت می کنیم که حامل نام ماست برای خواندن آن ترغیب می شویم. کمتر بچه ای پیدا می شود که نامه ای را نخوانده کنار ببیند تا تلویزیون تماشا کند تا به بازی های رایانه ای بپردازد. حتی نامه های تبلیغاتی نیز برای کسی که نامه های زیادی دریافت نمی کند، می تواند هیجان انگیز باشد. بهترین دوست مکاتبه ای برای فرزند شما کسی است که تقریباً هم سن و سال خود او باشد. دوست مکاتبه ای او می تواند، پسر خاله، فرزند یکی از همکاران شما یا یک دانش آموز خارجی باشد. در بهترین حالت فرزند شما می تواند با دوست مکاتبه ای خود علایق مشترکی داشته باشد، اما در بسیاری از اوقات حتی کسانی که زمینه های زندگی شان با هم کاملاً متفاوت است می توانند با هم مباحث مکتوب خوبی داشته باشند.

دریافت نامه از دوست مکاتبه ای می تواند برای کسی که نسبت به خواندن بی میل است، انگیزه ی تازه ای باشد. این نامه ها به خواندن جدی نیاز دارند

(مراجعه کنید به روش 34)، به خصوص اگر گیرنده قصد پاسخ دادن داشته باشد. گیرنده ی نامه می تواند مطابق میل خود نامه را نگه دارد تا بعدا بخواند، یا آن را به کسی دیگری نشان دهد. نامه دوست مکاتبه ای جنبه ای کاملاً شخصی دارد و به همین علت برای خواننده جالب است. برای کمک به فرزندتان در جهت حفظ یک رابطه ی خواندن / نوشتن خوب با دوست مکاتبه ای خود، نکات زیر را به او توصیه کنید.

چگونه دوستی مکاتبه ای را فعال نگه داریم

1. به مطالبی که دوستت می گوید یا می پرسد پاسخ بده.
2. درباره ی زندگی، احساسات، آرزوها و اهداف بگو.
3. درباره ی زندگی، احساسات، آرزوها و اهداف دوست مکاتبه ای ات سؤال کن.
4. نقاط مشترکتان را پیدا کن و درباره ی آنها بنویس.
5. نقاط تمایزتان را پیدا کن و درباره ی آنها بنویس.
6. برای همدیگر عکس و یادگاری بفرستید.
7. طوری بنویس که انگار با دوستت مستقیماً صحبت می کنی.
8. اگر دوست مکاتبه ای ات اینترنتی است باهم قرار ملاقات نگذارید. اگر ارتباط مکاتبه ای فرزندتان موفقیت آمیز شد و فرزندتان از نوشتن و دریافت نامه لذت می برد می توانید موارد مشابه زیر را برای برقراری ارتباط به او پیشنهاد کنید:

به نویسنده مورد علاقه خود نامه بنویس و بگو که چرا از کتابش لذت بردی.
برای اعضای فامیل که دور از شما زندگی می کنند یک خبرنامه درست کنید.

برای سردبیر روزنامه مورد علاقه و یا محلی خود نامه ای بنویس و نظر خود را درباره ی یک موضوع مهم بیان کن.

23. در خانواده داستان های تجربه ی زبانی خلق کنید

وقتی دانشجوی کارشناسی ارشد بودم، در آموزش خواندن مفهوم جدیدی مطرح شد: تجربه ی زبانی. براساس این مفهوم توانایی شنیداری، گفتاری، نوشتاری و خواندن، بخشی از طیف تجربه ی ارتباطی فرد را تشکیل می دهد و گفتار، نقاشی و نوشتن را که وسیله بیانی افراد است، نباید از خواندن جدا کرد. تاکنون برنامه ی درسی کامل و بی نقصی ارائه نشده است اما این که برای یادگیری خواندن و نوشتن از زبان شفاهی بچه ها شروع کنیم هنوز هم معقول به نظر می رسد. بیشتر اساتید آموزش نیز معتقدند که برای مطالعه هنرهای زبانی باید خواندن، نوشتن، شنیدن و گفتن را به صورت یک پارچه در نظر گرفت. براساس رویکرد تجربه ی زبانی، نوشتن یعنی ثبت زبان شفاهی و خواندن نوعی گفت و گو بین نویسنده و خواننده است. بدین ترتیب توانایی اولیه ی کودک برای حرف زدن و شنیدن به طور طبیعی با خواندن و نوشتن ترکیبی یک پارچه به وجود می آورد. (داستان تجربه زبانی) داستانی است که کودک براساس تجربه خود و به زبان خود بیان می کند. بسیاری از بچه ها که تازه خواندن می آموزند برای خواندن مطلبی درباره زندگی خود انگیزه ی زیادی دارند. به همین دلیل (داستان های تجربه ی زبانی) در سال های اولیه دبستان برای آموزش خواندن بسیار مفیدند. سن و سال کودکان هر چه باشد می توانید از داستان های تجربه ی زبانی او به عنوان مطالب خواندنی جالب استفاده کنید.

چگونه داستان تجربه ی زبانی را پدید آوریم

اگر فرزندان کم سن و سال است، مطالبی را که به زبان می آورد بنویسید و اگر بزرگ تر است بگذارید خودش داستان را بنویسد.

موضوع های ساده انتخاب کنید:

بزرگ ترین آرزوی تو چیست؟

ترسناک ترین اتفاقی که برایت افتاد چه بود؟

دوست داری به کجا سفر کنی؟

بهترین دوست تو کیست و به چه دلیل؟

مطلب را ساده نگه دارید. اجازه بدهید چند دقیقه فکر کند سپس چند جمله ای را برای داستان انتخاب کند. خیلی بازنویسی نکنید، سعی کنید داستان را به زبان کودکان بنویسید.

ضمن این که می نویسید برای فرزندان توضیح بدهید که چه می کنید. اگر فرزندان کم سن و سال است توضیح بدهید که هر چه می گوید را می توان با حروف الفبا نوشت. و حتی افراد غریبه نیز می توانند بعدا آنچه را که گفته است، بخوانند.

از فرزندان بخواهید برای داستان نقاشی بکشند و آن را در یک پوشه یا کلاسور بگذارید.

روز بعد از این که داستان تجربه ی زبانی را نوشتید از فرزندان بخواهید آن را بخوانند. حتی بچه هایی که سواد خواندن ندارند نیز می توانند برخی از عناصر داستان را به یاد بیاورند یا برخی از کلمات را بشناسند. چون داستان ساخته ی خود فرزندان است، می خواهد بداند که هر کلمه چیست.

تعدادی داستان جمع آوری کنید و از بچه ها بخواهید آنها آنها را با اعضای دیگر خانواده بخوانند. بد نیست خودتان نیز درباره ی موضوعی که به فرزندتان داده اید، بنویسید و اجازه دهید فرزندتان علاوه بر داستان خود، داستان شما را نیز بخواند. با این کار داستان فرزند خود را (منتشر) می کنید و به تجربیات شخصی او مشروعیت می بخشید و وقتی خودتان می نویسید به او نشان می دهید که همه برای انتقال عقاید خود از زبان استفاده می کنند.

24. برای خانواده دفتر یادگاری درست کنید

وقتی بچه بودم، سرگرمی مورد علاقه مان در روزهای بارانی ورق زدن دفترهای یادگاری قدیمی پدر و مادرمان بود. مادرم که در کودکی صدای قشنگی داشت، دفترهای یادگاری بزرگی داشت که برنامه ی کنسرت ها، قطعات موسیقی، عکس ها و گل های خشک خود را در آن چسبانده بود که حس گنجکاوی ما را نسبت به آن دوره زندگی او تحریک می کرد. پدرم از روزهایی که در نیروی دریایی گذرانده بود، یک آلبوم بزرگ عکس نگه داشته است که در بالای هر عکس عنوانی نوشته شده است. با دیدن این آلبوم به حقایق تازه ای درباره پدرم دست یافتم: او در لباس نظامی بسیار خوش تیپ بود، زمانی پپ می کشیده، مدتی از عمر خود را در جاهای بسیار عجیب سپری کرده و به کشیدن کاریکاتورهای خنده دار علاقه داشته است. این دفترهای یادگاری که سالها قبل از تولد ما گرد آوری شده بودند بخشی از تاریخ خانوادگی ما را حفظ کرده بودند.

گردآوری دفتر یادگاری علاوه بر این که روشی عالی برای حفظ تاریخ خانواده است می تواند یک تجربه آموزشی فوق العاده نیز باشد. کشوی عکس هایی را که با عکس فرزند قنذاقی تان شروع می شود بیرون بریزید. بلیط

هوایمای اولین سفر هوایی خود یا کودکتان، برچسب هایی که هیچ وقت به ماشین خود نچسبانید، کارت تبریک هایی که از فامیل دریافت کرده اید و هر چیزی که بخشی از فرهنگ خانواده ی شما را تشکیل می دهد می تواند در دفتر یادگاری قرار بگیرد.

بچه های سنین مختلف می توانند در گردآوری این دفتر یادگاری کمک کنند. کارها را به روشی که به نظرتان معقول می آید تقسیم بندی کنید.

بچه های کوچک تر می توانند...

عکس ها را به دسته های مختلف تقسیم کنند.
عکس ها یا کارت پستال ها را روی صفحه تنظیم کنند.
برای هر صفحه عنوانی جدی یا طنز پیشنهاد کنند.
در صفحات دفتر، نقاشی، کاریکاتور یا طرح بکشند.

بچه های بزرگ تر می توانند...

مطالب را به ترتیب زمان مرتب کنند.
برای عکس یا کارت پستال ها عنوان یا توضیح بنویسند.
عکس ها یا مطالب یا یادگاری ها را به صفحه ی دفتر بچسبانند یا وصل کنند.

برای دفتر یادگاری نمایه تنظیم کنند.

وقتی دفتر یادگاری تان کامل شد اجازه بدهید فرزندانان آن را رسماً به دوستان یا اعضای فامیل نشان دهند. حتی بچه هایی که سواد خواندن ندارند نیز می توانند متنی را که خود آفریده اند (بخوانند) آنها می توانند موضوع هر عکس یا یادگاری را تعریف کنند. بچه های بزرگ تر می توانند عنوان ها یا توضیحات را با صدای بلند بخوانند. دفتر یادگاری را جایی بگذارید که همه اعضای

خانواده بتوانند آن را در روزی بارانی که می خواهند در جاده خاطرات سفر کنند، به راحتی پیدا کنند.

چند پیشنهاد برای دفترهای یادگاری موضوعی

فعالیت های ورزشی فرزند خود را ثبت کنید.

جشن عبادت، جشن پایان دبستان، جشن ورود به دبیرستان، یا هر حادثه ای را که تنها یک بار رخ می دهد ثبت کنید.

خاطرات یک سفر خانوادگی را گردآوری کنید.

زندگی هر یک از فرزندان خود را در دفتری جداگانه ثبت کنید.

عکس هایی را که فرزندتان در اردوهای تابستانی یا تشکل های دانش

آموزی گرفته است در یک دفتر نگهداری کنید.

برای جشن های تولد اعضای خانواده تان یک دفتر یادگاری درست کنید.

25. مراجعه به کتابخانه را در روال کارهای جمعی خانواده قرار دهید

من با بهترین دوست خود در کتابخانه آشنا شدم. سال 1963 بود و ما در مقابل قفسه ی (سری زندگی نامه ها) در قسمت کودکان با هم برخورد کردیم. هر دویمان مجذوب این سری کتاب ها شده بودیم و علاقه ما به آنها بیشتر به خاطر تعداد زیاد کتاب های موجود در سری بود تا به خاطر علاقه قلبی به زندگی قهرمانان آمریکایی. ما هر دو اهل رقابت بودیم و ملاک یادگیری برای ما نه دانش کسب شده بلکه کمیت کتاب هایی بود که می خواندیم.

ما به تنهایی به کتابخانه نمی رفتیم. خانواده هایمان نیز می آمدند، در طول کودکیمان، شنبه هر هفته با خانواده هایمان به آنجا می رفتیم. شنبه صبح که می شد کتاب ها از زیر تخت، پشت کوسن های مبل، از روی میز آشپزخانه، و از لای قفسه کتاب اتاق نشیمن جمع می کردیم. آنها را در یک جعبه می چیدیم،

سوار ماشین می شدیم و به کتابخانه می رفتیم. آنجا پخش می شدیم: بزرگسالان به اتاق بزرگسالان می رفتند، بچه های کوچک به سراغ کتاب های تصویری، و من دوستم به سراغ کتاب های سری.

چین چال، کارشناس خواندن، معتقد است که خواندن سه پیش نیاز دارد: قابلیت دسترسی، قابلیت خواندن و علاقه. مراجعه مکرر به کتابخانه هر سه پیش نیاز را فراهم می کند. والدین ما که رفتن به کتابخانه را روال خانوادگی قرار داده بودند، به ما خدمت بزرگی کردند.

آنها منبع بی پایانی از مطالب خواندنی در اختیارمان قرار دادند. (قابلیت دسترسی)

آنها کاری کردند که بتوانیم مطالبی را پیدا کنیم که با سن و توانایی خواندنیمان هماهنگی داشته باشد. (قابلیت خواندن)

آنها ما را به جایی بردند که بتوانیم درباره ی هر موضوع یا در هر سبک ادبی قابل تصور مطلب پیدا کنیم. (علاقه)

و مهم تر از همه:

آنها خواندن را به صورت یک عادت مشترک خانوادگی درآوردند و بدین ترتیب باز هم بر اهمیت آن تاءکید کردند.

ممکن است از فکر این که باید هر روز در معرض دید فرزندتان، یا برای فرزندتان بخوانید، حیران شوید (مراجعه کنید به روش های 1 و 3).

ممکن است بودجه تان اجازه ندهد خیلی کتاب یا مجله بخرید (مراجعه کنید به روش 16). پس مراجعه منظم به کتابخانه می تواند کمک کند. وقتی فرزندتان آموخت که نام خود را بنویسد می توانید او را عضو کتابخانه کنید و برایش کتاب قرض کنید.

کتابخانه عمومی محلستان ممکن است تنها از یک اتاق تشکیل شده باشد و یا یک ساختمان بزرگ باشد. اما در هر کتابخانه ای کسی هست که بتواند شما را با آنجا آشنا کند و قوانین کتابخانه را برایتان توضیح دهد.

اطلاعات زیر را حتما بدست بیاورید:

1. زمان مجاز برای نگه داشتن هر کتاب چقدر است؟
2. جریمه تاءخیر در باز گرداندن کتاب چیست؟
3. آیا اتاق یا قسمت کودکان وجود دارد؟
4. آیا جلسات کتابخوانی با صدای بلند برای بچه ها برگزار می شود؟
5. آیا برنامه ی مطالعه ی تابستانی برگزار می شود؟
6. ساعت کار کتابخانه چگونه است؟
7. آیا کتابخانه خدمات ویژه مانند دوره های آموزشی یا جلسات سخنرانی ارائه می دهد؟

به فرزندانتان بفهمانید که باید در کتابخانه سکوت را رعایت کرد و باید از اموال کتابخانه بادقت و ملاحظه نگهداری کرد. با رفتار خودتان به آنها نشان بدهید که کتابخانه جای مخصوص و باارزشی است که تمام خانواده می تواند از آن لذت ببرد.

وقتی من و دوستم به سن بلوغ رسیدیم، دیگر همراه خانواده به کتابخانه نمی رفتیم. (بچه ها بالاخره در یک زمان در مقابل حرکت های جمعی خانواده شورش می کنند. به آنها بگویید که هر وقت مایل باشند با شما بیایند از همراهی آنها استقبال خواهید کرد اما اگر ترجیح می دهند به تنهایی به کتابخانه بروند، باز هم می توانند.) اکنون که از آن زمان 30 سال گذشته است و من و دوستم در فاصله 5 هزار کیلومتری هم زندگی می کنیم باز هم برای خواندن مطالب بیشتر،

درباره ی موضوعات بیشتر، با هم رقابت می کنیم و هنوز هم کتابخانه ی عمومی را بخشی از خانه ی خود به حساب می آوریم.

26. به نمایشگاه های کتاب بروید

(وقتی برای اولین بار به نمایشگاه کتاب رفتم ده ساله بودم، سالن بزرگی را به یاد می آورم که پر بود از غرفه ها و قفسه های کتاب. در گوشه ای از سالن بچه ها دور میز نشسته بودند و برای شرکت در مسابقه، نقاشی می کشیدند و در گوشه ای دیگر، روی میز دور نویسنده ای حلقه زده بودند که داشتن خود را با صدای بلند برای بچه ها می خواند. آن روز بادستی پر و با کلی کتاب و اسباب بازی فکری به خانه برگشتم اما بهترین خاطره برایم این بود که در یکی از غرفه ها با نویسنده محبوب خود آشنا شدم، با او صحبت کردم و او نیز با کمال مهربانی کتاب جدید خود را برایم امضاء کرد.)

فروشگاه های زنجیره ای کتاب جای بسیار جالبی برای جلب علاقه کودکان به کتاب و کتابخوانی است. در بسیاری از آنها علاوه بر ارائه کتاب های کودکان بخش هایی نیز تعبیه شده است که به فعالیت های جنبی اختصاص دارد. اجرای نمایش های عروسکی، گروه های قصه خوانی، کارگاه های داستان نویسی، آشنایی با نویسندگان کودکان، همه فعالیت هایی اند که می توانند در شکوفا کردن علاقه ی فرزندان نسبت به کتاب و کتابخوانی تأثیر بگذارند.

به آگهی ها و پوسترهایی که زمان و مکان برگزاری نمایشگاه های کتاب را تبلیغ می کنند دقت و سعی کنید با خانواده در این نمایشگاه ها حضور پیدا کنید. شما می توانید به غرفه های بزرگسالان سر بزنید و کتاب های مورد علاقه ی خود را بررسی کنید و به فرزندان اجازه بدهید که هم زمان در غرفه های مخصوص کودکان گردش و در فعالیت های جنبی کودکان شرکت کنند.

حس دیگر این نمایشگاه ها، برخورداری از تخفیف ویژه خرید کتاب است!

27. فرزند خود را با کتاب های سری آشنا کنید

وقتی بچه بودم عاشق کتاب های سری بودم، (مثل قصه های خوب برای بچه های خوب)، و تا امروز هم علاقه ی خود را حفظ کرده ام. وقتی از یک کتاب لذت می بریم و بعد می فهمیم که همان نویسنده درباره ی همان شخصیت ها و همان مکان، سه، شش یا ده جلد دیگر نیز کتاب نوشته است، هیجان زده می شویم. امروزه گرچه سلیقه ام نسبت به موضوع کتاب های مورد علاقه کودکی ام تغییر کرده روشم هنوز همان روش است: باید تک تک کتاب ها را بخوانم و بی صبرانه انتظار جلد بعدی را بکشم.

کتاب های سری برای خواننده بهترین دوست به حساب می آید. گاهی محبوبیت این کتاب ها نه به خاطر کیفیت ادبی بلکه به خاطر کمیت آنهاست. بچه ها آنها را یک جلد بعد از دیگری با سرعت می خوانند و باز هم منتظر جلد بعدی اند.

گاهی که بچه ها به سری کتاب های مورد علاقه ی خود دست می یابند به کلی از جلوی چشم غیب می شوند و فقط هرچند گاه یک بار پدیدار می شوند تا بگویند: (بعدی کجاست؟)

البته بسیاری از کتاب های سری از ارزش ادبی نیز برخوردارند و بسیاری از نویسندگان بزرگ و محبوب به مجموعه ی کتاب های کودکان سری های سه یا چند جلدی افزوده اند.

اگر می خواهید فرزندانتان به خواندن علاقه مند شوند و اگر می خواهید از دیدن این که غرق یک کتابی شده اند لذت ببرید، می توانید کمی هم از کیفیت کتاب چشم پوشی کنید. فرصت برای خواندن آثار کلاسیک در آینده بسیار

است. در واقع اگر زرنگ باشید می توانید نویسندگانی مانند آلكوت، کیپلینگ و شکسپیر را نیز به عنوان سری نویس معرفی کنید (4).

28. داستان هایی را پیدا کنید که فیلم یا کارتون آن نیز ساخته شده است

کارتون گوژپشت نتردام، ساخته والت دیزنی تطابق معمول نظرهای متناقض منتقدین را برانگیخت: به هیچ وجه امانت را رعایت نکرده است، بخش های مهمی را حذف کرده، شخصیت ها و اتفاقاتی را به داستان اضافه و داستان را از اصل آن زیباتر و لطیف تر کرده است. درباره سفید برفی و هفت کوتوله و بامبی هم مردم همین را می گفتند. این داستان ها در شکل اصلی خود چندان برای بچه ها خوشایند نبودند بلکه در واقع تا حدی ترسناک و سیاه هم بودند.

مادرم می گوید: (اگر دیزنی سفیدبرفی، پینوکیو و بقیه را به صورت کارتون در نیاورده بود، من هرگز با آن داستان ها آشنا نمی شدم. وقتی من بچه بودم کسی آن داستان ها را برایم نخوانده بود. مادر و پدرم برای من داستان های نروژی می خواندند اما از برادران گرین و هانس گریستین آندرسن چیزی برایم نمی خواندند. من این فیلم های کارتونی را بعد از ظهرهای شنبه در سینما می دیدم.)

به نظر شما چند خواننده مانند مادر من وجود دارد؟

وقتی مردم درباره ی (سواد فرهنگی) صحبت می کنند منظورشان دانش ما از مجموعه ی فرهنگ است که مردم جامعه به صورت مشترک از آنها استفاده می کنند. داستان های پریان اروپایی بخشی از دانش مشترک مردم آمریکایی را تشکیل می دهد. بچه ها باید کلیت داستان زیبای هفته، سندرلا و بسیاری از داستان های دیگر را بدانند. اگر این داستان ها را در خانه نخوانند ممکن است در مدرسه با آنها آشنا شوند. اگر نه چه؟

آیا باید از شنیدن اشاره‌هایی که مردم در زندگی روزمره خود به این داستان‌ها می‌کنند، یا مثال‌هایی که از این داستان‌ها می‌زنند، گیج شوند؟ فیلم‌های دیزنی، به رغم تمام ضعف‌هایی که دارند، خدمت بزرگی کرده‌اند و این داستان‌ها را برای عموم قابل دسترس کرده‌اند. گرچه ممکن است برادران گریم خود نتوانند بعضی از شخصیت‌های گرم و مهربانی را که دیزنی آفریده است به عنوان شخصیت ترسناک و تلخ اصلی خود بشناسند، اما این فیلم‌ها شخصیت‌های مهم ادبی را به صورت تصویری برای چندین نسل ارائه کرده است. گوژپشت نتردام هم با اضافاتی که دارد یکی از همین‌هاست.

برای خواندن، کتاب‌های فراوان و خوبی وجود دارد که فیلم یا سریال تلویزیونی آن‌ها نیز ساخته شده است. بسیاری از کتاب‌هایی که هرگز تجدید چاپ نمی‌شدند، با بسته شدن قرارداد تولید فیلم آن با جلدی خوش آب و رنگ تجدید چاپ می‌شوند. بسیاری از کتاب‌های کلاسیک کودکان مانند شازده کوچولو یا زنان کوچک، با جلدی تازه و مخاطبینی جدید، دوباره متولد می‌شوند.

برای این که از این داستان‌ها و فیلم‌ها بهترین استفاده را بکنید بهتر است کتاب را قبل از دیدن فیلم به فرزندتان بدهید. بدین ترتیب بچه‌ها ابتدا فرصت می‌کنند شخصیت‌ها و حوادث را پیش خود تصور کنند و سپس آنها را با تصور فیلم ساز مقایسه کنند. بعضی از بچه‌ها داستان را بیشتر به این دلیل می‌خوانند که می‌خواهند بدانند آخر چه می‌شود، دیدن فیلم از خواندن داستان، کتاب را برای چنین بچه‌هایی خراب می‌کند. البته دیدن فیلم براساس داستان نویسنده‌ای بزرگ ممکن است بچه‌ها را به خواندن داستان‌های دیگر آن نویسنده نیز ترغیب کند. بعضی از بچه‌ها نیز دوست دارند کتاب متعلق به خود

آنها باشد و ممکن است از این که صاحب کتابی اند که دوستانشان تنها فیلم آن را دیده اند، لذت ببرند. در جدول زیر چند داستان آن ساخته شده است و برای بچه های سنین مختلف مناسب است پیشنهاد کرده ام. شاید بد نباشد قبل از این که فرزندان فیلم را ببینند، خودتان آن را تماشا کنید تا ببینید آیا برای دیدنش آمادگی دارد یا نه.

چند داستان کلاسیک کودکان (کارتون)

چند داستان کلاسیک کودکان (فیلم)

براساس عناوین ترجمه شده به فارسی یا کتاب و فیلم های فارسی.

29. از کتاب هایی که موضوع آن جشن های ملی و مناسبت های مذهبی

است، استفاده کنید

در کتابخانه عمومی محله ما، کتاب های کودکان در یک سمت سالن اصلی قرار دارد. اولین باری که به آن قسمت سر زدم تعجب کردم: یک قفسه ی کامل از کتابخانه به کتاب هایی اختصاص داده شده بود که موضوع آن جشن های ملی و مناسبت های مذهبی بود، چه ادبیات داستانی، چه کتاب های غیر داستانی، چه شعر و چه انواع ادبی دیگر. ظاهرا میزان درخواست این کتاب ها از طرف والدین و معلم ها آنقدر زیاد است که کتابدارها مجبور شده اند آنها را از سایر کتابها جدا کنند. اگر در قفسه جدایی باشند راحت تر می شود به آنها دسترسی پیدا کرد. از آن پس دقت کردم و دیدم در کتابخانه ها و کتاب فروشی های دیگر نیز قفسه مشابهی وجود دارد که به کتاب های مربوط به جشن های ملی و مناسبت های مذهبی اختصاص دارد.

اگر تردید دارید که ادبیات الهام گرفته از مناسبت های ملی و مذهبی تا چه حد نزد مردم محبوب است یک لحظه به فیل های آهنگ برنادت و کریسمس

چارلی براوان بیاندیشید. اهمیتی ندارد که شما یا فرزندانتان چند بار این فیلم ها را دیده باشید، آنها در تار و پود مناسبت های ملی و مذهبی تنیده شده اند. برقرار کردن رابطه بین ادبیات و زمان معقول به نظر می رسد. معلمین همیشه همین کار را می کنند و مناسبت های ملی و مذهبی را هر سال با دانش آموزان خود مرور می کنند، از روز دانش آموز گرفته، تا سالگرد انقلاب و پیروزی و روز استقلال و اعیاد مذهبی و...

کتابدار می تواند به شما کمک کند تا کتاب هایی را پیدا کنید که به این مناسبت ها مربوط می شود. بعضی از آنها را می توانید هنگام خواب برای بچه ها بخوانید و بعضی را می توانید به آنها بدهید تا به تنهایی بخوانند⁽⁵⁾.

30. برای تابستان یک برنامه مطالعه ی آزاد تنظیم کنید

دبستان ترگود مارشال که در گذشته بر اساس نظام آموزشی معمول داره می شد، اخیرا تغییر کرده است و در حال حاضر هر معلم به مدت دو سال به دانش آموزان خود درس می دهد: اول و دوم، سوم و چهارم یا پنجم و ششم. معلم ها و دانش آموزان از ارتباط ادامه دار خود با هم در این طرح جدید لذت می برند اما با اجرای این طرح مشکلی که قبلا هم وجود داشته است اکنون بیشتر به چشم می آید:

آداکوهن که معلم کلاس سوم و چهارم است گوید: (از نظر تئوریک باید بتوانیم در ابتدای سال دوم، از آخرین مطالبی که در سال پیش خواندیم شروع کنیم و با سرعت پیش برویم و به برنامه درسی جدید بپردازیم. اما متأسفانه بچه هایی که در طول تابستان مطالعه نمی کنند خیلی عقب تر از بچه های دیگرند و مدتی طول می کشد تا بتوانند دوباره به توانایی هایی که سال پیش به دست آورده بودند، برسند. بعضی از بچه ها هم انگار هیچ وقت نمی رسند.)

مهارت خواندن در بچه هایی که در خانه مطالعه نمی کنند ممکن است در طول تابستان به اندازه ی یک سال تحصیلی یا بیشتر، پس رفت کند. خواندن هم مانند اغلب مهارت های دیگر است: اگر از آن استفاده نکنید آن را از دست می دهید. معلمان به خوبی نتیجه آن را می بینند. بچه هایی که در طول تابستان مطالعه می کنند، در ابتدای هر سال تحصیلی بسیار جلوتر از پایان سال تحصیلی گذشته اند. بچه هایی که کمی مطالعه می کنند معمولا سطح مهارت های خود را حفظ می کنند و بچه هایی که اصلا مطالعه نمی کنند عقب می افتند و ممکن است هنگامی که بقیه کلاس پیشرفت می کند، باز هم عقب بمانند.

بسیاری از کتابخانه ها با برنامه مطالعه تابستانی در مقابله با این مشکل کمک می کنند. این برنامه های مطالعاتی بین طیفی از برنامه های پر زرق و برق و رقابت آمیز و برنامه های آموزشی صرف قرار گرفته اند. در برنامه های نوع اول بچه ها درباره ی موضوع های خاصی مطالعه می کنند، مطالب خلاق می نویسند و به ازای خواندن تعداد مشخصی کتاب جایزه می گیرند، اما در نوع دوم کتابدار با بچه ها به طور منظم در تماس است و گاهی می خواهد که بچه ها از کتاب هایی که خوانده اند گزارش شفاهی ارائه دهند.

اگر فرزندان اجتماع و اهل رقابتند، شاید برنامه مطالعاتی کتابخانه همان چیزی باشد که بتواند خواندن آنها را در سراسر تعطیلات مدرسه تضمین کند. قبل از پایان سال تحصیلی با کتابخانه ی محله تان تماس بگیرید و ببینید برای ایام تابستان چه برنامه ای دارند. حتی برنامه قصه خوانی گروهی هم می تواند مفید باشد چون به هر حال باعث می شود که بچه ها به داخل محیط کتابخانه بیایند و آنها را تشویق می کند کتابی را انتخاب کنند و به خانه ببرند.

اگر کتابخانه محله تان چنین برنامه هایی ارائه می دهد یا اگر فرزندان تان علاقه ندارند به صورت هدفمند و در رقابت با بچه های دیگر مطالعه کنند، می توانید برنامه شخصی خود را تنظیم کنید. به اهدافی که فرزندان تان بیان می کنند و پاداش هایی که به دریافت آن علاقه مندند توجه کنید.

چگونه برای تابستان برنامه مطالعه ی شخصی خود را تنظیم کنید

1. از فرزندان تان بپرسید برای تابستان چه آرزوهایی دارند. آیا می خواهند سفر کنند، به بازی های ورزشی بپردازند، باغبانی کنند؟ در کتابخانه کتاب هایی پیدا کنند که به این موضوع ها ربط داشته باشد.

2. با فرزندان هدفی معقول برای مطالعه تعیین کنید، آیا فرزندان می تواند در هفته یک کتاب بخواند؟ دو کتاب چه؟ آیا باید برای رسیدن به هدف پاداش بگیرد؟

3. برای ماه های تابستان یک تقویم درست کنید. هر بار که فرزندان کتابی را تمام کرد از او بخواهید روی تقویم یک برچسب بچسباند.

4. فرزندان را تشویق کنید درباره ی کتاب، یعنی موضوع، طرح داستان و شخصیت هایش برایتان تعریف کند. از او بپرسید که چه جنبه هایی از کتاب برای او خوشایند یا ناخوشایند بود.

5. به صورت منظم به کتابخانه سر بزنید. وقتی فرزندان کتابی را تمام کرد حتما کتاب دیگری در دسترس داشته باشید.

6. در پایان تابستان، سؤال های زیر را از فرزندان بپرسید و برنامه مطالعه ی او را ارزیابی کنید.

آیا به هدف مطالعاتی اولیه خود دست یافتی؟

آیا چیز جدیدی یاد گرفتی؟

آیا در میان آنچه خواندی مطلب خیلی جالب هم بود؟

آیا مهارت های خواندنت پیشرفت کرده است؟

31. در سفرهای طولانی با ماشین کتاب بخوانید

کیت و شوهرش هر تابستان همراه سه فرزندشان با ماشین چپ خود به مقصدی تازه فر می کنند: منتانا، کبک، کوه های نیومکزیکو. بیشتر دوستان کیت که حتی می ترسند سه بچه را با ماشین از خانه تا بازار ببرند تعجب می کنند که کیت چگونه می تواند خود را با سه بچه شش، ده و دوازده ساله در ماشین حبس کند و چندین روز 600 - 500 کیلومتر سفر کند.

کیت می گوید در صندلی عقب همیشه فقط دو نفر می نشینند پس اولین کاری که باید بکنم این است که جای نشستن هر کس را تعیین کنم. بیشتر روزها گرگ با چمدان ها در عقب ماشین می نشیند تا امبر و اشلی جای بیشتری داشته باشند. برای خوردن، شنا کردن و دیدن مناظر زیاد می ایستیم. بچه ها کلی کتاب نقاشی، کتاب مصور و داستان های ماجراجویی همراه دارند. وقتی حوصله بچه ها سر می رود و با هم دعوا می کنند با هم (بیرون را تماشاکن) بازی می کنیم. ما همه در طول تابستان های گذشته بازی هایی اختراع کرده ایم. حتی اشلی هم تابستان گذشته یکی بازی اختراع کرد: هر کس تعداد بیشتری جیپ مانند جیپ ما می دید یک نوشیدنی جایزه می گرفت. این جوری وقتمان می گذرد و از شدت خشم نیز دیوانه نمی شویم.

سفرهای طولانی با ماشین می تواند حتی صبورترین پدر و مادرها را از پا دریاورد و دادن داروی خواب آور به بچه ها چندان تجویز نمی شود. البته می توانید راه هایی پیدا کنید تا بچه ها در سفرهای طولانی از سر و کول هم بالا نروند. حتی بعضی از این روش ها تا حدودی کارکرد آموزشی نیز دارند:

بچه ها را مسئول مسیریابی کنید: بچه ها می توانند، بسته به سن خود، نقشه، تابلوهای جاده، تابلوهای خیابان ها، علامت خروجی جاده ها یا علامت ابنیه تاریخی را بخوانند. اگر می خواهید برای صرف ناهار بایستید از فرزندانتان بخواهید تابلو رستوران مورد علاقه شان را پیدا کنند.

(بیرون را تماشا کن) بازی کنید: بد نیست از پلاک خودروها شروع کنید. ببینید کدام یک از بچه ها می تواند زودتر از بقیه ده پلاک از ده استان مختلف ببیند، یا از استان مجاور ده پلاک پیدا کند. از بچه ها بخواهید خنده دارترین تابلوی تبلیغاتی یا عجیب ترین نام برای شهرهای سر راه یا تابلوی جالب ترین مکان دیدنی توریستی را پیدا کنند.

با صدای بلند کتاب بخوانید: منطقی ترین مطلب برای خواندن، کتابچه ی راهنمای جدید است که همان روز به آنجا می رسید. از یکی از بچه ها بخواهید تمام اطلاعات مربوط به آنجا را با صدای بلند بخواند. اگر خانواده تان خیلی دموکراتیک باشد می توانید حتی برای اماکن دیدنی، محل اقامت، یا رستورانی که می خواهید امتحان کنید، رای گیری کنید. کار دیگری که می توانید بکنید این است که هنگام دیدار از یک مکان، بروشور مربوط به آن را بردارید و وقتی به ماشین برگشتید آن را با صدای بلند بخوانید.

بازی های لغوی بکنید: یک موضوع پیدا کنید، مثلا حیوانات. یک حیوان نام ببرید: شیر نفر بعد باید حیوانی را نام ببرد که با حرف آخر حیوان قبلی، یعنی (ر) شروع شود. آن قدر ادامه بدهید تا همه خسته شوند سپس موضوع را عوض کنید. یا نام شهر، استان یا منطقه ای را که از آن عبور می کنید به فرزندانتان بگویید و از آنها بخواهید با استفاده از حروف آن هر چند لغت که می توانند روی کاغذ یادداشت کنند.

بازی های جغرافیایی بکنید: سعی کنید به کمک خانواده، همه ی استان های کشور را به ترتیب الفبا نام ببرید، مراکز استان ها یا استان های مجاور استانی که در آن قرار دارید را نام ببرید. به اطلس مراجعه کنید تا جواب خود را کنترل کنید.

از بچه ها بخواهید بازی اختراع کنند: به بچه ها پنج دقیقه فرصت دهید تا با هم قوانین یک بازی را تنظیم کنند و بتوانید با هم در ماشین بازی کنید. با گذر زمان می توانید قوانین بازی را اصلاح کنید و بهبود بخشید. شاید تعجب کنید بسیاری از این بازی ها نزد خانواده تان یک بازی محبوب می شود و می تواند همه را کیلومترها سرگرم کند.

32. به نوار قصه گوش کنید

یکی از آشنایان من هر روز برای رفتن به محل کار یک ساعت نیم رانندگی می کرد تا به لوس آنجلس برسد. اگر من مجبور می شدم چنین کاری کنم، حتما دیوانه می شدم. اما او می گفت که این کار را دوست دارد و این زمان را (زمان خصوصی خود) می نامید که می توانست دور از خانواده و کار خود باشد. او این مسیر را در ماشین کوچک خود طی می کرد و هر هفته نوارهای داستان جدیدی را در ضبط صوت ماشین خود می گذاشت و این اولین باری بود که من درباره این شکل شنیداری ادبیات چیزی شنیدم. البته از آن موقع به بعد نوارهای داستان هم نزد کسانی که باید از خانه تا محل کار مسیری طولانی طی کنند و هم نزد کسانی که وقت مطالعه ندارند اما می توانند گوشی را روی گوش های خود بگذارند، بسیار محبوبیت پیدا کرده است.

نوار قصه هم برای بزرگسالان وجود دارد و هم برای بچه ها.

بعضی از نوارهای قصه های کودکان نیز در بسته هایی همراه کتاب قصه فروخته می شود تا کودک بتواند ضمن گوش کردن به قصه متن آن را نیز در کتاب دنبال کند. این روش برای تقویت مهارت هایی که به تازگی در خواندن پیدا شده، روش مؤثری است و قابل درک است که چرا والدین نگران نیز از آن استقبال می کنند. البته این روش هرگز نباید جای خواندن والدین یا خواندن برای والدین را بگیرد.

بعضی از نوجوانان، علی رغم این که در کودکی خوب می خواندند، ترجیح می دهند در اتاق را روی خود ببندند و گوشی واکمن را روی گوش های خود بگذارند. نوار قصه برای چنین نوجوانانی نیز می تواند مفید باشد. نوارهای قصه در بسیاری از کتابخانه ها و کتابفروشی ها یافت می شود. صورت زیر برخی از نوارهای موجود در بازار را ذکر می کند.

حسن کچل

ترانه های کودکان

لچک قلی

حسن و خانم حنا

اتل متل توتوله

ببزقندی

و ...

بخش 3: رفتار بچه ها را اصلاح کنید

33. اطمینان حاصل کنید که فرزندتان برای خواندن آمادگی دارد

جنیفر که متولد ماه آوریل است هنگام ورود به کلاس اول در ماه سپتامبر شش سال تمام داشت. نسبت به سن خود قوی بلند بود، خیلی خوب صحبت می کرد، عاشق رنگ آمیزی بود و بلافاصله از نظر توانایی خواندن در بالاترین گروه کلاس خود قرار گرفت و تا پایان سال تحصیلی نیز در آن گروه درخشید. دو سال بعد که برادرش جاستین به کلاس اول رفت، او پنج سال و ده ماه سن داشت او یکی از کوچک ترین و کوتاه قدترین بچه هایی کلاس خود بود. معلم او به زودی متوجه شد که جاستین نمی تواند برای مدت زیادی روی موضع واحدی تمرکز کند، هماهنگی بین چشمان و دستان او ضعیف است و هیچ علاقه ای به خواندن از خود نشان نمی دهد. جاستین از نظر خواندن در پایین تر سطح کلاس خود قرار داده شد. در کلاس سوم جاستین به طور ناگهانی انرژی زیادی را از خود نشان داد، از دانش آموزان دیگر جلو زد و جایگاه حقیقی خود را بین بهترین های کلاس به دست آورد.

وقتی فرزندتان به کلاس اول می رود با بچه هایی همکلاس می شود که ممکن است حدود یک سال با هم اختلاف سن داشته باشند، تفاوت سنی در این مرحله یعنی تفاوت رشد جسمی، عاطفی و ذهنی. البته سن تقویمی کودک نسبت به عواملی چون جنسیت، درک تصویری و شنیداری، سلامت جسمی، توانایی زبانی و علاقه به خواندن، در آمادگی او برای خواندن تاءثیر کمتری دارد.

دخترها معمولاً زودتر از پسرها برای خواندن آمادگی پیدا می کنند. آمادگی بیشتر دخترها به این واقعیت ها ربط دارد که دخترها اغلب زودتر از پسرها

زبان باز می کنند و هنگام ورود به دبستان از دایره ی لغات گسترده تری برخوردارند.

اطلاعات زمینه ای بچه ها، یعنی تجربیاتی که با خود به مدرسه می آورند، در آمادگی آنها برای خواندن عامل کلیدی اند. به عنوان نمونه یکی از بچه هایی که من امتحان می کردم در مرکز شهر بزرگ شده بود، امتحان، آزمایش ساده ای بود و او باید کلمات را با تصویر مربوط به خود ربط می داد. تصویر، تصویر یک حیوان شاخدار بود و کلمات: گاو، پرچم و گوزن. کودک کلمه گاو را برگزید و وقتی از او پرسیدم گفت: (خوب این گاو است.) معلوم شد که هرگز نه گوزن دیده است و نه درباره آن چیزی شنیده است. معلوم شد وقتی باید به کمک قدرت درک خود می خواند، از موقعیت خوبی برخوردار نبوده است.

درک تصویری در بچه های مختلف با سرعت متفاوتی رشد می کند. بچه های خیلی کوچک ممکن است M و A را با هم اشتباه بگیرند چون نوک هر دو رو به بالا است و وقتی کمی بزرگ تر می شوند ممکن است d و b یا p یا m و w را با هم اشتباه بگیرند.

درک شنیداری در آمادگی برای خواندن، به توانایی کودک برای تشخیص تفاوت صدای حروف یا تشخیص کلمات هم صدا مربوط می شود. کودکانی که مهارت آنها برای تشخیص تفاوت صداها به قدر کافی رشد نکرده است، ممکن است نتوانند کلمات هم وزن را تشخیص بدهند یا صدای b و p را با هم اشتباه بگیرند.

مشکلاتی جسمی از قبیل ضعف بینایی یا شنوایی و ضعف مهارت های حرکتی می تواند بچه ها را از خواندن باز دارد. و گاهی ناتوانی در تمرکز، به

مشکلات جسمی مانند کم خونی، کمبود خواب و سوء تغذیه برمی گردد و نه مشکلات عاطفی.

وقتی فرزندتان به کلاس اول وارد می شود احتمالا معنی چند هزار لغت را می داند و البته دایره لغاتی که به زبان می آورد و می شنود بر آمادگی او برای خواندن تاءثیر به سزایی دارد. عامل مؤثر دیگر درک درونی او از ساختار و دستور زبان است. اگر این درک درونی را داشته باشید مسلما آنچه را می خوانید، بهتر می فهمید. با این درک درونی می توانید حدس بزنید که کلمه ای که بعد از اسم آمده است و نمی توانید آن را بخوانید صفت است و اسم را توصیف می کند و می توانید حدس بزنید که بعد از فاعل بالاخره فعل می آید. لازم نیست این واژگان دستوری را بلد باشید، تنها چیزی که لازم است بدانید این است که یک زبان چگونه عمل می کند.

تمایل کودک برای خواندن تابع دو چیز است: رشد عاطفی او و برخوردهایی که در خانه می بیند. اگر با صدای بلند برای کودکان می خوانید و به او نشان داده اید که خواندن کار باارزشی است، کودکان با علاقه برای یادگیری به کلاس می آید.

در هر گروهی از بچه های کلاس اول، هم بچه هایی پیدا می شوند که می توانند کمی بخوانند، هم بچه هایی که با کمی تلاش برای کسب آمادگی، خواندن را می آموزند و هم بچه هایی که تا یکی دو سال بعد آمادگی واقعی را به دست نخواهند آورد. کار معلم سخت است و سخت تر از آن احساس ناکامی والدینی است که فرزندانشان در گروه سوم قرار می گیرند، ممکن است فرزندتان در سال دوم دبستان مهارت و علاقه ی لازم را به دست آورد تا به همکلاسی های خود برسد و این خود تجربه ی خوبی است. شاید از این بترسید که فرزندتان هیچ

وقت به سطح همکلاسی های خود نرسد اما مهارت های او ناگهان شکوفا شود و شما را به تعجب وا دارد.

هر بچه با بچه های دیگر تفاوت دارد (مراجعه کنید به روش 49). تشخیص این تفاوت ها به شما کمک می کند با فرزندتان که با سرعت خاص خود برای خواندن آماده می شود، کنار بیایید. کارهایی هست که می توانید برای آماده کردن فرزندتان برای خواندن انجام دهید. اما به خاطر داشته باشید که به زودی نمی توان او را وادار به رشد کرد. اگر قبل از این که آمادگی پیدا کند او را به خواندن وادار کنید ممکن است توانایی خواندن داشته باشد اما از خواندن لذت نبرد.

چگونه فرزند خود را برای خواندن آماده کنید.

تجربه

از جاهای جدید دیدن کنید و درباره ی آنها صحبت کنید.
برای معرفی مفاهیم تازه از برنامه های آموزشی تلویزیون استفاده کنید.
درباره ی تجربیات مختلف زندگی برای او صدای بلند قصه بخوانید.

درک بینایی

رسم شکل و نقاشی را از روی سرمشق تمرین کنید.

با همدیگر پازل درست کنید.

با خمیر بازی و آجرهای خانه سازی کار کنید.

درک شنیداری

با هم با صدای بلند شعر و ترانه بخوانید و بازی های زبانی بکنید⁽⁶⁾. (مراجعه

کنید به روش 43).

بازهای لغوی کنید که شامل ذکر کلمه هایی می شود که مانند هم شروع یا تمام می شوند.

مشکلات جسمی

قبل از ورود به دبستان بخواهید که چشم ها و گوش های فرزندتان توسط متخصص معاینه شود.

توانایی گفتاری

فرزندتان را تشویق کنید جمله ها را به صورت کامل بیان کند.
. وقت بگذارید و از تجربیات خود برای همدیگر تعریف کنید و به حرف یکدیگر گوش کنید.

تمایل برای خواندن

به صورت منظم به کتابخانه سر بزنید.
به بچه هایی که سواد خواندن ندارند کتاب هایی بدهید که ظاهری جذاب دارند.

در هر فرصت ممکن با صدای بلند کتاب بخوانید.

34. خواندن فعال را تشویق کنید

جادی که 16 سال داشت یک سال تابستان داوطلب شد تا برای بچه ها در کتابخانه قصه های پریان بخواند. روز اول وقتی بعد از اتمام کار خود به خانه برگشت، چهره اش حالت متحیر داشت:

(خیلی عجیب است، من این همه صدای ترسناک از خود در می آورم و صدای شخصیت های وحشتناک را تقلید می کنم اما هر بار که به آخر صفحه می رسم و می رسم: حالا چه می شود؟ یا به نظرتان چطور بود؟ هیچ پاسخی نمی گیرم. بچه ها همین طور می نشینند. آخرش فقط یکی از دخترها گفت: دیو

آنها را می گیرد! و بعد سرخ شد، انگار کسی اجازه ندارد در کتابخانه حرف بزند!

(به خاطر همین بعد از یک جلسه با یکی دو تا از بچه ها حرف زدیم و از آنها پرسیدم که آیا از قصه خوششان آمد. گفتند، بله، خوششان آمد، قصه خوب بود. پرسیدم از خواندن من خوششان آمد؟ گفتند صدای ترسناکی که تقلید می کردم خوب بود. پرسیدم چرا خوابم را نمی دادند. گفتند چون معمولا وقتی برای شنیدن قصه می آیند، کسی که قصه را می خواند، فقط کتاب را بر می دارد و از اول تا آخر می خواند. آنها باید فقط می نشستند و گوش می کردند و به همین دلیل نمی دانستند باید چه کار کنند.)

خوانندگان و شنوندگان فعال نسبت به خوانندگان و شنوندگان منفعل مطلب را بهتر درک می کنند. خودتان فکر کنید: وقتی هوشیار هستید، سؤال می کنید و درباره ی روایت شخص مقابل اظهار نظر می کنید، گفت و گو را بهتر از حالتی که فقط سخنان گوینده را می شنوید، دنبال می کنید و به خاطر می آورید. به همین دلیل است که بیشتر افراد با شرکت در سمینار بهتر می آموزند تا با گوش کردن به سخنرانی. احتمالا سقراط اولین کسی بود که فواید یادگیری فعال را تشخیص داد. در روش سقراطی با پرسیدن یک سری سؤال از دانشجویان و بررسی عمیق پاسخ آنها، دانش را از زبان خود دانشجویان بیرون می کشند. بدین ترتیب دانشجویان تشویق می شوند دانسته های خود را در ارتباط با آنچه نمی دانند به کار بگیرند.

اصلی که خواندن جدی براساس آن نهاده شده است نیز شبیه به همین است. گاهی قبل از شروع به خواندن از دانشجویان یک سری سؤال پرسیده می شود. ممکن است در طول داستان چند بار مکث کنند تا آینده ی داستان را پیشگویی

کنند، به سؤالات پاسخ دهند یا درباره‌ی اتفاقات داستان اظهار نظر کنند. در پایان داستان، دانشجویان آنچه را که آموخته‌اند دوره می‌کنند.

ما بزرگسالان بدون این که کسی برایمان سؤالی فراهم کند به صورت فعال می‌خوانیم. از خودمان می‌پرسیم که چه چیزهایی برایمان خوشایند و چه چیزهایی ناخوشاینداند، علایقمان چیست، در دانشمان چه خلاءهایی وجود دارد و بدین ترتیب انتخاب می‌کنیم که چه چیزی بخوانیم. هنگامی که می‌خوانیم به طور پیوسته آینده را پیشگویی می‌کنیم و پیش خودمان درباره تعصبات نویسنده، انگیزه‌ی شخصیت‌ها یا علاقه‌مان نسبت به مطلب اظهار نظر می‌کنیم. ما به صورت خودکار دانسته‌های خود را در ارتباط با متنی که می‌خوانیم به کار می‌گیریم و ضمن خواندن، عقاید خود را تغییر داده و پالایش می‌کنیم. فعال‌ترین خوانندگان بعد از خواندن به عمل واداشته می‌شوند: برای ویراستار نامه می‌نویسند، با دوستانشان درباره‌ی آنچه آموخته‌اند بحث می‌کنند یا به جست‌وجوی کتاب‌های دیگر از همان نویسنده می‌پردازند.

یادگیری فعال یک مهارت است و بچه‌ها لزوماً به صورت خود به خود به آن دست نمی‌یابند. اگر هنگامی که با صدای بلند برای فرزندانتان کتاب می‌خوانید از برخی از روش‌های زیر استفاده کنید می‌توانید به آنها کمک کنید خواندن و گوش دادن فعال را بیاموزند.

خواندن جدی و هوشمندانه را چگونه تشویق کنیم

قبل از خواندن

1. جلد کتاب را بالا نگه دارید و از بچه‌ها بخواهید موضوع داستان را

حدس بزنند.

2. عنوان کتاب و نام نویسنده را ذکر کنید. اگر داستان مشابهی برای بچه‌ها خوانده‌اید برایشان یادآوری کنید یا اگر از همان نویسنده چیزی دیگر خوانده‌اید ذکر کنید.

در ضمن خواندن

3. تصاویر را به بچه‌ها نشان دهید و از آنها بخواهید شخصیت‌های داستان و کارهای آنها را مشخص کنند.

4. درباره‌ی شخصیت‌ها و وقایع داستان، سوالاتی مانند سوالات زیر

پرسید:

آیا چنین اتفاقی واقعا می‌تواند بیفتد؟

چرا چنین کرد؟

اگر تو بودی همین کار را می‌کردی؟

مشکلش چیست؟

چگونه می‌تواند مشکلش را حل کند؟

بعدا چه اتفاقی می‌افتد؟

5. اگر داستان به نظم نوشته شده است یا ترجیع بند دارد هنگام رسیدن به

بندهای تکراری مکث کنید و به بچه‌ها اجازه بدهید آنها را به زبان بیاورند.

بعد از خواندن

6. به بچه‌ها یادآوری کنید که درباره‌ی داستان چه چیزهایی پیش‌گویی می‌

کردند و از آنها پرسید که داستان با پیشگویی آنها چه تفاوتی داشت.

7. نظر بچه‌ها را درباره‌ی تصاویر، شخصیت‌پردازی، سبک نگارش و طرح

داستان پرسید.

35. اجازه بدهید بچه ها به موضوعی علاقه مند شوند و آن را دنبال کنند

آرون مثل همه بچه ها به مهد کودک می رود. اگر چیزی حتی شکل سبزیجات باشد، آن را نمی خورد، فقط لباس قرمز و آبی می پوشید و چند ماه است که تنها به کتاب های دایناسورها نگاه می کند. نود نه درصد از نقاشی های که می کشد نقاشی دایناسورها است. در اتاق خواب خود پوستر دایناسورها را نصب کرده است. و روی هر سطح ممکن نیز دایناسورهای کوچک پلاستیکی و لاستیکی قرار داده است. از محاسنش این که واقعا درباره دایناسورها چیزهای زیادی می داند: نام ها، زیستگاه ها، علایق غذایی و غیره. وقتی مهمان داریم علی رغم میل خود چند لحظه ای بازی با دایناسورها را قطع می کند و کمی از این اطلاعات را با بی میلی با مهمانان در میان می گذارد. پدرش می گوید که در کودکی هرگز چنین دوره ای را با عشق دایناسورها نگذرانده است اما در خاطرات مهمش به یاد می آورد که در یک دوره تنها چیزی که توجهش را جلب می کرد آمار بازی های بیس بال بود.

چرا دایناسورها مشکل است بگویم که چه چیزی پسرها را به سمت این خزندگان منقرض شده جلب می کند و چه چیزی دخترهای کوچک را در یک سن خاص به اسب ها علاقه مند می کند. پدر و مادرهای هوشمند از این وسواس های زودگذر حسن استفاده را به عمل می آورند و از آنها به عنوان انگیزه ای برای ایجاد علاقه به خواندن کمک می گیرند.

یادگیری براساس پرسش نوعی آموزش است که در آن معلم به دانش آموز اجازه می دهد که به موضوع خاص خود علاقه مند شود و تا جایی که می خواهد آن را دنبال کند. این کار برای معلمی که مسئول 30 دانش آموز است پرزحمت است اما اگر یک، دو یا سه فرزند داشته باشید خیلی ساده تر است.

در یاد گیری براساس پرسش تمام یاد گیری کودک براساس سؤال هایی صورت می گیرد که نسبت به دنیای اطراف خود دارد. این روش یاد گیری روشی طبیعی است که مشابه روش یاد گیری او درباره ی دنیا، هنگام خردسالی است. این چیه؟ آها، چقدر نرم است. چه بوی خوبی دارد. مزه اش عجیب است. بچه ها نسبت به دنیای خود به طور طبیعی کنجکاوند اما وقتی مجبور می شوند با 29 نفر دیگر که هر کدام گذشته، نقطه نظر، علایق و توانایی های متفاوتی دارند، در یک کلاس بنشینند، اغلب اوقات این کنجکاوی طبیعی تضعیف می شود. گاهی بهترین جا برای پرورش این کنجکاوی خانه است.

فرض کنید که جای یک روز به خانه می آید و می پرسد: (امریکای جنوبی کجاست؟ امروز یک شاگرد جدید به کلاسما اضافه شد که از امریکای جنوبی آمده است. مگر امریکای کشور ما نیست؟)

حالا شما فرصت دارید که کره ی جغرافیایی را گردگیری کنید و قاره ها را به فرزندتان نشان دهید. هنوز وقت آن نرسیده است که با عجله به کتابخانه بروید و با یک بغل کتاب درباره ی پوشش گیاهی و جانوری و تولیدات ناخالص ملی برزیل و اکوادور به خانه برگردید. شاید درسی که با کره ی جغرافیایی به فرزندتان داده اید کاملا او را راضی کرده باشد و به موضوع پایان داده باشد. در یاد گیری براساس پرسش، نکته این است که اجازه بدهید کودک علایق خود را تا جایی که ادامه دارند دنبال کند و بدین ترتیب سبب شود تا چیزی یاد بگیرد.

ممکن است قسمتی از امریکای جنوبی که نزدیک قطب جنوب است برای جان جالب باشد. در این مرحله می توانید دایرة المعارف را بیاورید و او را راهنمایی کنید که مقاله های مربوط به شیلی، آرژانتین و قطب جنوب را بخواند.

اگر در آن مقاله ها موضوع جالبی پیدا کرد شاید لازم باشد سری به کتابخانه بزنید یا برای کسب اطلاعات بیشتر در اینترنت سیر کنید.

هنگام گردش علمی با همکلاسی ها یا خانواده، هنگام گفت و گو با یک دوست یا با دیدن کلمه ای ناشناخته در روزنامه ممکن است فرصتی برای یاد گیری پدید آید. هدف این نیست که شما پاسخ سؤالات فرزندتان را بدهید، بلکه نقش کتابدار کتاب های مرجع را باز کنید و منابع اطلاعاتی مورد نیاز فرزندتان را در اختیار او قرار دهید.

والدین آرون دقیقا به خاطر نمی آورند که وسواس او نسبت به دایناسورها چگونه آغاز شد اما فکر می کنند به زمانی برمی گردد که نزد دندانپزشک می رفتند و او هر بار که دندانهای پسرشان را تمیز می کرد به آرون یک دایناسور لاستیکی می داد. در آن زمان بود که آرون از والدینش یک پوستر از دایناسورها خواست و بعد خواست هنگام خواب اطلاعاتی را که درباره هر دایناسور روی پوستر نوشته شده است برای او بخوانند. بعد مادر آرون که از خواندن عناوین و اعداد و ارقام روی پوستر خسته شده بود ابتکار عمل به خرج داد و درباره دایناسورها کتاب داستانی پیدا کرد تا آنها را در هنگام خواب برای آرون بخواند. از اینجا بود که آرون تصویر دایناسورها را از کتاب ها کپی می کرد و در اطراف آنها مناظر خیالی می کشید و بعد از آن هم بر اساس ذهن خود از دایناسورها تصاویری خلاق رسم می کرد.

آرون اکنون صاحب دوازده جلد کتاب درباره ی دایناسورها است و به تازگی یک مجله کودکان خریده است که روی جلد آن تصویر دایناسور چاپ شده است. در همی مجله نیز یک مقاله درباره ی نهنگ ها بود، و بعد ناگهان عکس نهنگ آبی روی دیوار اتاق آرون نصب شد. هفته گذشته که به کتابخانه

رفتند، دو جلد کتاب درباره ی نهنگ ها قرض کرد. اکنون می توانند چند نوع از نهنگ ها را شناسایی کند. تصور کنید که وقتی آرون واقعا خواندن بیاموزد چه توانایی هایی به دست می آورد!

36. به بچه هایی که نمی توانند بخوانند اجازه بدهید قصه را از روی

تصاویر تعریف کنند

خواهر زاده ام که چهار ساله است دوست دارد هنگام گفت و گوی تلفنی با من (اتاق را بخواند) او بدون این که از نظم خاصی تبعیت کند و بدون هیچ منطق قابل درکی به تک گویی می پردازد:

(خب، می دانی یک کاسه سیب آنجاست، و بلوز بافتنی مامان روی صندلی افتاده بود. به اسب های کوچولوی روی میز نگاه می کرد و بیرون پنجره یک ماشین است و ماشین های اسباب بازی روی زمین اند.)

اگر غریبه ای رهگذری این سخنان را بشنود شاید به نظرش دیوانه وار بیاید اما من می توانم خواهرزاده ام را تصور کنم که در اتاق ایستاده است، گوشی را در یک دست خود گرفته است، به اطرافش نگاه می کند و آنچه را می بیند، (می خواند).

او اجسام فیزیکی را به زبان تبدیل می کند و به شکلی روایت گونه پشت سر هم بیان کند. روایت او مانند روایت هایی است که از زبان بزرگسالان هنگام گفت و گو می شنود یا شبیه آنچه از کتاب های داستان که برای او می خوانند.

او از برخی عناصر روایت، یعنی توصیف، ترتیب فضایی و از حروف ربط نیز استفاده می کند. خواهر زاده ام هنوز از نظر رشدی در مرحله قبل از خواندن قرار دارد اما به سرعت مفهوم خواندن در ذهن او شکل می گیرد. اگر یک کتاب تصویری به او بدهیم می تواند صفحات آن را ورق بزند و ماجرا را برایتان

تعریف کند. اگر داستان کتاب را بارها شنیده باشد و بر اثر تکرار مطلب آنها را حفظ کرده باشد می تواند آنها را مانند کسی که می خواند از بر بگوید. همین روزهاست که جهش کند و خواندن بیاموزد.

هر مادری یا پدری که کتاب را برای صدمین مرتبه خوانده باشد حاضر است برای ابد از خواندن قصه با صدای بلند صرف نظر کند. حوصه ی مادر بزرگ ترها از تکرار سر می رود اما همین تکرار در رشد فرزندانمان نقشی باور نکردنی دارد. تکرار و کار یکنواخت بچه ها را آرام می کند و به آنها احساس امنیت می بخشد. وقتی بچه ها قصه ای را بارها و بارها می شنوند. با این تکرار آن را حفظ می کنند و سپس یکدفعه خواندن را می آموزند. در میان تکرار یکنواخت داستان، کودک متوجه می شود که بین کلماتی که به زبان می آورید و کلماتی که نوشته شده است رابطه ای وجود دارد. علائم پیچ در پیچ و بی معنی صفحه معنی پیدا می کند و یک انسان دیگر باسواد می شود.

تکرار = حفظ کردن = خواندن

بعد از شنیدن داستان و قبل از این که فرزندتان بتواند کلمات آن را بخواند، می توانید داستان را از روی تصاویر آن تعریف کند. این مرحله، مرحله ی مهمی در مسیر خواندن است. کودک با هجی کردن صدای کلمات قادر به خواندن نمی شود. برای این که بتواند مسلط و روان بخواند باید بتواند ساختار یک داستان را درک کند و آن را درونی کند.

کتاب های مصور با به تصویر کشیدن اتفاقات، شخصیت ها و موقعیت مکانی داستان به بچه ها کمک می کنند که این مهارت را در خود پرورش دهند.

چگونه داستان را از روی تصویر تعریف کنیم

از ابتدا شروع کنید از فرزندتان بخواهید بگوید که چه کسانی در داستان نقش دارند و داستان در کجا اتفاق می افتد.

صفحات را ورق بزنید یا از فرزندتان بخواهید این کار را انجام بدهد. در هر صفحه از فرزندتان بپرسید که چه اتفاقی می افتد. اگر نمی تواند یا نمی خواهد بگوید، صفحه را بخوانید. در صورت تمایل از فرزندتان بخواهید پیشگویی کند که چه اتفاقی می افتد.

در آخر از فرزندتان بپرسید قصه چگونه تمام شد. آیا پایان خوش داشت؟ آیا قابل فهم و قابل قبول بود؟

و چند توصیه هنگام به کار گیری این مراحل: اصرار نکنید فرزندتان طرح دقیق داستان را توصیف کند یا از همان کلماتی استفاده کند که در کتاب نوشته شده است. اجازه بدهید تا حد امکان از تخیل خود استفاده کند. اگر خیلی از موضوع پرت شده می توانید بپرسید: (در تصویر چه اتفاقی افتاده است؟ تو از کجا فهمیدی؟) تنها یک پاسخ درست وجود ندارد پس از پاسخ خلاق فرزندتان با آغوش باز از او استقبال کنید. اگر هنگامی که قصه را از روی تصاویر آن می خوانید از خود شور و هیجان نشان دهید برای خواندن از روی کلمات تشویق می شود و شاید ضرورت پیدا نکند در طول چند ماه آینده یک داستان را بیش از چند صدمبار برای او بخوانید!

37. از بچه ها بخواهید پس از شنیدن داستان آن را دوباره تعریف کنند

چند روز پیش که به کتابخانه رفته بودم کودک پنج ساله ای را دیدم که قصه سه بزغاله کوچک را برای کودک سه ساله ای (می خواند). این دختر کوچک صفحه های کتاب را روق می زد و با صدای آهنگین خود داستان آشنا را

تعریف می کرد: سه تا بزغاله کوچولو بودند! می خواستند خونه بسازند! یک بزغاله کوچولو خونه اش را، از گاه ساخت، اما گرگه، هوف! فوت کرد و آن خانه هم خراب شد. یک بزغاله کوچولو خونه اش را از چوب ساخت و گرگه هوف! فوت کرد آن خانه هم خراب شد. آن وقت بزغاله کوچولوی زرنگ که خونه اش اجری است و با هوف و فوت اما این خونه خواب نمی شه! خلاصه، گرگه می ره روی شیروونی و می افته توی دیگ آب جو# همه بزغاله ها از خوشحالی می رقصند. تموم شد.

تمام عناصر داستان اصلی در قصه ای که دختر کوچک تعریف کرد وجود داشت البته چند تغییر کوچک هم رخ داده بود، مثلا جایگزینی کلمه (گاه) به جای (پوشال) (گاه را از تصویر حدس زده بود و کلمه ی پوشال کمی برایش ناآشنا بود). روشن است که (خواننده) داستان را درونی کرده است و با کمی راهنمایی توسط تصاویر می تواند آن را دوباره تعریف کند.

تعریف کردن یکی از مهارت های مهم تفکر انتقادی است. ممکن است ساده به نظر برسد ولی واقعا پیچیده است. کودکی که می خواهد یک قصه ی پریان را تعریف کند باید اصول ترتیب، شخصیت پردازی، طرح و درونمایه را درک کند. اگر صاحب کودکی باشید حتما با داستان های بی سر و تهی که از وقایع روزمره تعریف می کند آشنایی دارید. آنها وقتی خرابکاری می کنند و دسته گل به آب می دهند و می آیند تا به ما نشان بدهند و بگویند چه اتفاقی افتاده است، داستانشان نامفهوم است و ما را به کلی گیج می کند. ما نیز به آنها التماس می کنیم (از اولش شروع کن!)

بچه‌هایی که می‌توانند داستانی را به ترتیب از اول تا آخر و با حذف جزئیات زاید اما با حفظ مفاهیم اصلی تعریف کنند، از مهارتی مفید و کاربردی برخوردارند.

اگر می‌خواهید به فرزندتان کمک کنید این مهارت را به دست بیاورید او را تشویق کنید داستان‌های آشنای خود را از بر تعریف کند. هفته‌ای یک بار به جای این که داستان‌های تکراری را با صدای بلند بخوانید، از فرزند پیش دبستانی‌تان بخواهید قصه‌ی کتاب مورد علاقه‌ی خود را برایتان، با استفاده یا بدون استفاده از کتاب به عنوان راهنما، تعریف کند. اگر فرزندتان کمی بزرگ‌تر است از او بخواهید طرح داستان‌های آشنای خود را برای بچه‌های کوچک‌تر تعریف کند.

شما می‌توانید مهارت فرزند خود را برای تعریف وقایع زندگی واقعی نیز بهبود بخشید. هنگام صرف غذا از فرزندتان بخواهید خلاصه‌ی یکی از کارهایی که در مدرسه انجام داده را بیان کند. تشویق‌اش کنید که برای روایت خود، قسمت آغاز، میانی، و پایانی قائل شود. برای این که گیج نشود از او بپرسید: (اول چه اتفاقی افتاد؟ بعد چه شد؟ چگونه تمام شد؟) برای این که از روش صحیح بیان خلاصه‌ی یک جریان الگویی در اختیار او قرار دهید، آنچه را در محل کار، در فروشگاه یا در مسیر خانه برایتان اتفاق افتاده تعریف کنید. بد نیست برای اتفاقات واقعی زندگی‌تان یک تیتراژ خبری بگذارید: (شغل جدید پدر باعث معروفیت خانواده می‌شود.) مادر از فروشگاه میوه‌ای عجیب می‌خرد. این کار به شما کمک می‌کند ضمن این که جزئیات را به ترتیب وقوع بیان می‌کنید موضوع اصلی را نیز در خاطر داشته باشید.

چگونه اتفاقات زندگی واقعی خود را تعریف کنیم

1. به موضوع اصلی بیاندهشید. مهم ترین اتفاقی که افتاد چه بود؟ برای داستان چه تیتري می توانید بگذارید؟
2. از ابتدا شروع کنید. افرادی را که نقش داشتند و محل وقوع جریان را توضیح دهید.
3. جزئیات طرح را به ترتیب وقوع اضافه کنید. سعی کنید از بیان جزئیات که به مفهوم اصلی ربط ندارند یا موضوع را مبهم می کنند، اجتناب کنید.
4. در صورت امکان برای داستان خود پایانی پر سر و صدا و هیجانی قرار دهید.

38. از بچه ها بخواهید داستان ها را ارزیابی کنند

کاترین می گوید: (کلافه شده ام، گزارش های را که درباره ی کودکان می نویسند می خوانم و کتاب هایی که برای بچه های هم سن بچه های من توصیه می کنند تهیه می کنم ولی هیچ وقت موفقیت آمیز از آب در نمی آیند. کتاب ها یا بیش از حد غم انگیز، یا فاقد جذابیت یا مبهم یا زیادی بزرگسالانه است. بچه های من ترجیح می دهند به جای این که از این کتاب های به اصطلاح داغ تازه را آزمایش کنند، خواندن همان کتاب های قدیمی و مورد علاقه ی خود را باز هم تکرار کنند.)

در 1979 سام سباستا درباره ی علایق بچه ها نسبت به انواع مختلف داستان تحقیقی انجام داد و به این نتیجه رسید که:

- بچه ها طرح هایی را دوست دارند که سریع پیش می رود.
- دوست دارند جزئیات محل وقوع داستان ذکر شود.
- در بسیاری از اوقات از داستان های پند آمیز لذت می برند.

داستان های غم انگیز برای آنها ناخوشایند است.

شخصیت های مهربان را دوست دارند.

داستان هایی که بچه ها معمولا در سال های اول دبستان انتخاب می کنند شامل قصه های حیوانات، قصه های طنز، و داستان های واقع گرایانه درباره ی خانواده، دوستان و مدرسه است.

بچه های بزرگ تر کتاب هایی را می پسندند که موضوع آن فشارهای گروه هم سن و سالانه، عقاید سفت و سخت و تعصب آمیز و مشکلات خانوادگی است.

تعجبی ندارد که منتقدان همیشه همان کتاب هایی را که کودکان انتخاب می کنند، انتخاب نکنند. بچه های شما درباره ی ادبیات نظر خاص خود را دارند اما ممکن است برای بیان این نظرها به کمک نیاز داشته باشند. همانطور که تجربه خیلی خوب به شما نشان داده است:

هر کتابی ارزش خواندن ندارد

نباید انتظار داشته باشید فرزندتان به هر کتابی که به او توصیه می کنید با تمام وجود علاقه نشان دهد، حتی اگر این کتاب ها، کتاب های مورد علاقه دوران کودکی شما باشند. بهتر است به آنها اجازه بدهید از کتاب هایی که به نظر آنها بعد است بدگویی کنند و از کتاب هایی که لذت می برند تمجید کنند، اما آنها را تشویق کنید برای دفاع از عقیده ی خود دلیل بیاورند. کسی که خواندن را دوست دارد به صورت خودکار از هر مطلبی خوشش نمی آید؛ او با نگاهی انتقادی می خواند، ارزش ادبی را درک می کند، سبک و نقطه نظر نویسنده را دقیقا بررسی می کند و به تدریج و به مرور زمان علایق شخصی خود را پیدا می کند.

این سؤال‌ها به فرزند شما کمک می‌کنند تا کتاب‌ها را ارزیابی کند:

آیا این کتاب، کتاب خوبی بود؟

آیا چنین داستانی می‌تواند واقعا اتفاق بیفتد؟

آیا رفتارها و گفته‌های شخصیتها مانند افراد واقعی بود؟

آیا می‌توانیم محل وقوع داستان را تصور کنیم؟

آیا هنگام خواندن داستان در آن (غرق) شدم؟

آیا پایان داستان معقول بود؟

آیا پیام نویسنده معقول بود؟

آیا کتاب هیجان‌انگیز بود؟ جالب بود؟ ناراحت‌کننده بود؟

آیا وقتی کتاب را بستم باز هم دوست داشتم بخواندن ادامه بدهم؟

آیا علاقه دارم درباره‌ی این موضوع یا از همین نویسنده کتاب دیگری بخوانم؟

39. بین داستانها و زندگی بچه‌ها ارتباط برقرار کنید

یک معلم کلاس سوم برایم تعریف می‌کرد که داستانی واقعی را برای دانش آموزان خواند. محل وقوع داستان جامعه‌ای روستایی بود که برای بچه‌های کلاس بیگانه بود. بعد از خواندن داستان که معلم درباره‌ی آن با بچه‌ها بحث کرد، متوجه شد که در درک بچه‌ها نسبت به داستان یک دوگانگی وجود دارد. بعضی از بچه‌ها که در شهر زندگی کرده بودند فکر می‌کردند که داستان سالها پیش رخ داده است چون همه‌ی شخصیت‌های آن لباس‌های قدیمی به تن داشتند و با اسب و گاری به این طرف و آن طرف می‌رفتند. بیشتر بچه‌هایی که در نواحی کشاورزی اطراف شهر زندگی کرده بودند چنین برداشتی نداشتند چون در تجربه‌ی خود به دیدن اسب و گاری عادت داشتند. چند تا از

بچه ها فکر می کردند که داستان در کشور خارجی رخ داده است چون هیچ گاه نام های خانوادگی شخصیت های اصلی را که به نظرشان از کتاب مقدس مسیحیان برگرفته شده بود، نشنیده بودند. تنها چیزی که همه بچه ها در آن اتفاق نظر داشتند طرح داستان بود؛ داستان، ماجرای ساده ای بود که برای یک پسر و گربه اش اتفاق افتاد و واقع گرایانه بود نه تخیلی.

دانسته های بچه ها بر کوچک ترین متنی که می خوانند تاءثیر می گذارد. برای این که بتوانند آنچه را می خوانند درک کنند باید بین دانش خود از جهان و آنچه که در صفحه چاپ شده است ارتباط برقرار کنند.

دانش پیش زمینه + محتوای داستان = درک متن

شما می توانید به بچه ها کمک کنید بین داستان ها و زندگی واقعی ارتباط برقرار کنند. برای این کار به آنها بیاموزید آنچه را می خوانند با آنچه می دانند مقایسه کنند. هنگامی که با صدای بلند برای بچه ها قصه می خوانید، از آنها سؤال بپرسید. محتوای سؤال ها متغییر است اما آنچه در زیر آمده است می تواند شما را راهنمایی کند:

سؤال هایی برای کمک به فرزندان برای برقراری رابطه بین داستان ها و زندگی واقعی

یادت می آید که از مزرعه بازدید کردیم؟ آیا مانند مزرعه ی این داستان بود؟

بیابانی که در قصه وجود دارد با جایی که ما در آن زندگی می کنیم چه تفاوتی دارد؟

آیا بچه های این قصه در زمان ما زندگی می کنند؟ از کجا می فهمی؟

طرح

آیا چنین اتفاقی برای آشنایان ما افتاده است؟

اگر چنین اتفاقی برای تو می افتاد چه می کردی؟

شخصیت پردازی

این شخصیت چه احساسی دارد؟ از کجا می فهمی؟

اگر تو بودی این شاهزاده خانم را چگونه توصیف می کردی؟

(برای اطلاعات بیشتر درباره ی ایجاد ارتباط با شخصیت ها مراجعه کنید به

روش 40.)

40. بچه ها را تشویق کنید با شخصیت ها همانند سازی کنند

لیندا پرسید: (نظرت راجع به نمایش چه بود؟)

من گفتم: (بدم آمد. تحمل هیچ یک از شخصیت هایش را ندارم. جز این که

زبانمان مشترک است هیچ وجه اشتراک دیگری با هیچ یک از آن آدم ها

ندارم.)

داستان هایی می توانند ما را عمیقا تحت تاءثیر قرار دهند که بتوانیم با

شخصیت های آنها ارتباط برقرار کنیم، چه داستان تخیلی باشد و چه واقعی. در

ادبیات داستانی شخصیتی که خوب پرداخته شده باشد نقاط ضعف و نقاط قوتی

دارد که از طریق اندیشه ها، رفتارها، گفت و گوها، روایت مستقیم یا اندیشه و

کلام شخصیت های دیگر داستان آشکار می شود. در ساختار سنتی داستان،

شخصیت اصلی با مشکلی روبه رو می شود که تغییری در او ایجاد می کند.

وقایع داستان را معمولا برخورد شخصیت اصلی با مشکل تعیین می کند. داستان

های خوب انواع مختلف رفتار را نشان می دهند. اگر با شخصیت ها همانند

سازی کنیم می توانیم احساس آنها را درک کنیم و عکس العمل آنها را پیش

بینی کنیم. اگر رفتار و اندیشه ی آنها غلط باشد، این را نیز درک می کنیم و آرزو می کنیم که روش خود را تغییر دهند.

برخی معتقدند باید از (آموزش شخصیت) حمایت شود، می گویند شخصیت های داستانی می توانند در ارائه ی الگوی رفتاری خوب برای بچه ها نقش مؤثری داشته باشند. همان طور که در قصه های سنتی نمونه های اخلاقی فراوان است و مثلا می تواند آنها را در حکایت های سعدی پیدا کنید. در قصه ای که خوب پرداخته شده باشد هم نمونه هایی از رفتار خوب و هم رفتار بد دیده می شود. داستان خوب به جای این که یک درس اخلاقی را به زور در حلقوم خواننده فرو کند، به او اجازه می دهد که انتخاب کند: به نظرم بنا به این دلایل این شخصیت درست رفتار کرد و این شخصیت غلط.

پیاژه می گوید که توانایی کودک برای گذاشتن خود در جای دیگران یکی از قدم های مهم رشد اوست. خواندن داستان های خوب که شخصیت های آنها خوب پرداخته شده اند و رشد و تغییر می کنند، به بچه ها کمک می کند این قدم مهم را بردارند و به سوی بزرگسالی حرکت کنند.

شما می توانید حتی به خردسالان نیز کمک کنید از شخصیت پردازی درکی به دست آورند. وقتی با صدای بلند برایشان می خوانید، از آنها پرسید که شخصیت یا قهرمان داستان چه احساسی دارد. آیا تو هم چنین احساسی را داشته ای؟ آیا تو هم در موقعیت مشابهی قرار گرفته ای؟ شخصیت ها با چه مشکلی روبه رو شده اند؟ شخصیت ها باید چه کاری انجام دهند؟ شخصیت ها از چه نظر تغییر کرده اند؟

با بچه های بزرگ تر می توانید درباره ی داستان های واقعی صحبت کنید: درباره ی مردم، رفتارها و احساسات آنها و این که آیا رفتارشان درست بود یا

نه. به یک درس خشک تاریخ، کمی شخصیت پردازی تزریق کنید و ببینید چقدر جان می گیرد! چه چیزی کاشفان را وادار کرد به جست و جو راهی به سوی شرق بپردازند. آیا کارشان درست بود که دریانوردان ناآگاه را با خود به هر کجا می کشیدند تا به هدف خود برسند؟

آیا هدف وسیله را توجیه می کند؟ وقتی نماینده ی فتحعلی شاه معاهده ی ترکمن چای را (در سال 1243 ه. ق) امضا می کرد چه احساسی داشت؟ آیا تمام احساس هایش مثبت بود؟ اگر تو بودی چه احساسی داشتی؟

وقتی بچه ها را تشویق می کنید احساس و رفتار شخصیت ها را با احساس و رفتار خود مقایسه کنند، به آنها کمک می کنند احساسات و رفتارهایی را که جنبه ی جهانی دارند، تشخیص دهند. بچه ها از طریق ادبیات نسبت به احساسات و اعمال دیگران آگاهی بیشتری پیدا می کنند و بدین ترتیب در زندگی واقعی خود می توانند با دیگران بهتر رابطه برقرار کنند.

41. بین کتاب ها رابطه برقرار کنید

وانسا که خواندن کتاب تار عنکبوت شارلوت را تازه تمام کرده بود. سرشار از هیجان به کلاس آمد. طرح داستان را با دقت و با آب و تاب تعریف کرد که چه داستان خوبی بود. چقدر شخصیت ها جالب بودند، بعضی از قسمت های آن چقدر غم انگیز بود و بعضی از قسمت ها چقدر خنده دار.

وقتی صحبت های وانسا تمام شد معلم از او پرسید (آیا استوارت کوچولو و شیپور قو را خوانده ای؟) و افزود: (این کتاب ها هم اثر ای. بی. وایت، یعنی همان کسی است که تار عنکبوت شارلوت را نوشته است.)

چشمان وانسا گرد شد و با صدای که از شدت هیجان به زور در می آمد گفت: (یعنی جز آن هم چیزی نوشته؟)

بچه ها در سن و سال خاصی هیچ وقت به این موضوع نمی اندیشند که کتاب نویسنده هم دارد. آنها به دنیای یک کتاب وارد می شوند، رقص کنان از آن عبور می کنند و با بستن کتاب از آن دنیا خارج می شوند. اگر از آن کتاب خوششان آمد ممکن است آن را بارها و بارها بخوانند.

اگر درباره ی کتاب مورد علاقه ی بچه ها با آنها صحبت کنید، به جای این که به خاطر عشقشان همان صفحات ثابت را بارها و بارها بخوانند، می توانند این عشق را با خود به دنیای بیرون بیاورند. از بچه ها بپرسید که چه چیز خاصی در آن کتاب وجود دارد؟ آیا موضوع کتاب خاص است؟ یا نوع آن، تصاویر، یا شخصیت هایش؟

آیا از ابتدا تا انتهای کتاب همین احساس کلی را داشتی که کتاب عالی است؟ اگر کتاب از نظر فرزندتان واقعا عالی بود به او کمک کنید از همان نویسنده کتاب های دیگری پیدا کند. به خاطر داشته باشید که یک نویسنده ممکن است برای گروه های سنی گوناگون بنویسد. کتابدار می تواند به شما در انتخاب عناوین مناسب کمک کند. اگر نویسنده یک سری کتاب نوشته باشد برنامه ی مطالعاتی فرزندتان تا مدتی پر می شود. (مراجعه کنید به روش 27).

اگر موضوع کتاب جالب بود، کتاب های دیگری پیدا کنید که موضوع مشابهی دارند. اگر نوع ادبی کتاب (مثلا نمایشنامه، یا داستان پلیسی) برای فرزندتان جالب بود به او کمک کنید کتاب های دیگری از همان نوع پیدا کند. برای این که مهارت های انتقادی فرزندتان را برانگیزد از او بخواهید کتاب هایی را که موضوعی واحد یا شخصیت هایی مشابه یا... دارند با هم مقایسه کند. از او بپرسید کدام یک را ترجیح می دهد و چرا.

اگر خودتان هم اهل مطالعه هستید احتمالا با استفاده از همین روش ها کتاب های خود را انتخاب می کنید. موضوع خاصی توجهتان را جلب می کند و دنبال کارهای مشابه آن می گردید. نویسنده ای که تازه با کار او آشنا شده اید نظرتان را می گیرد و برمی گردید که ببینید چه چیزهای دیگری نوشته است. علایق بچه ها تازه در حال شکل گیری است و آنها برای این که کشف کنند که چگونه تمایل خود را نسبت به خواندن ارضا کنند، به کمک نیاز دارند.

42. بچه ها را تشویق کنید پاسخ خود را از کتاب بگیرند نه از شما

کسانی که من و خواهر و برادرانم را از کودکی می شناختند می گویند روی میز غذاخوری ما اغلب کتاب های مرجع دیده می شد. اگر کسی بدون قصد و غرض سؤالی می پرسید، مثلا می پرسید: (آیا اهرام نزدیک قاهره اند؟) ناگهان ظرف های غذا عقب رانده می شد و سطح میز از اطلس های جغرافیایی و دایرة المعارف ها پوشانده می شد. اگر می پرسیدیم: (دیکته استقلال چیست؟ ساکسیفون را چه کسی اختراع کرد، کبک لانه خود را کجا می سازند؟) جواب پدرم همیشه این بود: (خودتان پیدا کنید).

پدر و مادر اولین مراجع اطلاعاتی فرزندان خوداند. به سؤالات فرزندان خود، به خصوص سؤالاتی که هنگام خواندن به ذهن آنها خطور می کند، حتما پاسخ دهید. البته می توانید آنها را در جهت مستقل شدن کمک کنید و منابع دیگر را به آنها معرفی کنید. وقتی روند کلی سؤالات کردن آنها تغییر می کند و به جای این که بپرسند: (زرّافه چیست؟) می پرسند: مهم ترین (شکارچی زرّافه در طبیعت چه موجودی است؟) معرفی منابع جدید اهمیت بیشتری پیدا می کند. به هر حال شما که پاسخ همه چیز را نمی دانید و نباید و نباید هم بدانید. همین قدر کافی است که بدانید پاسخ را کجا می توان پیدا کرد.

در خانه ی شما باید یک اطلس جغرافیایی، یک لغت نامه خوب و یک دایرة المعارف (دایرة المعارف تک جلدی کافیس) پیدا شود.

چاپ های کمی قدیمی تر آنها را می توانید به صورت دست دوم تهیه کنید. اگر چاپ آن به بیش از پنج سال پیش برمی گردد زحمت خریدن آن را به خود ندهید با گذر زمان مرز کشورها تغییر می کند، به واژگان زبان، لغت های جدید افزوده می شود و واقعیت های علمی تغییر می کند. اگر رایانه ای با Rom CD دارید می توانید یک CD تهیه کنید که تمام این منابع را شامل شود. اگر مودم داشته باشید می توانید در اینترنت به بسیاری از آنها دست پیدا کنید.

منابع مرجع را در جایی قرار دهید که به راحتی قابل دسترسی باشند. برای آموزشِ روشِ استفاده از این منابع به فرزندان خود، لازم نیست وقت زیادی صرف کنید. اگر به صورت عملی به آنها نشان دهید مفیدتر و معنی دارتر است. به مثال زیر توجه کنید:

پسر: پدر، dingbat یعنی چه؟ انگار یک جور حیوان است، اما در این متن انگلیسی که من می خوانم آدم ها همدیگر را dingbat خطاب می کنند.

پدر: بیا معنی آن را پیدا کنیم. اگر معنی یک کلمه را ندانیم آن را در کجا می توانیم پیدا کنیم؟

پسر: لابد در فرهنگ لغت.

پدر: درست است، کدام حرف را بگردیم؟

پسر: D، اول dingbat.

پدر: باز هم درست گفتی، حالا از واژه ای راهنما که در بالای صفحه نوشته می شود برای پیدا کردن صفحه ای که dingbat در آن نوشته شده است استفاده می کنیم. این صفحه با diet شروع می شود و با dinghy تمام می

شود پس فکر می‌کنم dingbat هم باید همین جا باشد، بله، همین جاست. می‌خواهی آن را بخوانی؟

پسر: (dingbat). معنی اول: آدم کم عقل. معنی دوم: سنگ یا آجری که برای پرتاب استفاده می‌شود معنی سوم: شیء کوچکی که نام آن را ندانند یا فراموش کرده باشند. معنی چهارم: یکی از علائم چاپگر) فکر می‌کنم آنی که در متن من استفاده شده است معنی اول است.

بعد از چند تمرین مانند تمرین فوق بچه‌ها می‌توانند به تنهایی معنی لغاتی را که نمی‌دانند در لغت نامه پیدا کنند و بدین ترتیب به جای این که به صورت منفعل اطلاعات را دریافت کنند، آن را به صورت فعال جست‌وجو کنند.

بخش 4: رفتار خوب را تغییر دهید

43. از واژه‌ها لذت ببرید و این لذت را نشان بدهید

داینا و تیم از مدت‌ها قبل از این که پسرشان بن به دنیا بیاید برای سرگرمی در ماشین، هنگام سفرهای طولانی با هم شعر می‌ساختند. هنگامی که به دیدن فامیل خود می‌رفتند، یکی از آن دو به طور ناگهان عبارتی را به زبان می‌آورد و این عبارت خط اول (شعر ماشینی) آنها را تشکیل می‌داد. سپس دیگری خط بعدی را می‌افزود و شعر آنها کیلومتر به کیلومتر بلندتر می‌شد. گاهی شعر آن قدر جذاب و پیچیده می‌شد که در آن لحظه کسی که پشت فرمان نبود آن را برای ادامه‌ی بازی روی کاغذ ثبت می‌کرد.

اخیرا در سفر به ویرجینیا طبق معمول داینا و تیم مشغول ساختن شعر بودند که ناگهان صدای ظریفی از صندلی عقب ماشین بلند شد و یک خط به شعر اضافه شد! او بن بود، پدر و مادر بن پنج ساله، هم متعجب شدند و هم خوشحال. بن هم مفهوم اساسی شعر را درک کرده بود و هم خطی به آن اضافه کرده بود که هم قافیه خط قبل بود. اکنون بن در بسیاری از اوقات در بازی والدین خود شرکت می‌کند و خطهای پیشنهادی او روز به روز علاوه بر قافیه، از نظر وزن معنا نیز بهتر می‌شوند.

در حالی که رانندگی می‌کنید می‌توانید واژه‌ای سخت و ناآشنا را برای فرزندان‌تان بخوانید، یا هنگام روزنامه خواندن واژه‌ای پرطمطراق و دهن‌پرکن را، بلند خوانی کنید. به ریتم‌ها و قافیه‌های ناهماهنگ در گفتار توجه کنید. به بازی‌های زبانی اهمیت بدهید چون فرزندان‌تان از این کار خوششان می‌آید و کم‌کم متوجه می‌شوند زبان ارزش کشف را دارد.

44. افق های فرزندتان و افق های خود را گسترش دهید

در مقابل حدود 15 کودک با پیشینه های نژادی و سنین مختلف نشستیم و می گویم: (می خواهم قسمتی از این کتاب را برایتان بخوانم. از شما می خواهم هر وقت کلمه ای را شنیدید که معنی آن را نمی دانید، دست خود را بلند کنید). بچه ها دور برم جمع می شوند و من برای آنها درباره ی لاک پشت ها و قورباغه ها می خوانم. دست ها بالا می روند، اول یکی دو تا و بعد بیشتر. بسیاری از بچه ها معنی دوزیست را نمی دانند. بعضی با شنیدن کلمه مرداب دست خود را بالا می برند.

چندتایی کلمه خونسرد را نمی فهمند و هیچ یک از آنها نیز معنی شکارچی را نمی داند.

جین چل، کارشناس خواندن در کتاب بحران خواندن. چرا بچه های ضعیف عقب می افتند به رابطه ی بین (بسامد بیرون رفتن با بزرگسالان) و پیشرفت در توانایی خواندن اشاره می کند. دانشی که بچه ها با خود به متن می آورند، بر آنچه از متن درک می کنند تأثیر مستقیم دارد. گسترش دادن تجربیات بچه ها در زندگی می تواند علایق و توانایی های آنها را در خواندن افزایش دهد.

ما بزرگسالان هنگام خواندن، می دانیم که چگونه کلمه ای ناآشنا را از کلمات اطراف آن درک کنیم و معمولاً می توانیم براساس متن درباره ی معنی کلمه ی ناآشنا حدسی عالمانه بزنیم. اما تصور کنید که هر سه یا چهار کلمه یک بار به کلمه ی ناآشنا برسد. کودکی که با متنی درباره ی لاک پشت ها و قورباغه ها روبه رو می شود، همان قدر گیج می شود که اگر متنی درباره ی فیزیک نجومی به شما بدهند.

با خارج کردن فرزندان از محدوده ی کوچک زندگی او، یعنی خانه و مدرسه، می توانید افق های او را گسترش دهید و بدین ترتیب توانایی خواندن او را افزایش دهید. اگر از طرح زیر پیروی کنید، بیرون رفتن با خانواده می تواند بالقوه دایره ی لغات و مهارت های زبانی فرزندان را افزایش دهد.

بیرون بروید = درباره ی جایی که رفتید صحبت کنید = کتاب هایی پیدا کنید که موضوع را بسط دهد.

برای بیرون رفتن لازم نیست که حتما به یک سفر دور و دراز بروید، حتی می توانید کاری ساده انجام بدهید، مثلا برای خرید روپوش مدرسه به مرکز خرید بروید. هدف این است که از بیرون رفتن به عنوان وسیله ای برای آموختن کلمات هنگام خواندن استفاده کنید تا بتوانید از این مفاهیم و کلمات هنگام خواندن استفاده کنید و به وسیله ی خواندن نیز آنها را گسترش دهید.

رفتن به جاهای زیر می تواند به گسترش دایره ی لغات و افزایش مهارت های زبانی فرزندان کمک کند:

موزه سینمانمایش های خیابانی

باغ وحش تئاتر بازار

راه پیمایی در طبیعت کنسرت نمایشگاه ها

باغ های گیاه شناسی مسابقات ورزشی شهر بازی ها

45. محیط مناسبی برای خواندن فراهم کنید

از دوران کودکی ام کتاب داستانی را به خاطر می آورم که در صفحه ی اول آن تصویر یکی از شخصیت های اصلی داستان دیده می شد. این کودک کناره پنجره به درون می تابید و پشت سر کودک بالش هایی بود به رنگ جواهر،

شاید هم بچه گربه ای در گوشه ای خوابیده بود. هر وقت به مکان بی نقصی برای مطالعه فکر می کنم، همین تصویر به ذهنم می آید.

در این کتاب وقت زیادی صرف کرده ام تا جنبه های مهم یک محیط مناسب برای خواندن را ترسیم کنم: داشتن کتاب و مطالب خواندنی دیگر در خانه، مطالعه کردن والدین، بیرون رفتن و تجربه کردن به صورت مشترک. علاوه بر آن، محیط مناسب برای خواندن باید ساکت، راحت، و پر نور باشد.

نیاز به سکوت شاید امری واضح به نظر برسد اما خانه خود را ببینید و به صداهای آن گوش دهید. آیا صدای تلویزیون و رادیو دائم بلند است؟ آیا فرزندان می توانند در اتاق را ببندد تا صدای دعوی خواهر و برادرش را نشنود؟ آیا همه صدای خیابان شنیده می شود؟ برای این که هدفتان از مطالعه کامل در متن فرو بروید. اگر صداهای خارجی حواستان را به طور مکرر پرت کند، غیرممکن است بتوانید تا حد مطلوب جذب متن بشوید. صدا به خصوص حواس بچه ها را پرت می کند، آنها را گیج می کند و آنها را از خواندن دلسرد می کند.

فرزندان در مدرسه روی نیمکتی سفت و پشت میز، مطالعه می کند. بچه ها به صورت غریزی تمایل دارند که روی زمین دراز بکشند. شاید خواندن روی فرش برای آنها از خواندن پشت میز راحت تر باشد و شاید رختخواب خود را برای مطالعه به صندلی ترجیح دهند. اگر امکان مالی آن را داشته باشید و فضای کافی نیز در خانه تان باشد، بد نیست یک مبل راحتی یا متگای ویژه برای فرزندان تهیه کنید چون بیشتر بچه ها از داشتن وسایل خصوصی لذت می برند. نوری که از بالای سر می تابد در اغلب اوقات تند است و به راحتی نمی تواند با آن مطالعه کرد. چراغ های مطالعه، به خصوص چراغ هایی که می توان

جهت نور آن را تنظیم کرد، در ایجاد محیطی سالم برای مطالعه نقش مهمی دارند.

اگر فضایی ساکت، راحت و روشن فراهم کرده اید باز هم کارتان کاملا تمام نشده است. کار دیگری که باید انجام دهید این است که زمان کافی را نیز در اختیار فرزندتان قرار دهید تا بتواند فارغ از کار خانه، فعالیت های دیگر و گفت و گو با اعضای خانواده، بدون مزاحمت به مطالعه بپردازد و در بطن کتاب فرو رود و با آن کاملا درگیر شود.

46. تلویزیون را به طور دائم روشن نگذارید، بلکه از آن عاقلانه استفاده

کنید

وقتی چیک به دنیا آمد، ملیسا و جاش، مادر و پدرش بهترین برنامه ها را برای او داشتند. می خواستند تلویزیون را در اتاق خواب خود نگه دارند و قبل از کلاس اول دبستان به پسرشان اجازه ندهند آن را تماشا کند. در آن موقع هم فقط قصد داشتند برنامه های مستند طبیعت و برنامه های آموزشی را به او نشان دهند.

اما بعد از مدت کوتاهی ملیسا به فواید ویدیو برای سرگرم کردن بچه هنگام صرف غذا پی برد. اگر هنگام صرف غذا یک کارتون موزیکال در ویدیو می گذاشتند می توانستند غذا را با آرامش و بدون تنش میل کنند. کمی بعد جیک به تعدادی از کارتون ها علاقه مند شده بود و اصرار داشت که آنها را بارها تماشا کند. از آنجا که هزینه کرایه ای فیلم ها زیاد شده بود ملیسا و جاش رضایت دادند که برنامه های کودک را از تلویزیون ضبط کنند و آنها را هنگام صرف غذا برای جیک نمایش دهند. البته تلویزیون نیز کانون اتاق نشیمن آنها شده بود. هر وقت که جاش برنامه های ورزشی را تماشا می کرد جیک هم آنجا بود. ملیسا

متوجه شد که جیک صدای خنده ای را که هنگام نمایش بعضی سریال های تلویزیونی پخش می شود، بسیار دوست دارد و نسبت به برخی از پیام های بازرگانی با ذوق و شوش عکس العمل نشان می دهد. وقتی خواهر جیک به دنیا آمد، دیگر تلویزیون بخش بزرگی از روز او را پر می کرد.

من نمی خواهم پیشنهاد کنم تلویزیون خود را بسوزانید چون معتقدم در خانه ای که به کتاب خوانی عشق می ورزند برای تلویزیون نیز جا هست.

البته بد نیست واقعیت را بدانید: 75 درصد از بچه هایی که خواندن آنها پایین تر از سطح متوسط است قبل از رفتن به مدرسه تلویزیون تماشا می کردند و نسبت بچه های ضعیفی که بیش از چهار ساعت در روز تلویزیون تماشا می کنند، دو برابر بچه هایی است که در خواندن، متوسط یا بالاتر از متوسط اند.

این در خانواده شما چه معنایی دارد؟ واضح است که وقتی فرزندان مشغول تماشای تلویزیون است، کتاب نمی خواند. شما باید محدودیت تعیین کنید. اگر نمی خواهید برنامه های خاصی را شامل این محدودیت کنید، زمانی را که فرزندان صرف تماشای تلویزیون می کند محدود کنید.

یکی از روشهای انجام این کار برگزاری یک همایش خانوادگی است. برای فرزندان توضیح بدهید که می خواهید همه ی اعضا خانواده زمان تماشای تلویزیون خود را محدود کنند تا بتوانند فعالیت های خارج از خانه، مطالعه، کار خانه و یادگیری بپردازند. سپس به بچه ها اجازه بدهید در جلسه ی تصمیم گیری شرکت کنند و به سؤالات زیر پاسخ دهند:

هر هفته چند ساعت می توانیم تلویزیون تماشا کنیم؟

کدام برنامه ها مورد علاقه ی ماست و می خواهیم آنها را تماشا کنیم؟

چگونه می توانیم برای برنامه های خاص یا برنامه های آموزشی وقت بگذاریم؟

اگر اعضای مختلف خانواده برای انتخاب کانال نظر واحد نداشته باشند چه کنیم؟

اجازه بدهید هر یک از اعضای خانواده از جدول هفتگی برنامه های تلویزیون برای انتخاب برنامه های مجاز هفته آینده خود استفاده کند. به صورت خانوادگی ساعت تماشا را محدود کنید و اختلاف نظرهایی که به وجود می آید حل کنید. برنامه ای را که به دست آوردید بنویسید و روی دیوار نصب کنید و دقت کنید که افراد خانواده در طول یک هفته تا چه حد آن را رعایت می کنند. در صورت لزوم در برنامه تغییراتی ایجاد کنید.

شما می توانید با روش های مختلف از تلویزیون بهره ی مفید ببرید. واضح ترین روش ای است که برنامه های (آموزشی) مانند مستندهای طبیعت، برنامه هایی درباره ی سفر، تاریخ و غیره را انتخاب کنید. اما از سطحی ترین سریال تلویزیونی نیز می توانید برای افزایش مهارت های زبانی فرزندان استفاده کنید.

چگونه برای بهبود درک علمی از سریال ها و نمایش های تلویزیونی استفاده کنیم.

قبل از تماشای برنامه از فرزندان بخواهید با تماشای آن پاسخ سؤ ال های زیر را پیدا کنند:

- شخصیت های اصلی چه کسانی اند؟
- فلان شخصیت با چه مشکلی روبروست؟
- چگونه مشکل را حل می کند؟

بعد از تماشای برنامه پاسخ فرزندانتان را مرور کنید و سوالات زیر را نیز اضافه کنید:

به نظر تو این برنامه در چه قالبی ساخته شده است؟ واقع گرایانه، طنز یا خیالی؟ چرا؟

آیا این داستان جور دیگری نیز می توانست پایان یابد؟

دقت کنید که این سوالات مانند سوالاتی است که می توانید درباره یک کتاب پرسید. همان طور که با برنامه سوال های خود می توانید فرزندتان را به یک خواننده جدی تبدیل کنید، این گونه سوالات نیز می تواند او را به یک بیننده ی جدی تبدیل کند (مراجعه کنید به روش 34). بخشی از خطر تلویزیون انفعالی است که در بیننده ایجاد می کند. برخورد انفعالی با کتاب واقعاً غیر ممکن است اما جلوی تلویزیون به راحتی می شود حالت گیاهی (مثل چغندر) به خود گرفت. فرزندتان خود را تشویق کنید هنگام تماشای تلویزیون فکر کنند تا از حالت منفعل خارج شوند و تلویزیون برای آنها به ابزار آموزشی تبدیل شود.

47. با معلم فرزندتان همکاری کنید

یکی از آشنایان من که معلم کلاس دوم است می گوید: (دانش آموزان کلاس من به طرز عجیبی نظر والدین خود را درباره ی آموزش و پرورش حس می کنند. آنها توانایی های والدین خود را با حس ششم خود نمی فهمند و می دانند که کدام یک بهتر می خواند یا کدام یک نمی تواند در انجام تکالیف به آنها کمک کند. آنها واقعا می فهمند که والدینشان درباره ی مدرسه و به خصوص درباره ی من چه نظری دارند... بعضی از والدین هیچ وقت در مدرسه پا نمی گذارند. حتی در روز مخصوص اولیا و مربیان نیز پیدایشان نمی شود. اما گاهی

جلوی بچه ها جنجال به پا می کنند که چرا معلمتان فلان چیز را به شما درس داده است. از طرف دیگر والدین بسیاری از بچه ها به صورت داوطلبانه حضور دارند و وقتی که دنبال فرزندان خود می آیند با من صحبت و درباره ی برنامه ی درسی بچه ها سؤال می کنند، لازم به ذکر نیست که این بچه ها بهترین بازده را در کلاس دارند، از انضباط گرفته تا مسائل درسی).

تحقیقات گوناگونی که در کشورهای مختلف انجام شده است نشان می دهد که بین موفقیت نوآموزان در خواندن و نقش والدین در امور مدرسه ی آنها رابطه ای مهم وجود دارد. منظور من این نیست که تمام علایق خود را کنار بگذارید تا به انجمن اولیا و مربیان بپیوندید، بلکه لازم است درک کنید که در یادگیری فرزندتان، هم در مدرسه و هم در خانه، نقش مهمی دارید.

آیا با کتاب های درسی فرزندانتان آشنایی دارید؟ آیا وقت می گذارید تا کتاب هایی را که از کتابخانه به خانه می آورند، تورق کنید. آیا می توانید با اطمینان بگویید که فرزندانتان با شعر، ادبیات تخیلی، مطالب غیرادبی، و نمایشنامه روبه رود شده اند؟ شاید سطح توانایی فرزندتان را در خواندن بدانید اما آیا می دانی که در حال حاضر مشغول خواندن چه کتابی است؟

هرگز دو معلم با سبک کار یکسان که بر مسائلی در آموزش خود تکیه کنند، پیدا نمی شود. شما اولین معلم فرزند خود هستید ممکن است با اخلاق یا روش معلم های دیگر اختلاف پیدا کنید. شما حق دارید که معلم را زیر سؤال ببرید اما این کار را در حضور فرزند خود انجام ندهید. اگر در دل فرزندتان نسبت به نحوه ای که به او آموزش داده می شود شک و تردید ایجاد کنید به طور قطع در کلاس دچار مشکل خواهد شد. وقتی بچه های حس می کنند که کار معلمشان مورد تئید شما نیست برای اطاعت از او و برای توجه به درس و کلاس دلیلی

نمی بینند. احترام مانند چسبی است که سلسله مراتب کلاس را حفظ می کند. اگر شما نسبت به معلمان فرزندان بی احترامی کنید، فرزندان نیز احساس می کنند که اجازه دارند خود نیز به آنها بی احترامی کنند.

روش درست این است که رابطه ای با معلم فرزتان برقرار تا بتوانید به راحتی با او صحبت کنید. معلم باید بتواند بدون گرفتن موضع دفاعی از سوی شما درباره ی ضعف های فرزندان صحبت کند. شما باید بتوانید توصیه معلم را درباره ی مطالب خواندنی جویا شوید، هنگام اشاره به مشکلات، خونسردی خود را حفظ کنید و در صورت لزوم پیشنهاد خود را برای کارهای کمک آموزشی در خانه بیان یا به نظر معلم گوش کنید. اگر شما و معلم بتوانید مانند یک تیم کار کنید به نفع شاگرد مشترکتان خواهد بود.

48. انتظار بالایی داشته باشید

در بیمارستان هارلم، برای مدت کوتاهی با پسری به نام جیمز کار کردم که گلوله خورده بود. بسیاری از دندان های جیمز روکش طلای داشت و عمده ترین مشکل او این بود که چرا دکترها (بی خودی) لباس های نوبی تنش را پاره کرده بودند. جیمز که 13 سال داشت یک فروشنده خرده پای مواد مخدر بود. من به جیمز گفتم که به بچه ها در خواندن کمک می کنم و او لحنی تمسخرآمیز گفت بچه های زیادی را می شناسد که اصلا خواندن بلد نیستند اما او و مادرش همان روز صبح سرود روحانی بیست سوم را از کتاب مقدس خوانده بودند. او در واقع خیلی روان می خواند اما از مدرسه دل زده شده بود. جیمز می گفت: (معلم ها مرا دوست ندراند). بعدا روشن شد که از زمان تولد جیمز، مادرش برای هزینه تحصیل او را در دانشگاه پس انداز می کرده است. جیمز هم مانند

مادرش واقعا انتظار داشت خود را از این وضع آشفته نجات دهد، به دانشگاه برود و یک زندگی خوب داشته باشد.

درباره ی این که معلم ها خود کاری می کنند که انتظاراتشان در کلاس برآورده شود چیزهای بسیاری گفته اند: دانش موزی که از نظر معلم ناموفق است تقریباً همیشه ناموفق می شود و دانش آموزی که در نظر معلم موفق است معمولاً طبق پیش بینی او به موفقیت دست می یابد. اگر با دقت به برخورد معلم با این دانش آموزان توجه کنید، الگوهایی را با دقت به برخورد معلم با این دانش آموزان توجه کنید، الگوهایی را خواهید دید که به طور قطع به نتیجه ی پیش بینی شده منتهی می شود. معلم از دانش آموز (ناموفق) کمتر درس می پرسد و این دانش آموزان به تدریج تمایل خود را برای بلند کردن دستشان یا شرکت کردن در امور کلاس از دست می دهند.

اما معلم از دانش آموز (موفق) بیشتر درس می پرسد، او را تشویق می کند که رهبری فعالیت ها را در کلاس به عهده بگیرد و عموماً مشوق تلاش های اوست. وقتی معلم در اوایل سال تحصیلی یک دانش آموز را ناموفق رده بندی می کند می توان برای کار او دلایل مختلفی جست و جو کرد. شاید به دلیل اختلافات بین شهری یا تبعیض جنسی یا شاید حتی به خاطر شهرت منفی او نزد معلمان سال گذشته باشد. (در مورد جیمز احتمالاً سر و وضع ظاهری و اخلاق او تأثیر مثبتی بر معلم ها نداشت). وقتی والدین یک کودک او را ناموفق ارزیابی می کنند، دلایلی بسیار پیچیده تر از این دارد، اما به همین نسبت برای کودک ضرر دارد.

اگر می خواهید محیط خانه ی خود را مناسب خواندن کنید، یکی از مهم ترین قدم هایی که می توانید بردارید این است که به فرزندانتان بفهمانید که از

آنها انتظارات بزرگی دارید. طبق تحقیقی که انجام شد بچه هایی که در خانواده های کم درآمد زندگی می کردند اما در خواندن موفق بودند، والدینی داشتند که از آنها انتظار رفتن به دانشگاه را داشتند. در واقع تقریباً همه تحقیقاتی که نقش والدین را در موفقیت بچه ها در خواندن بررسی می کنند، نشان می دهند که برخورد والدین با امور آموزشی و موفقیت های بچه ها، بسیار مهم تر از موقعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده آنهاست.

هرچه که بتوانید به فرزندانتان بدهید، باید از نیازهای اساسی آنها، یعنی غذا، لباس، سرپناه، عشق و باور به توانایی های آنها شروع کنید. و این نعمت آخر، یعنی باور به توانایی های آنهاست که بچه ها را از وضعیت متوسط بالاتر می برد و به آنها کمک می کند که از موانعی مانند معلم های بد، امکانات غیر کافی و محیط دوستانه عبور کنند و به عنوان خواننده، دانش آموز و بالاخره بزرگسالانی توانا، تمام استعدادهای بالقوه ی خود را شکوفا کنند.

49. تفاوت های بین بچه ها را به رسمیت بشناسید

پی. جی با اعضای خانواده اش که نسبت به خواندن ولعی سیری ناپذیر داشتند به هیچ وجه جور در نمی آمد. او همیشه بازی های پر جنب و جوش و بازی های ورزشی را به نشستن و کتاب خواندن ترجیح می داد. سر میز غذا برادرها و خواهرهای او با بیان افکار و فلسفه هایی که در کتاب ها می خواندند بر سر جلب توجه والدین خود با هم رقابت می کردند. پی جی بدون مکث غذا می خورد، قبل از تمام شدن غذای سایر اعضای خانواده اجازه می گرفت و از سر میز بلند می شد و به بیرون از خانه می دوید تا بازی کند.

پی. جی در طول رشد خود بیرون از جریان عقلانی حاکم بر خانواده ی خود باقی ماند. علی رغم این که به دانشگاه خوبی رفت و چند مدرک نیز گرفت، هنوز خود را (کودن) می نامد.

حتی درون یک خانواده واحد نیز رشد، گستره ی توجه و علایق بچه ها می تواند بسیار متفاوت باشد. به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به این تفاوتها می تواند شما و فرزندانتان را از ناراحتی های زیادی در امان دارد.

بعضی از والدین به تفاوت های ظاهری یا تفاوت های ظاهری یا تفاوت استعدادهای هنری فرزندانشان افتخار می کنند اما همین والدین به سختی می توانند قبول کنند که رشد شخصیتی یکی از بچه ها سریع تر از رشد شخصیتی دیگری صورت می گیرد یا یکی از بچه ها از فعالیت مورد علاقه ی دیگری است. هرگز نمی گویند: (چه بد که چشمان پسرمان سبز است، آخر چشمان سایر اعضای خانواده قهوه است.) اما اگر پسرتان نتواند خوب بخواند ممکن است به هر غریبه ای که می رسید بگویند: (وقتی خواهرانش این سن بودند خیلی خوب کتاب می خواندند.)

این گونه مقایسه ها همیشه تاءثیر مخرب دارد. حتی اگر در حضور فرزندانتان اظهار نظر نکنید، آنها اضطراب شما را حس می کنند. کودکی که به خواندن علاقه دارد کم رو می شود، و کودکی که نمی تواند خوب بخواند احساس حماقت می کند.

اگر کودکی به کلی از خواندن دوری کند ممکن است در یادگیری، یک ناتوانی جزئی داشته باشد که کار خواندن را مشکل و ناخوشایند می کند. اگر احساس می کنید که ممکن است چنین مشکلی وجود داشته باشد با معلم فرزندتان در این باره صحبت کنید. اما به خاطر داشته باشید که برخی از این

ناتوانی‌ها هرگز به طور کامل رفع نمی‌شود. ممکن است در مدرسه به فرزندتان توجه ویژه بشود و او نیز بیاموزد که این نقص خود را جبران کند اما شاید هرگز نتواند آن طور که شما می‌خواهید سریع بخواند و از خواندن لذت ببرد. حتی بچه‌هایی که در ظاهر هیچ مشکلی در یادگیری ندارند و دانشمندترین والدین دنیا را دارند ممکن است کارهای دیگر را به خواندن ترجیح بدهند. شما می‌توانید فرزندتان را سرمیزی که غذای آن کلم است بنشانید اما نمی‌توانید او را به خوردن آن وادار کنید. خواندن نیز همین طور است. بعد از آن همه کارهای لازم را انجام دادید و همه گفتنی‌ها را گفتید، بقیه اش به سلیقه تان ربط دارد. بهترین کاری که می‌توانید بکنید این است که میز را طوری بچینید که اشتهای فرزندتان تحریک شود، سپس غذا را در بشقاب‌ها بکشید و امیدوار باشید که الگوی رفتار مناسب شما نتیجه‌ی مورد نظرتان را سبب شود.

50. آرام باشید

وقتی در شیکاگو دوره‌ی آموزشی عملی تربیت معلم را می‌دیدم، آموزش خواندن به دو گروه ضعیف از بچه‌های کلاس اول دبستان را به عهده من گذاشتند و معلم همکارم نیز به بچه‌های قوی تر درس می‌داد. هنوز یادم می‌آید که یکی از ضعیف‌ترین دانش‌آموزان ضعیف‌ترین گروه، که پسر بچه‌ی کوچکی به نام آندی بود، چگونه هنگام برخورد با کلمه‌ای که نمی‌توانست آن را بخواند، آنقدر نفس خود را می‌گرفت تا کبود شود. و یادم می‌آید که چه قدر از کار او ناراحت می‌شدم. او این حقه را از کجا آموخته بود؟ مسلماً در کتاب نخوانده بود! کار او بسیار ناراحت‌کننده بود اما باعث می‌شد که فشار به سرعت از روی برداشته شود چون من با عجله کلمه را برای او می‌خواندم یا از دانش‌آموز دیگری می‌خواستم که به جای او بخواند.

مشکل اندی در اولین گردهمایی اولیا و مربیان برایم روشن شد. مادر او که مانند اندی، کوچک اندام و عصبی بود مثل فرفر وارد کلاس شد و می خواست بداند که چرا فرزندش که هیچ پیشرفتی در مدرسه نمی کرد گیر یک دانشجوی کارآموز افتاده بود و چرا حجم تکالیفی که به او می دادیم آنقدر کم بود. مادرش هر روز سر خود دو ساعت با او کار می کرد. و مطمئن بود که حق اندی از مدرسه بیشتر از چیزی بود که دریافت می کرد. او مضطرب ترین زنی بود که در عمر خود دیده بودم. پس از چند لحظه متوجه شدم که من نیز نفس خود را نگه داشته ام و بدین ترتیب با آن پسرک ریزنقش و عصبی که آنقدر مرا غمگین می کرد همدلی کردم.

بین توجه فعال به دست آوردهای فرزندانمان و به دست گرفتن کامل زندگی آنها تفاوتی وجود دارد. خط باریکی وجود دارد که داشتن انتظارات بالا را از انتظارات غیر واقع بینانه جدا می کند. بسیاری از والدین از روی حسن نیت و برای دیدن موفقیت فرزندان خود، از این خط عبور می کنند و فرزندانمان را به اضطراب های فردی خود مبتلا می کنند.

ممکن است مادر اندی این پیام ها را به صورت واضح بر زبان نیاورده باشد اما اندی این پیام ها را از او دریافت کرده است:

معلم تو نمی تواند به تو درس بدهد.

تو نمی توانی در مدرسه چیزی بیاموزی.

تو باید سریع تر بیاموزی.

تو موفق نیستی.

من می دانم که چه چیزی به نفع توست.

من خودم این مشکل را برای تو حل می کنم.

کار درست و حسابی خواندن است.

اگر فرزندان نمی‌توانند با موفقیت بخوانند طبیعی است که مضطرب شوید. اما لازم است یک قدم عقب بروید، یک مفس عمیق بکشید و به علل عدم موفقیت فرزندان بیاندیشید. شاید فرزندان هنوز برای خواندن آماده نیست (مراجعه کنید به روش 33). در مورد اندی مسلماً مشکل همین بود. او از اغلب بچه‌های کلاس اول کم سن‌تر و ریزتر بود و در مجموع کمتر رشد کرده بود و اگر یک سال دیگر نیز در کلاس آمادگی می‌ماند به نفع او بود. شاید فرزندان در یادگیری ناتوانی ای داشته باشند که با توجه شخصی یک متخصص به او رفع شود. و شاید هم کارهای دیگر را به خواندن ترجیح می‌دهد. (مراجعه کنید به روش 49).

اکنون به پیام‌هایی که شما می‌خواهید به فرزندان بدهید بیاندیشید:
تو می‌توانی.

اگر به کمک نیاز داشته باشی کمکت می‌کنم.
خواندن لذت بخش است.

برای این که بتوانید این پیام‌ها را به فرزندان منتقل کنید باید بتوانید آرام باشید. به فرزندان تکالیف اضافی ندهید. از کتاب طنز مورد علاقه‌شان برای آنها بخوانید. اگر نمره‌ی پایین گرفتند قشقرق به پا نکنید.

با نشان دادن استفاده‌های عملی خواندن به آنها کمک کنید اهمیت خواندن را درک کنند (مراجعه کنید به روش‌های 1511). و مهم‌تر از همه این که با رفتار خود به آنها نشان دهید: خود نیز برای لذت بردن بخوانید.

جان‌گاتری، استاد آموزش، در تحقیق نشان داد که مردم به دو دلیل می‌خوانند:

1. برای کسب دانش.

2. برای لذت و آرام شدن.

اگر به فرزندان نشان بدهید که از خواندن لذت می‌برید. آنها نیز می‌توانند از الگوی شما تقلید کنند اما اگر به آنها نشان بدهید که خواندن صرفاً یک تکلیف است که باید انجام شود، و صرفاً به کارهای درسی مربوط می‌شود، یا باید برای جلب رضایت شما بخوانند، فرزندان را از تجربه لذت درونی خواندن محروم می‌کنید. اگر چنین کنید فرزندان در نهایت هنگام خواندن چنان تنش خواهند داشت که نتوانند با خواندن به آرامش دست یابند و هرگز به خواندن عشق نخواهند ورزید.

پی نوشت ها :

- 1- مورچه و کبوتر، ترجمه ی مهران محبوبی، 1377، نشر مرکز، کتاب مریم.
- 2- شازده کوچولو، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوازدهم 1366.
- 3-Chomsky Carol.
- 4- در ایران مجموعه های زیر را می توان تهیه کرد:
الف. مجموعه ی 10 جلدی فسقلی ها، ناشر: کتاب های بنفشه (واحد کودکان و نوجوانان انتشارات قدیانی).
ب. مجموعه ی کتاب های نگاهی به تاریخ علم، ایزاک آسیموف، انتشارات فاطمی.
ج. مجموعه کتاب های سفرهای علمی، انتشارات افق.
و...
5- در ایران ما می توانیم به مناسبت های مختلف نظیر میلاد حضرت رسول (ص)، تولد حضرت علی (ع)، روز عاشورا و...، کتاب هایی را تهیه و در اختیار کودکانمان قرار دهیم. همین کار را به مناسبت 22 بهمن، سالروز ملی شدن نفت، انقلاب مشروطه، روز آزادی خرمشهر و... می توان انجام داد. (ن)
- 6- مثلا سیخ کباب سیخی شش زار. یا دایی ام چاقه، چایی ام داغه.

فهرست مطالب

2	سخن ناشر.....
3	مقدمه
6	بخش 1: مطالعه را با هم تجربه کنید
6	1. بگذارید فرزندتان ببیند که شما می خوانید
7	2. اطلاعاتی را که از مطالعه به دست می آورید، تقسیم کنید.....
10	3. با صدای بلند بخوانید
11	چگونه با صدای بلند بخوانید
12	4. روزنامه را خواندگی بخوانید
14	5. تشویق کنید که نسل های مختلف باهم بخوانند (خواندن بین نسلی).....
16	6. تشویق کنید که بچه های یک نسل با هم بخوانند (خواندن بین نسلی).....
18	7. با صدای بلند با همدیگر بخوانید
18	چگونه کار خواندن را تقسیم کنیم
19	با همدیگر (هر دو با هم می خوانید).....
20	8. درباره مطالب مورد علاقه خود در خانواده صحبت کنید
22	9. صحنه های مورد علاقه خود را در خانواده اجرا کنید
23	چگونه صحنه ها را در خانه اجرا کنیم
24	10. خواندن کتاب های مورد علاقه ی خود را به فرزندانتان توصیه کنید.....
25	11. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: خرید
27	چگونه هنگام خرید تمرینِ خواندن کنیم
28	12. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: آشپزی
29	چگونه هنگام پختن غذا تمرینِ خواندن کنیم

13. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: تعمیر خانه 29
- چگونه هنگام تعمیر خانه تمرین خواندن کنیم 30
14. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: کارهای دستی 31
- چگونه هنگام انجام کارهای دستی تمرین خواندن کنیم 32
15. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: شغل شما 33
- بخش 2: مطالب خواندنی را در دسترس قرار دهید 36
16. در خانه مطالب خواندنی داشته باشید 36
- چگونه احترام گذاشتن به کتاب را آموزش بدهیم 38
17. به هر جایی که می روید همراه خود کتاب ببرید 39
18. در اختیار بچه های مریض، کتاب و مجله قرار دهید 41
19. به عنوان پاداش به فرزندان کتاب یا مجله بدهید 42
20. کارهایی را اختراع کنید که به خواندن مربوط می شود 43
21. مجلات کودکان را مشترک شوید 45
22. برای فرزندان یک دوست مکاتبه ای پیدا کنید 46
- چگونه دوستی مکاتبه ای را فعال نگه داریم 48
23. در خانواده داستان های تجربه ی زبانی خلق کنید 49
- چگونه داستان تجربه ی زبانی را پدید آوریم 50
24. برای خانواده دفتر یادگاری درست کنید 51
- بچه های کوچک تر می توانند 52
- بچه های بزرگ تر می توانند 52
- چند پیشنهاد برای دفترهای یادگاری موضوعی 53
25. مراجعه به کتابخانه را در روال کارهای جمعی خانواده قرار دهید 53
26. به نمایشگاه های کتاب بروید 56
27. فرزند خود را با کتاب های سری آشنا کنید 57

28. داستان هایی را پیدا کنید که فیلم یا کارتون آن نیز ساخته شده است 58
- چند داستان کلاسیک کودکان (کارتون) 60
- چند داستان کلاسیک کودکان (فیلم) 60
29. از کتاب هایی که موضوع آن جشن های ملی و مناسبت های مذهبی است،
استفاده کنید 60
30. برای تابستان یک برنامه مطالعه ی آزاد تنظیم کنید 61
- چگونه برای تابستان برنامه مطالعه ی شخصی خود را تنظیم کنید 63
31. در سفرهای طولانی با ماشین کتاب بخوانید 64
32. به نوار قصه گوش کنید 66
- بخش 3: رفتار بچه ها را اصلاح کنید 68
33. اطمینان حاصل کنید که فرزندتان برای خواندن آماده گی دارد 68
- چگونه فرزند خود را برای خواندن آماده کنید 71
34. خواندن فعال را تشویق کنید 72
- خواندن جدی و هوشمندانه را چگونه تشویق کنیم 74
35. اجازه بدهید بچه ها به موضوعی علاقه مند شوند و آن را دنبال کنند 76
36. به بچه هایی که نمی توانند بخوانند اجازه بدهید قصه را از روی تصاویر تعریف
کنند 79
- تکرار = حفظ کردن = خواندن 80
- چگونه داستان را از روی تصویر تعریف کنیم 81
37. از بچه ها بخواهید پس از شنیدن داستان آن را دوباره تعریف کنند 81
- چگونه اتفاقات زندگی واقعی خود را تعریف کنیم 84
38. از بچه ها بخواهید داستان ها را ارزیابی کنند 84
- هر کتابی ارزش خواندن ندارد 85
- این سؤال ها به فرزند شما کمک می کنند تا کتاب ها را ارزیابی کند: 86

39. بین داستانها و زندگی بچه ها ارتباط برقرار کنید 86
- دانش پیش زمینه + محتوای داستان = درک متن 87
- سؤال هایی برای کمک به فرزندان برای برقراری رابطه بین داستان ها و زندگی واقعی 87
- طرح 88
- شخصیت پردازی 88
40. بچه ها را تشویق کنید با شخصیت ها همانند سازی کنند 88
41. بین کتاب ها رابطه برقرار کنید 90
42. بچه ها را تشویق کنید پاسخ خود را از کتاب بگیرند نه از شما 92
- بخش 4: رفتار خوب را تغییر دهید 95
43. از واژه ها لذت ببرید و این لذت را نشان بدهید 95
44. افق های فرزندان و افق های خود را گسترش دهید 96
45. محیط مناسبی برای خواندن فراهم کنید 97
46. تلویزیون را به طور دائم روشن نگذارید، بلکه از آن عاقلانه استفاده کنید .. 99
47. با معلم فرزندان همکاری کنید 102
48. انتظار بالایی داشته باشید 104
49. تفاوت های بین بچه ها را به رسمیت بشناسید 106
50. آرام باشید 108
- بی نوشت ها : 112
- فهرست مطالب 113